

# نگاهی به نظام ترویج کشاورزی در پاکستان

● مهندس کوروش روستا

## چکیده:

نگاهی اندیشمندانه به عملکردهای ترویج کشاورزی در سایر کشورها، بحث و تفحص در مورد علل نشیب و فرازها و سرانجام یافتن اصول و موازینی که سبب موفقیت این فعالیتها شده است، کمک می کند تا زمینه مناسب برای یک نظام ترویج کشاورزی پویا و موفق در کشور فراهم شود. از طرف دیگر، اهمیت و نقش ترویج در توسعه کشاورزی، گسترش روزافزون گروههای ترویج در ایران، توجه دست اندرکاران و مسئولان کشاورزی به گسترش سریع علوم و فنون کشاورزی جهت تحقق اهداف توسعه کشاورزی، ضرورت توجه به نظامهای ترویج کشاورزی در جهان و درس گرفتن از تجارب آنها را ضروری می نماید. بررسی حاضر با هدف نگاهی به برخی از مهمترین جنبه های اجزای نظام ترویج کشاورزی پاکستان انجام گردید و اطلاعات لازم این بررسی از طریق مطالعه کتابخانه ای کسب شده است.

این مقاله در ساختار خود ابتدا به معرفی کشور پاکستان و بیان اهمیت کشاورزی آن می پردازد و سپس مباحثی مانند توسعه کشاورزی و نظام ترویج کشاورزی در قسمتهای مختلف این کشور را مطرح می کند و در پایان به نتیجه گیری و ارائه چند پیشنهاد می پردازد.

## مقدمه:

پاکستان یکی از کشورهای قاره آسیاست که در چهاردهم اگوست ۱۹۴۸ از هندوستان (که مستعمره انگلستان بود) طی مبارزه های آزادی طلبانه رهبران سیاسی و اجتماعی به استقلال رسید. حکومتش از نوع جمهوری اسلامی است و از ۴ ایالت بزرگ پنجاب، سند، سرحد شمال غربی، بلوچستان و شهر اسلام آباد پایتخت فدرال تشکیل شده است. مرکز پنجاب شهر لاهور، مرکز سند کراچی، مرکز سرحد شمال غربی پشاور و مرکز بلوچستان کوئته می باشد.

**اهمیت و نقش ترویج در توسعه کشاورزی، گسترش روزافزون گروههای ترویج در ایران، توجه دست اندرکاران و مسئولان کشاورزی به گسترش سریع علوم و فنون کشاورزی جهت تحقق اهداف توسعه کشاورزی، ضرورت توجه به نظامهای ترویج کشاورزی در جهان و درس گرفتن از تجارب آنها را ضروری می نماید.**

هر ایالت از چند Division (ناحیه) و هر ناحیه از چند District (منطقه) و هر منطقه از چند Tehsil (حومه) و هر حومه از چند Markaz (مرکز) و هر مرکز از چند

Union Council (دهستان) و هر دهستان از چند Village (روستا) تشکیل شده است. پاکستان دارای آب و هوای گرم و خشک است که در نقاط مختلف کشور متنوع می باشد. به طور متوسط می توان گفت، کمترین درجه حرارت آن ۴/۴۴ درجه سانتیگراد و بیشترین آن ۵۲/۳۲ درجه سانتیگراد می باشد.

متوسط بارندگی در شمال کشور در حدود ۱۲۵ میلی متر و در جنوب ۸۷۵ میلی متر می باشد که پراکندگی آن یکنواخت نیست.

نژاد مردم پاکستان هند و آریایی است و ۹۴ درصد مردم مسلمان بوده و بقیه مسیحی، هندو، زرتشتی و بودایی می باشند. جمعیت این کشور ۹۵ میلیون نفر است (۱۹۹۰). نرخ رشد جمعیت ۳ درصد در هر سال می باشد. ۱۴ درصد جمعیت در بخش صنعت، ۱۴ درصد در بخش خدمات و ۵۳ درصد در بخش کشاورزی به کار گرفته می شوند. افراد باسواد ۲۶ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند.

این کشور دارای مساحتی معادل ۷۹/۶۱ میلیون هکتار است که سطح زیرکشت آن ۲۰/۶۶ میلیون هکتار می باشد. ۱۴ میلیون هکتار از این سطح زیرکشت آبی می باشد و به وسیله منابع مختلف آبیاری می شوند و ۶ میلیون هکتار به صورت دیم

کشت می شوند.

محصولات عمده کشاورزی عبارتند از:

گندم، برنج، ذرت، جو،

چغندر قند، نیشکر، پنبه و تنباکو.

بازده محصولات کشاورزی پاکستان کم

بوده و عامل مؤثری برای تشویق مردم به

تولید بیشتر نبوده است. دولت سعی می کند

از طریق توسعه برنامه های منطقی از قبیل:

دگرگونی فن آوری و اقتصادی، استفاده

اثربخش از نهاده های جدید بازده

محصولات را افزایش دهد.

### اهمیت کشاورزی در پاکستان

کشاورزی بزرگترین قسمتی است که

تمام عملکردهای اقتصادی به آن وابسته

است. تقریباً ۷۰ درصد جمعیت کشور به

طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به این

قسمت اساسی هستند.

۵۲ درصد از نیروی کار فعال در بخش

کشاورزی به کار گرفته می شوند و سهم آن در

تولید ناخالص داخلی (GDP) حدود ۳۰

درصد می باشد. ۳۵ درصد از درآمد

دادوستدهای خارجی، مربوط به کشاورزی

است.

توسعه کشاورزی در پاکستان

اولویت نواحی مختلف برای رشد و

توسعه متفاوت می باشد. یعنی ناحیه هایی

که پیشرفت زیادی در تولید محصول دارند و

در مدت زمان کوتاهی می توانند مقدار

زیادی محصول تولید کنند، بیشترین توجه را

به خود مشغول می سازند. در توسعه

کشاورزی تأکید بر این است که برنامه های

توسعه را از جایی شروع کنند که آمادگی و

امکانات و وسایل لازم وجود داشته باشد.

### استراتژیهای توسعه کشاورزی

۱- به منظور افزایش بازده محصولات

کشاورزی دانش لازم در باره فن آوری تولید

فراهم می شود.

۲- اولویت بالایی به تدارک نهاده ها و

نظم صحیح آنها برای افزایش فوری تولیدات

داده می شود.

۳- تأمین نهاده ها از طریق بهبود نظام

توزیع و برقراری ارتباط با دانش ضروری به

منظور استفاده خردمندان کشور جریانی می

یابد.

۴- تسهیل اعتبارات در حد معقول یک

عصر مهم در سیاست و توسعه دولت می

باشد که هدف آن تقویت ظرفیت تولیدات

کشاورزان می باشد.

۵- تثبیت قیمت های محصولات اصلی و

خرید مستقیم آنها از کشاورزان توسط

دولت.

۶- رواج به کارگیری کودهای شیمیایی

در نواحی که استفاده نمی شده است.

کشاورزان در رابطه با زمان صحیح و

روشهای کاربرد کودها، میزان متعادل و

معینی که باید استفاده شود و همچنین نوع

عنصر کمبودی آموزش می بینند.

۷- تأکید ویژه روی گسترش استفاده از

میکرونوترینتها می باشد. زیرا کمبود آنها در

چند ناحیه ظاهر می شود و بازده

محصولات را کاهش می دهند.

۸- به منظور افزایش کارایی استفاده از

کود، خاک و آب، خدمات آزمایشگاهی

تقویت می شود.

۹- برای کنترل آفات، تصمیم گرفته شده

که به جای استفاده از مواد شیمیایی تا حد

ممکن از مبارزه بیولوژیکی استفاده شود.

۱۰- شوری و سنگینی آب از طریق

ایجاد زهکشی و ابزارهای دیگر برطرف می

شود. اولویت زیادی در برنامه های ملی به

این امر داده شده است. به طور موقت برای

بهبود و حاصلخیزی خاکهای شور از

گونه های گیاهی مقاوم

ناحیه های روستایی صورت می گیرد.

### نظام ترویج کشاورزی پاکستان

تولید محصولات کشاورزی مسئله

خیلی پیچیده ای است که به شدت با عوامل

مختلف تولید در ارتباط است. تعداد کمی از

این عوامل که در نظام تولید کشاورزی

مؤثرتر است، عبارتند از: توسعه فن آوری

بهینه برای تولید و پخش آن بین کشاورزان،

طرح سیاستهای کشاورزی مناسب، مدیریت

صحیح و بنیادی در مودر تأمین نهاده های

کشاورزی و بالا بردن چگونگی عملیات

زراعی. از کلیه عوامل ذکر شده، عمومی

شدن استفاده از الگوی بهینه فن آوری برای

استفاده کنندگان نهایی (کشاورزان) از

اهمیت حیاتی برخوردار است و این وظیفه

مهم در قالب برنامه های ترویج کشاورزی در

کشور به مرحله اجرا گذاشته می شود.

ترویج کشاورزی سازمان اصلی است که

عهده دار انتقال فن آوری به کشاورزان است.

افزایش محصولات کشاورزی در پاکستان به

وسیله ایجاد انگیزه در کشاورزان به منظور

پذیرش فنون نوین به جای تجربه های سنتی

کمک می کند.

خدمات ترویجی که انجام می شود،

شامل کشاورزی، دامپروری، جنگل،

بهداشت و خانه داری است.

نام	ناحیه (Divison)	منطقه (District)	حومه (Thesil)	روستا (Village)
پایتخت فدرال	-	۱	۱	۱۳۳
پنجاب	۸	۲۹	۹۰	۲۵۲۶۶
سند	۳	۱۵	۷۵	۵۸۴۶
سرحد شمال غربی	۵	۱۳	۹۷	۷۸۰۹
بلوچستان	۶	۱۶	۵۲	۶۱۱۱
پاکستان	۲۲	۷۴	۳۱۵	۴۵۱۶۵

### سیر تکامل ترویج کشاورزی در پاکستان

ترویج کشاورزی در اوایل قرن نوزدهم

همزمان با ساخت سیستم شبکه های آبیاری

در شبه قاره هند و پاکستان شروع به کار کرد.

در ابتدا به صورت یک بخش بود که از دو

قسمت پژوهش و ترویج تشکیل شده بود.

در سال ۱۹۳۷، پژوهش از آن جدا شد و

ترویج به صورت واحدی درآمد که دفتر

به شوری

در سطح وسیع استفاده می شود. ۱۱-

عملکردهای اصلی توسعه کشاورزی بر

روی بهبود آبیاری کشاورزی در سطح وسیع

متمرکز است که به طور زیاد مورد غفلت

واقع شده است.

۱۲- به موازات استراتژی توسعه

کشاورزی، توسعه سریع زیرساختاری از

قبیل جاده ها، تدارک آب آشامیدنی و ... در

پس از استقلال در سال ۱۹۴۸ میلادی، اجرای برنامه های مختلف ترویجی در جهت افزایش تولیدات کشاورزی صورت گرفته و در ارتباط با افزایش نیروی انسانی و مناطق تحت پوشش و اجرای عملکردها در طول زمان تکامل پیدانموده است. گرچه هنوز با بسیاری از مشکلات اداری-تشکیلاتی، اجرایی و ارتباطی رو به روست.

### تشکیلات سازمانی ترویج کشاورزی

ترویج کشاورزی بر مبنای تشکیلات کشوری (ایالتی) سازماندهی شده است و تا حدود زیادی یک مسئولیت ایالتی است.

### چارت سازمانی ترویج کشاورزی در ایالت پنجاب

### کارکنان ترویج کشاورزی در پاکستان

- الف) کارکنان متخصص
- ب) کارکنان نیمه متخصص
- ج) کارکنان فرعی

کارکنان متخصص: حداقل دارای مدرک علمی لیسانس در کشاورزی و یا رشته های وابسته به آن می باشند. آنها مسئولین اجرایی کشاورزی، مدیران، مدیرکل، مسئول آموزش و متخصص در زمینه های مختلف می باشند.

کارکنان نیمه متخصص: مروجین هستند که در سطح مزرعه خدمت می کنند. معمولاً دارای مدرک تحصیلی حرفه‌ای در زمینه ارائه کمکهای فنی مورد نیاز در سطح مزرعه هستند.

کارکنان فرعی: کارگران غیرماهر و نیمه ماهر هستند که در زمینه اجرایی عملکردهای ترویج در سطح مزرعه، آنها مروجین را یاری می دهند.

### آموزش و کارآموزی کارکنان ترویج

آموزش و کارآموزی تحصیل کرده‌های کشاورزی به طور کامل جوابگوی احتیاجات شغلی آنها بخصوص در زمینه ترویج نمی‌باشند. آموزش آنها بیشتر مناسب مشاغل پژوهشی است تا اشتغال به امور ترویجی. این در حالی است که بیشتر

### اهمیت کشاورزی در اقتصاد پاکستان (۸۱-۱۹۸۰)

میلیون روپیه	نقش کشاورزی در اقتصاد
۲۷۲ ۱۰۲	کل تولید ناخالص ملی
۷۴ ۷۵۷ (٪۲۷/۵)	سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی
۲۹ ۲۸۰	کل صادرات
۲۰ ۳۱۰ (٪۶۹)	سهم کشاورزی در صادرات
۲۳ ۵۲۴	کل واردات
۷ ۶۸۴ (٪۱۴/۷)	سهم کشاورزی در واردات

میلیون نفر	جمعیت
۸۷/۸۳	کل
۲۳/۶۹ (٪۲۸/۳)	شهری
۶۰/۰۹ (٪۷۱/۷)	روستایی
۲۴/۴۵	کل نیروی کار
۱۳/۳۱ (٪۵۴/۴۳)	نیروی کار کشاورزی

ترویجی. این در حالی است که بیشتر آنها جذب کارهای ترویجی می شوند. دوره های تحصیلی، بیشتر تأکید بر مسائل تئوری است تا مسائل عملی.

آموزش مروجین نیز که کارکنان نیمه متخصص هستند، بیشتر در زمینه های فنی بوده و توجه کمتری به مسائل و روشهای ترویجی، ارتباطات، جامعه شناسی روستایی و روابط عمومی و غیره به عمل می آید.

مروجین کشاورزی در بدو خدمت برای مدت ۲ سال در مؤسسه های آموزش کشاورزی آموزش می بینند. مؤسسه های آموزش کشاورزی سالانه حدود ۳۰۰ نفر مروج آموزش دیده تربیت می کنند. خدمات آموزشی ارائه شده در این مؤسسه ها در زمینه فن آوری و پژوهشهای نوین می باشد.

### عملکردهای ترویجی مربوط به زنان

در پاکستان وزارتخانه ای در زمینه عملکرد زنان وجود دارد که برنامه ها و طرحهایی را گردآوری می کند تا بتواند خدماتی را به زنان ارائه دهد. اما به دلیل جو حاکم بر پاکستان و نکات فرهنگی که وجود دارد، هرگز موفق نبوده است و زنان روستایی در عملکردها مشارکت نمی کنند. به همین خاطر در پاکستان مروج زن وجود ندارد.

### عملکردهای ترویجی مربوط به جوانان

در پاکستان وزارتخانه ای در زمینه عملکرد جوانان وجود دارد. این وزارتخانه عملکردهایی را در رابطه با جوانان انجام می دهد از قبیل: دادن وام به جوانان، ایجاد اشتغال برای آنها و ارشاد عملکردهای آنها و ... ولی نیروهای بازدارنده فرهنگی (پایین بودن سطح سواد، آداب و رسوم موجود و ... ) زیادی وجود دارد که باعث می شود جوانان روستایی تمایلی به شرکت در عملکردهای ارائه شده نداشته باشند و از امکانات و وسایل استفاده نکنند. البته نهادهایی وجود دارد که جوانان در آن اجتماع کرده و از امکانات و وسایل تفریحی استفاده می کنند. ولی انسجام یافته نیست. در اوایل سال ۱۹۶۰، یک شرکت آمریکایی که در توسعه بین المللی فعالیت دارد، برنامه هایی در پاکستان انجام داد و مورد حمایت قرار گرفت که باعث تقویت برنامه ترویج پاکستان شد و برنامه 4-H را به پاکستان آورد که بسیار محدود بود و نمی توانست عملکرد خود را در سطح روستاها گسترش دهد.

### دستیابی و کاربرد فن آوری

مخاطبان مروجین را افراد مختلفی با انواع نیازهای اطلاعاتی (از ساده ترین تا مشکل ترین) تشکیل می دهند. دستاوردهای فعلی ترویج بر مبنای تئوریهای ارتباطات برنامه گذاری و عرضه می شود. لذا به کارگیری ترکیبی از روشها و ابزار مختلف آموزش مورد نیاز است.

### ارتباطات

ترویج کشاورزی تنها به صورت عرضه کننده خدمات مؤثر و مثمر ثمر نیست. ترویج بر سایر نهادهایی که در زمینه

کشاورزی فعالیت می‌نمایند، اثر می‌گذارد و خود نیز تحت تأثیر این قبیل نهادها قرار دارد. ترویج کشاورزی مسئول عرضه ایده‌ها و فن‌آوری‌هاست. به علت نبودن ارتباط نزدیک و مؤثر بین ترویج و پژوهش، پژوهشگران و کارهای پژوهشی به مشکلات مزارع توجهی ندارد. علاوه بر آن به علت تمرکز یافتن عملکردهای بعضی نهادهای غیردولتی و بنگاه‌های خصوصی در مسائل ترویجی باعث سردرگمی کشاورزان می‌شود.

تجربه نشان داده است که نهادهای مورد نیاز کشاورزان به موقع توزیع نمی‌شود و اثرات نامطلوبی را در ذهن آنها به جای می‌گذارد. علاوه بر مطالب بالا، هیچ‌گونه سازمانی در سطوح مختلف کشور وجود ندارد که پژوهشهایی در زمینه تهیه روشهای ترویجی انجام دهد. بانک اطلاعاتی در مورد نظامهای ترویجی در داخل کشور بسیار ناچیز است.

### روابط بین پژوهش و ترویج

قبل از اینکه نظام سازمانی رابطه بین پژوهش و ترویج مورد بحث قرار گیرد، قابل ذکر است که کشاورزی در پاکستان یک موضوع ایالتی است و دولت مرکزی تنها عهده‌دار سیاستگذاری، هماهنگی و استفاده از تجارب بین‌المللی محصولات غذایی کشاورزی است. اگرچه، پژوهشهای کشاورزی دارای ساختار موازی است. یعنی دولت مرکزی و ایالتی هر کدام نهادهای پژوهشی ویژه خود را دارند، اما ترویج کشاورزی تا حدود زیادی یک مسئولیت ایالتی است. این مشکل اساسی در مدیریت کشاورزی، معضلات بسیاری را در مدیریت کارآمد نظام تولیدی کشاورزی کشور پدید آورده است.

ترویج کشاورزی منحصرأ توسط حکومت‌های ایالتی سازماندهی می‌شود. در هنگام استقلال، بیشتر حکومت‌های ایالتی برنامه‌های آموزشی، ترویجی و پژوهشی هماهنگی را داشتند که سازماندهی و نظارت آنها به خوبی توسط سازمانهای ایالتی کشاورزی انجام می‌شده است. به تدریج این نظام جدا شد و با گذشت زمان کارایی خود را از دست داد.

به عنوان مثال در ایالت پنجاب، یک اداره کل کشاورزی در زمان استقلال وجود

داشت که متصدی بخش کشاورزی به طور اعم بود و مسئولیت تمام جنبه‌های تولیدی بخش کشاورزی را نیز به عهده داشت. سازمان کشاورزی مسئول ترویج، آموزش و پژوهش کشاورزی نیز بود. به تدریج سازمانهای کشاورزی به ساختارهای بسیاری تجزیه شد به گونه‌ای که امروزه سازمانهای مجزای کشاورزی (آبیاری- دامپروری - زراعت و...) وجود دارد که هر کدام توسط یک مدیر کل در دولت ایالتی سرپرستی می‌شود.

در حال حاضر، مکانیزم کارآمدی برای پیوند دادن پژوهش و ترویج در بخش ایالتی یا مرکزی وجود ندارد. بیشتر مروجان کشاورزی دانش کهنه‌ای نسبت به آخرین پیشرفته‌ها در تولید محصولات مختلف منطقه خویش دارند که این مروجین در مقایسه با کشاورزان تلاش کرده‌اند تا آخرین فن‌آوری را از نهادهای پژوهشی کسب کنند.

تلاش این کشاورزان ناشی از علایق قوی آنها بوده است. در نتیجه، کشاورز مروج را به عنوان آخرین اطلاعات برای حل مشکل خویش نمی‌داند و قابلیت اعتماد ترویج در نزد کشاورزان از بین رفته است.

کارکنان ترویج تنها در مواقع بحرانی ناشی از حوادث طبیعی از قبیل حمله آفات و بیماریها و عوامل محیطی که موجب اعتراض کشاورزان می‌شود به آنجا رفته و گزارشهای محلی را به نهادهای پژوهشی یا به مراکز ستادی برای تصمیم‌گیری مناسب می‌فرستند. نظام نظارت سازمان یافته‌ای برای شناسایی مشکلات جوامع کشاورزی با توجه به تولید محصولات مختلف و رابطه آنها با نهادهای پژوهشی وجود ندارد.

مشکل اساسی رابطه پژوهش و ترویج در این است که این دو عملکرد، بدون آنکه در تعامل با هم باشند در سازمانهای مختلف اجرا می‌گردند.

### مشکلات اساسی ترویج کشاورزی

#### در پاکستان

(۱) نامشخص بودن خط‌مشی‌هایی که استراتژی ترویجی را مشخص و معین می‌سازد.

(۲) اتصال ضعیف بین منابع فن‌آوری و استفاده‌کنندگان

(۳) فقدان آموزش و انگیزه برای دخالت در عملکردهای ترویجی

(۴) محدودیت از لحاظ مالی و

منابع درآمد

(۵) اهمیت ندادن به برنامه‌های ترویج

زنان

(۶) توانایی ضعیف مدیریت در انتقال،

پذیرش، نظارت و ارزشیابی فن‌آوریهای

وارداتی و خارجی

### ایالت پنجاب

هدف نهائی سازمان کشاورزی افزایش تولیدات کشاورزی است. سازمان کشاورزی

در سطح ایالتی، عهده دار دامنه وسیعی از عملکردهای حمایتی است که ترویج کشاورزی، پژوهشی، حفظ نباتات، اصلاح خاک و بازاریابی را می‌توان نام برد. در این ایالت، ترویج در سطح محلی، دارای یک مروج است که برای دو سال در کشاورزی آموزش می‌بیند و با یک مددکار عهده‌دار ۱۰۰۰ کشاورز یا بیشتر می‌باشد.

نظام ترویج کشاورزی در این ایالت، نظام آموزش و دیدار به صورت غالب و همراه با ترویج سنتی می‌باشد. این نظام (T&V) از سال ۱۹۷۸ در این ایالت انجام می‌شود.

نهادهای پژوهشی دارای ۱۰۵۳ هکتار زمین و ۲۲ بخش پژوهشی در ارتباط با محصولات خاص و موضوعاتی از قبیل: حفظ نباتات، مهندسی زراعی، حاصلخیزی خاک و... می‌باشد. بعضی از این نهادهای پژوهشی دارای واحد ترویج جداگانه می‌باشند.

این ایالت دارای یک دانشگاه کشاورزی در فیصل آباد است که علاوه بر پژوهش، در ترویج این پژوهشها نیز فعالیت دارد. پژوهش، آموزش و ترویج ۳ عامل اساسی توسعه و رشد فرهنگ می‌باشند. این دانشگاه، دارای ۶ دانشکده می‌باشد که یکی از دانشکده‌های آن، دانشکده ترویج کشاورزی است.

### ایالت سند

رهیافت ترویجی متداول ترویج سنتی است. در این ایالت، هر مروج ۶۶۰ نفر کشاورز را زیر نظر دارد. در هر سال، ۱۰۰ نفر مروج در یک دوره ۲ ساله تربیت می‌شوند. در این ایالت، شورای هماهنگی به وجود آمده است تا پژوهش، ترویج و آموزش باهم هماهنگ باشند. در این ایالت، در ابتدای هر فصل کشت، یک همایش دارند

که مروج و پژوهشگر مسائل ترویج و روند پژوهش را معین می‌نمایند و پژوهشگر نیز یافته‌های خود را به مروج می‌دهد و خط مروج را تعیین می‌کند.  
در این ایالت، ۳۰ مرکز پژوهشی - ترویجی به نام "تحقیقات و پژوهشهای سازگاری" (۲) وجود دارد. این ایالت، دارای دانشگاه کشاورزی است که شامل ۶ دانشکده است. یکی از آنها دانشکده ترویج و علوم توسعه روستایی است.

### ایالت سرحد شمال غربی

نظام ترویج کشاورزی در این ایالت، نظام ترویج دانشگاهی می‌باشد. وظایف ترویج کشاورزی پیشاور (۱) انتقال آخرین اطلاعات فن‌آوری به جامعه روستایی از طریق روشها و الگوهای ترویجی مانند رادیو، تلویزیون، نامه، روزنامه، نشریه و تماسهای گروهی و انفرادی و هر چیزی که بتواند این فن‌آوری را انتقال دهد.

(۲) آموزش مهارتها به طور غیررسمی به کشاورزان  
(۳) انتقال یافته‌های پژوهشی به کشاورزان  
به تازگی در این ایالت، پژوهش، ترویج و آموزش ادغام شده است. در این ایالت، برای هر ۸-۱۰ روستا یک مروج وجود دارد.

دارای دانشکده علوم توسعه روستایی است که رفتارهای اجتماعی روستایی را در کل پاکستان بررسی می‌کند. این ایالت، دارای دانشگاه کشاورزی است که دانشکده‌های آن ۳ مسئله پژوهش، آموزش و ترویج را دنبال می‌نمایند. در این ایالت، هفته ترویج کشاورزی برگزار می‌شود و برای هر محصولی به جشن برپا می‌کنند و در هفته یک برنامه نیم ساعته تلویزیونی نیز دارد.

### ایالت بلوچستان

رهیافت ترویج سنتی همراه با رهیافت T&V رایج است. با توجه به فقر و محرومیت این منطقه از نظر علمی و پژوهشی در سطح پایینی قرار دارد.  
در دانشکده پژوهشی مناطق خشک، پژوهشها بر روی زمینهای دیم صورت می‌گیرد که بر روی بهترین روشهای دیم‌کاری

و عملیات لازم و همچنین ترویج و افزایش تولید و نیز بر روی انواع وارسته و احیاء مراتع و پیدا کردن گونه‌های مقاوم به کم آبی، فشار چرا و کشت علوفه مناسب پژوهشهایی صورت می‌گیرد. در این ایالت دانشکده کشاورزی وجود دارد.

### نتیجه گیری:

(۱) کشاورزی در پاکستان مهمترین قسمتی است که تمام عملکردهای اقتصادی به آن وابسته است و دارای سهم بسیار عمده‌ای در اشتغال، تولید ناخالص داخلی و درآمد دادوستدهای خارجی کشور دارد.

(۲) کشاورزی در پاکستان یک موضوع ایالتی است و ایالت‌های مختلف دارای وزارتخانه‌های کشاورزی مختص به خود هستند و دولت مرکزی تنها عهده‌دار سیاستگذاری، هماهنگی و تجارت بین‌الملل محصولات غذایی و کشاورزی است و این مشکل اساسی در مدیریت کشاورزی، معضلات بسیاری را در مدیریت کارآمد نظام تولیدی کشاورزی به وجود آورده است.

(۳) پاکستان در جهت توسعه کشاورزی خود خط مشی‌های مختلفی را مطرح کرده است که می‌تواند نقش عمده‌ای را در موفقیت کشاورزی داشته باشد.

(۴) در کشور پاکستان با وجود آنکه جوانان و زنان دارای وزارتخانه‌های مستقل در زمینه عملکردهای مربوط به خود می‌باشند، ولی به دلایل آداب و رسوم و شرایط فرهنگی حاکم بر روستاهای کشور، سازماندهی مشخصی برای ارائه خدمات آموزشی ترویج به زنان و جوانان روستایی مشاهده نمی‌شود.

(۵) فقدان ارتباط و انسجام سازمانی کارآمد بین پژوهش، ترویج و آموزش موجب به هدر رفتن منابع و نیز ایجاد هزینه‌های نابجا شده است. البته، کشور پاکستان به تازگی با ایجاد شورای هماهنگی و به کارگیری رهیافت ترویج دانشگاهی در ایالت سرحد شمال غربی سعی در برطرف کردن این مشکل دارد.

(۶) در پاکستان به دلیل تمرکز یافتن عملکردهای برخی نهادهای غیردولتی و بنگاههای خصوصی، باعث سردرگمی در مسائل ترویجی شده است.

(۷) پاکستان دارای نهادهای پژوهشی قوی به خصوص در زمینه محصولات خاص

(از قبیل برنج، دانه‌های روغنی و ...) می‌باشد که از لحاظ فنی پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. بیشتر این نهادهای پژوهشی خاص در قالب خود بخشهای ترویجی قوی برای انتقال یافته‌های خود دارند که زیر نظر سازمان ترویج کشاورزی نمی‌باشند.

(۸) در بیشتر نقاط کشور، نهادهای پژوهشی سازگار با منطقه وجود دارد که کمک زیادی به پیشرفت کشاورزی منطقه کرده است.

(۹) رهیافت T&V در ابتدای عملکرد خود در پاکستان موفقیت‌های زیادی به دست آورد و باعث تجدید حیات نظام ترویج کشاورزی پاکستان شد و نقش عمده‌ای را در توسعه کشاورزی پاکستان ایفا کرد. ولی با قطع کمکهای بانک جهانی، نظام ترویج کشاورزی پاکستان دوباره دچار مشکل شده است و در ایالت‌هایی که این رهیافت انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری دولت فقط در حد نگهداشتن کارکنان و وسایل و امکانات این نظام می‌باشد.

### پیشنهادهای:

(۱) با توجه به نقش کلیدی ارتباط بین پژوهش، ترویج و آموزش در توسعه کشاورزی، لازم است که بین پژوهش، ترویج و آموزش کشاورزی هماهنگی و ارتباط دوسویه، ساختاری سازمانی و نیروی انسانی برقرار شود.

(۲) یکی از دلایل عدم موفقیت نظام ترویج کشاورزی پاکستان، ناتوانی در ارائه خدمات اثربخش به جوانان و زنان روستایی می‌باشد. بنابراین، ترویج کشاورزی ایران باید به طور همه جانبه، آموزش زنان و جوانان روستایی را مدنظر قرار دهد.

(۳) عملکردهای ترویجی که در سطح روستاها توسط ارگانهای مختلف ارائه می‌گردد، نباید به گونه‌ای باشد که زمینه سردرگمی کشاورزان را فراهم سازد.

(۴) یکی از دلایل موفقیت کشاورزی پاکستان، داشتن نهادهای پژوهشی قوی و خاص است که در بطن خود بخشهای ترویجی را دارد. بنابراین، کشور ایران باید در راستای توسعه کشاورزی خود، سرمایه‌گذاری بیشتری در بخش پژوهش انجام دهد و برای انتقال یافته‌های پژوهشی از یک نظام ترویجی مطلوب برخوردار گردد



## ترویج کشاورزی خصوصی و دولتی: شرکاء یارقیبان

مؤلف: دینا اومالی - دی نین جر

مترجمان: مهندس امیرحسین علی بیگی، مهندس کیومرث زرافشانی، اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی رازی (قسمت دوم)

۱۵ درصد افزایش یافت و این در حالی بود که شرکت تعاونی ۲۴ درصد از اعضای دامدار خود را از دست داده بود. شرکت *La Serenisima* با تشکیل یک بخش فنی، کشاورزان بزرگ و متوسط را مورد هدف قرار داد. پس از تشکیل ۵ شعبه در ۵ استان با گروه‌های ۲۵ نفره مشغول به فعالیت شد. از جمله عملکردهای این شرکت، می‌توان به تولید مجلات کشاورزی، بولتن‌های ترویجی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی اشاره کرد. در طی سالهای ۱۹۸۵-۱۹۷۸، دامداریهایی که شرکت را حمایت می‌کردند ۶ درصد کاهش یافتند، اما تولیدات ۵۰ درصد افزایش داشت.

**۲- شرکتهای مشاوره‌ای خصوصی**  
شرکتهای مشاوره‌ای خصوصی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خدمات ترویجی ارائه می‌دهند. در سال ۱۹۸۸، بیش از دوهزار شرکت مشاوره‌ای خصوصی در برزیل فعالیت می‌کردند. عملکرد اصلی این شرکتها مربوط به مسائل تخصصی دامداری بوده و در قاره آسیا، شرکتهای خصوصی بیشتر در کاشت محصولات مختلف زراعی فعالیت می‌کنند.

**۳- انجمن کشاورزان**  
بسیاری از انجمنهای کشاورزان به اعضای خود خدمات ترویجی ارائه می‌دهند. از عملکردهای این انجمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:  
اشاعه فن‌آوری نوین، فنون تولید،

کمی و کیفی در سطح بسیار پائینی بود. پس از بررسیهای لازم، معلوم شد که دلایل عمده افت محصولات آنها به علت سوء تغذیه دام و عدم رعایت بهداشت دام بوده است. کارخانجات تبدیلی محصولات لبنی به خاطر سهل‌انگاریهای دامداران در کاهش تولیدات خود، دست نیاز به سوی ترویج بردند و در کارخانه دفتر مرکزی ترویج ایجاد کردند که این دفتر دارای ۸ شعبه دیگر در مناطق مختلف بود که مدیریت هر کدام از شعبه‌ها به عهده کارشناس زراعت و یک تکنسین بود. هر یک از دفاتر، خدمات ترویجی خود را به ۴۰ تعاونی تولیدی کشاورزان خرده پا عرضه می‌کردند و اعضای شرکت تعاونی و کشاورزان خرده پا، هر ماه یک بار از مزارع مختلف بازدید به عمل می‌آوردند و مسائل و مشکلات کشاورزی را با یکدیگر به بحث می‌گذاشتند. شرکت *Sancor* در ابتدا هزینه‌های مالی این تشکلهای کوچک را بر عهده گرفت، اما پس از ۳۰ روز، اعضای گروه تعاونی، مسئولیت هزینه‌های کارشناسان زراعت را به عهده گرفتند. تا اوایل سال ۱۹۹۰، شرکت *Sancor* ۱۲۰ گروه کشاورز را در برنامه‌های تعاونی مشارکت داده بود. در این تعاونی، خدمات تلقیح مصنوعی و برنامه‌های پرورش گوساله سازماندهی می‌شد. علاوه بر این، شرکت *Sancor* در تهیه نهاده‌های کشاورزی نیز فعالیت می‌کرد. در نتیجه عملکردهای شرکت *Sancor* از سالهای ۱۹۸۵-۱۹۷۶، تولید شیر

**خدمات ترویج کشاورزی خصوصی**  
تجارب بسیاری از کشورهای جهان نشان می‌دهد که ترویج کشاورزی، می‌تواند بصورت مؤثر و سودآور در قالب خدمات خصوصی ایفای نقش کند. این خدمات به اختصار توضیح داده می‌شود:

**۱- نهادهای تجاری کشاورزی**  
شرکتهای توسعه کشت محصولات کشاورزی و یا وابسته به صنایع تبدیلی در هنگام عقد قرارداد با کشاورزان آنها را تشویق به کشت محصولات مورد نظر خود می‌کنند. هدف شرکتهای خصوصی این است که کشاورزان با انواع نهاده‌های کشاورزی آشنا شوند و راههای کنترل و یا پیشگیری بیماریها را تشخیص دهند و با جدیدترین فنون داشت و برداشت محصول آشنا شوند. از دیگر اهداف شرکتهای خصوصی، می‌توان به افزایش محصولات کشاورزی از لحاظ کمی و کیفی اشاره کرد. در کشورهای در حال توسعه، افزایش محصولات را می‌توان در محصولات باغی، پنبه، تنباکو و مرغداریها مشاهده کرد. در کشور کنیا، شرکتهای صادراتی محصولات باغی، مثل *Indufarm, Sunripe, KHE, Homegrown* با ارائه خدمات ترویجی و نهاده‌های کشاورزی، کشاورزان را به کشت محصولات باعث جهت صادرات تشویق می‌کنند. در دهه ۱۹۷۰، محصولات دامی و لبنی دامداران کشور آرزاتین با بحران جدی روبرو شد به گونه‌ای که تولیدات آنان از نظر

مدیریت مزرعه، پیشگیری و کنترل بیماریهای گیاهی، بازاریابی و فرآوری محصولات کشاورزی. در فرانسه، انجمن‌های بزرگ با استخدام مشاوران فنی مبالغی از اعضای انجمن جهت خدمات ترویجی دریافت می‌کنند. چهار انجمن اصلی در فرانسه، خدمات توسعه کشاورزی را در ۳ سطح یعنی محلی، منطقه‌ای و ملی ارائه می‌دهند که این انجمن‌ها شامل ۱۷ نهاد پژوهشی کاربردی است. اعتبار ملی برای توسعه کشاورزی زیر نظر دولت است و توسط یکی از نمایندگان دولت و یکی از نمایندگان انجمن مدیریت می‌شود. بودجه اختصاص داده شده به این انجمن، حدود ۱/۴ درصد تمامی منابعی است که در اختیار انجمن قرار دارد و بین شعبه‌های مختلف به طور مساوی تخصیص داده می‌شود. انجمنی مشابه انجمن فرانسه در آرژانتین به نام *AACREA* براساس مدل فرانسوی فعالیت دارد. این انجمن، شامل ۱۵ گروه در سطح منطقه، ۱۷۶ گروه در سطح محلی و مجموعاً ۲۰۰۰ عضو دارد. هر یک از گروه‌های محلی که شامل ۸-۱۲ کشاورز می‌باشد، توسط کارشناس زراعت هدایت می‌شود. این کارشناس زراعت، هر ماه یک بار با هر یک از کشاورزان در گروه ملاقات می‌کند. اعضای گروه از مزارع دیگر اعضاء هر ماه بازدید می‌کنند که با برخی از مسائل و مشکلات خاص آنها آشنا می‌شوند. هزینه این عملکردها حدود ۶۰ دلار در ماه برای هر کشاورز است که ۸۰ درصد از آن به کارشناس زراعت اختصاص دارد و ۲۰ درصد آن به سازمان می‌رسد.

در جمهوری آفریقای مرکزی، فدراسیون دامداران ملی آفریقای مرکزی<sup>(۱۱)</sup> پس از منحل شدن خدمات دامداری دولتی در سال ۱۹۷۳ جهت توزیع داروهای دامپزشکی تأسیس شد. در سال ۱۹۸۹، فدراسیون خدمات ترویجی و آموزشی را برای اعضای خود شروع کرد که ۶۰ درصد این اعضاء را دامداران تشکیل می‌دادند. (*Umalioned Schwartz, 1994*)

در کشور زیمبابوه، ۹۰۰۰ کشاورز خرده پا و ۶۵ هزار خرده مالک، عضو اتحادیه کشاورزان زیمبابوه بودند. اتحادیه کشاورزان تجاری<sup>(۱۰)</sup>، ۴۴۵۰ عضو کشاورز عمده دارد و به عنوان یک سازمان مرکزی، انجمن‌های کوچک را هدایت می‌کند. این انجمن‌های کوچک شامل: کشاورزان تنباکوکار، گل کاران، قهوه کاران و گوسفندداران و گاوداران می‌باشد.

این اتحادیه به عنوان پشتوانه‌ای است برای خدمات پژوهشی و ترویجی. از جمله این خدمات می‌توان به: ۱- بنیاد پژوهشهای کشاورزی، ۲- چاپ هفته‌نامه کشاورز، ۳- گزارشهای دو ماه یکبار اشاره کرد. علاوه بر این، اتحادیه فوق‌الذکر خدمات آموزشی برای برخی از محصولات خاص کشاورزی مثل مرکز آموزش پنبه در کادوما ارائه می‌کند. (*Schwartz, 1992*)

عواملی که باعث می‌شود انجمنهای کشاورزان در زیمبابوه عملکردهای پژوهشی و ترویجی انجام دهند عبارتند از:

- ۱- تأکید بر خرده مالکین به عنوان مخاطب اصلی ترویج دولتی
- ۲- اعتماد کشاورزان خرده مالک به دسترسی به خدمات با کیفیت
- ۳- استفاده از کارشناسان ترویج دولتی اروپا که کار خود را ترک کرده بودند.

این انجمن با استخدام کارشناسان متخصص موضوعی به ترویج محصولات ویژه اقدام می‌نماید. بیشتر کشاورزان عضو انجمن، عضو انجمنهای دیگر نیز هستند و منابع مختلفی در دسترس دارند (یکی از این منابع مشاوران خصوصی ترویج هستند) اتحادیه کشاورزان تجاری زیمبابوه و سازمانهای تک محصولی ارتباط خود را با برخی از مراکز پژوهشی و ترویجی دولتی حفظ می‌کنند. پرسنل ترویجی این اتحادیه با ارائه خدمات آموزشی در مرکز پژوهشهای پنبه و همکاری متقابل با بنیاد پژوهشهای کشاورزی و نیز مزارع نمایشی و نمایشگاههای کشاورزی به کار خود می‌پردازند. (*Schwartz, 1992*)

#### ۴- سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی، نقش عمده‌ای در ترویج کشاورزی ایفا می‌کنند. جالب این است که حیظه عمل چنین سازمانهایی جایی است که سازمانهای دولتی نیز بدانها پرداخته‌اند. عامل موفقیت این سازمانها توجه به نیاز تمامی روستائیان می‌باشد. برای مثال در غرب آفریقا برنامه ۶-۵ در ساوانا و ساحل باعث موارد موفقیت آمیزی شده که عبارتند از:

- ۱- ایجاد تشکل‌های روستایی
- ۲- کمک به گروهها در طراحی برنامه توسعه جوامع روستایی
- ۳- حمایت فنی و ملی از طرحهایی مانند: صنایع دستی روستایی، سیلوی غلات،

بازاریابی محصولات باغی، حفاظت خاک و احیای جنگل.

برنامه ۶-۵ با بودجه سالانه‌ای نزدیک به ۱/۲۵ میلیون دلار در کشورهای بوركینافاسو، مالی و سنگال فعالیت دارد. برنامه ۶-۵ از بدو تأسیس (سال ۱۹۷۶) نزدیک به ۲۰۰۰ انجمن کشاورزی راه‌اندازی کرده است که هر کدام از این انجمنها گروههای ۸ نفره را در ۱۰۰۰ روستا در اختیار دارد. در غنای شمالی، خدمات اطلاع‌رسانی کشاورزی توسط ایستگاه کشاورزی در شهر لنگ‌بنزی با ۲۰ مرکز کشاورزی وابسته به کلیسا فعالیت می‌کنند و با ایستگاههای پژوهشی دولتی در شهر نیانک‌پالا نیز همکاری دارند.

در پاکستان، بنیاد آغاخان در طرحهای توسعه روستایی مشارکت دارند. این طرحها راجع به انتقال فن‌آوری کشاورزی و آموزش کشاورزان کلیدی در زمینه‌های دامداری و حفاظت گیاه، بازاریابی و جنگلداری می‌باشد. برخی از سازمانهای غیردولتی به ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای اقدام کرده‌اند. در آمریکای لاتین، ۸ سازمان غیردولتی که نماینده ۷ کشور هستند، تعاونی اقلیمی - زراعی و توسعه جهت تشویق، توسعه و اشاعه اطلاعات کشاورزی به کشاورزان خرده‌پا را در راستای کشاورزی پایدار تشکیل داده‌اند.

بسیاری از سازمانهای غیردولتی در عملکردهای ترویج و پژوهش فعال هستند. در هند، بنیاد کشت و صنعت باراتیا<sup>(۱۱)</sup> به ۸ هزار روستا در ۶ ایالت خدمات ترویجی ارائه می‌دهد. این بنیاد، برنامه‌هایی برای اصلاح گاوهای شیری ارائه می‌دهد. این بنیاد، ۴۵۰ مرکز تلقیح مصنوعی را مدیریت می‌کند و خدمات ترویجی و دامپزشکی ارائه می‌دهد. در حقیقت برخی از دولتهای ایالتی با بنیاد فوق‌الذکر جهت ارائه خدمات تلقیح مصنوعی وارد مذاکره شده‌اند.

#### خدمات ترویج حق الزحمه‌ای

تقاضا برای خدمات ترویجی کشاورزی و تمایل برای انجام این خدمات به فواید این خدمات بستگی دارد. نوع و سطح این تقاضا برای خدمات ترویج مورد نظر به عوامل زیر بستگی دارد که عبارتند از: ۱- وسعت و ارزش مازاد محصولات تولید شده توسط خانوار روستایی. ۲- هزینه خدمات ترویجی. ۳- میزان درآمد اضافی بدست آمده از پذیرش نوآوری‌ها.

با توجه به اینکه کشاورزان نمی‌توانند به تنهایی تمامی هزینه‌ها را تقبل کنند، لذا تولید کنندگان بزرگ و متوسط باید به تقسیم هزینه‌ها مبادرت ورزند تا هزینه‌ها به حداقل رسیده و سوددهی به حداکثر برسد. بنابراین، هر اندازه حجم عملکردهای زراعی بیشتر باشد، تقاضا برای ترویج حق الزحمه‌ای بیشتر خواهد بود. وجود یک بازار رقابتی برای محصولات کشاورزی، می‌تواند موجب افزایش تقاضا برای اطلاعات و فن‌آوری نوین شود. از طرفی به دلیل پائین آمدن ارزش محصولات قابل فروش که بر اثر هزینه بالای تولید می‌باشد، برای کشاورزان خرده‌پا مقرون به صرفه نیست که برای خدمات ترویجی بهایی پرداخت کنند. کشاورزان معیشتی برای پرداخت هزینه خدمات ترویج هیچ انگیزه‌ای ندارند. سیاست‌های دولت برای خدمات ترویجی می‌تواند بر تقاضای این خدمات تأثیر بسزایی بگذارد. این تأثیر (مستقیم یا غیرمستقیم) ناشی از نفوذ آنها بر قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی می‌باشد. مالیات‌های (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) سنگین در کشاورزی، باعث کاهش انگیزه کشاورزان برای پذیرش فن‌آوری‌های بهینه می‌شود. به همین ترتیب، تورم بالا و ناپایداری اقتصاد کلان، دسترسی به سرمایه مورد نیاز برای تأمین اعتبارات برای فن‌آور یس‌های نوین را محدود می‌کند. اختصاص بودجه مثلاً به احداث راه‌های روستایی، بازاریابی و زیرساخت‌های آبیاری بر قابلیت توسعه مناطق خاص و همچنین برگشت سرمایه در فن‌آوریها تأثیر می‌گذارد. هزینه‌های عمومی که صرف آموزش‌های ترویجی می‌شود بر کشاورزان و مصرف کنندگان اطلاعات جدید تأثیر مثبتی دارد. به نظر می‌رسد اطلاعات ترویجی که قبلاً به صورت یک کالای مجانی مطرح بوده است، هم‌اکنون تبدیل به یک کالای پولی شده است. این دگرگونی ناشی از محصولاتی است که در بازار خریدار دارد و توسط کشاورزان متوسط و بزرگ تولید می‌شود. چنین تصور می‌شود که کشاورزان متوسط و بزرگ بتوانند در پایداری خدمات ترویج حق الزحمه‌ای، سهم بسزایی داشته باشند و این در حالی است که شرکت‌های خصوصی توجهی به کشاورزان کوچک و معیشتی ندارند.

### عرضه نهاده بخش خصوصی

هزینه‌هایی که شرکت‌های خصوصی

متحمل می‌شوند و نیز بازگشت آن هزینه‌ها عامل تعیین‌کننده میزان عرضه خدمات ترویجی به صورت خصوصی می‌باشد. میزان این هزینه‌ها تحت تأثیر عوامل زیر است که عبارتند از:

- ۱- عرضه و تقاضا برای کارکنان مجرب ترویجی
- ۲- رتبه اقتصادی ارائه خدمات ترویجی
- ۳- سیاست‌های دولت.

بکارگیری خدمات ترویجی و بازگشت سرمایه در این زمینه، بر ماهیت و سطح عرضه برای اطلاعات داخلی (فن‌آوری‌های محض و نهان) تأثیر می‌گذارد. محدودیت‌های دولت بر واردات فن‌آوری از قبیل: بذور

اصلاح شده، نژادهای دام اصلاح شده و سموم شیمیایی، باعث می‌شود که تنوع در کارهای قابل دسترس برای ترویج کاهش یابد و ترویج خصوصی نتواند برای اشاعه چنین فن‌آوری‌هایی گام بردارد. چون ملاک اصلی برای عملکردهای ترویج خصوصی، سودآوری است، لذا چنین شرکت‌هایی تمایل به جذب کشاورزان تجاری دارند. تجربه کشور شیلی گویای این موضوع می‌باشد. وقتی که کشور شیلی در دهه ۱۹۷۰، نظام ترویج خود را خصوصی کرد، کشاورزان تجاری به طور چشمگیری تحت تأثیر قرار نگرفتند، اما کشاورزان کوچک و معیشتی از حیطه ترویج رانده شدند. برای اینکه مرهمی بر این بی‌عدالتی گذاشته شود، دولت مجبور به انجام اقداماتی در مورد توجه ویژه به کشاورزان معیشتی و کوچک شد.

به نظر می‌رسد که عضویت کشاورزان کوچک و معیشتی در انجمن‌های کشاورزی، راه حلی برای دسترسی آنان به خدمات ترویج خصوصی باشد. چرا که، این کشاورزان به تنهایی قادر به پرداخت بها برای خدمات ترویجی نیستند. این انجمن‌ها برای رفع نیازهای ترویجی اعضای خود به استخدام کارکنان پاره وقت و تمام وقت دست می‌زنند و یا از طریق شرکت‌های مشاوره‌ای با عقد قرارداد سعی دارند به کشاورزان کوچک و معیشتی کمک کنند.

چه زمانی باید ترویجی از طریق بخش دولتی تأمین اعتبار شود؟ شاید جواب این سوال این باشد که این عمل زمانی مقرون به صرفه است که ترویجی، خدمات دولتی ارائه دهد که خدمات و اطلاعات آن جنبه انحصاری داشته باشد و کسانی که به ازای این خدمات، پولی پرداخت نکرده‌اند، نمی‌توانند

از آن استفاده کنند. مثل اطلاعات مربوط به محیط زیست و حفاظت خاک. در این صورت نه صلاح است و نه مقرون به صرفه که ترویجی به صورت خصوصی عمل کند. شاید بتوان دو دلیل قابل توجیه برای خدمات ترویجی غیرخصوصی (دولتی) ارائه داد. این دو دلیل به شرح زیر است:

۱- هنگامی که کشاورزان معیشتی از مزایای استفاده از فن‌آوری آگاهی نداشته باشند و یا قادر به پرداخت این چنین فن‌آوری نباشند.

۲- هنگامی که کشاورزان معیشتی یک فن‌آوری نوین را بپذیرند ولی از مزایای جانبی آن استفاده نکنند. مانند تغذیه مناسب و بهداشت خانواده.

### شراکت بخش خصوصی و دولتی در ترویج

بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین سعی دارند که مسائل نظام ترویج عمومی خود را با مشارکت ترویج خصوصی حل کنند. در این رهسپار جدید، کشاورزان با شرکت‌های خصوصی قرارداد می‌بندند و یا از بن‌های ترویجی استفاده می‌کنند. هر کدام از این رهیافتها هزینه‌هایی دربردارد.

### مقاطع کاری بخش خصوصی در ترویج

گاهی اوقات به علت پایین بودن میزان بهره‌وری در ارائه خدمات ترویج دولتی، مسئولین ترویج اجرای برخی از برنامه‌ها را به صورت مقاطعه کاری به بخش خصوصی واگذار می‌کنند.

در سال ۱۹۹۲، کشور شیلی یکی از طرح‌های ترویجی خود را به صورت مقاطعه کاری به یکی از شرکت‌های خصوصی مشاوره‌ای پس از عقد قرارداد واگذار کرد. شرکت طسرف قرارداد برای اجرای طرح می‌بایست صلاحیت‌های زیر را می‌داشت که عبارتند از:

- ۱- شرکت دارای کادر فنی و حرفه‌ای باشد.
  - ۲- بسرای حضور در این طرح قیمت پیشنهادی را ارائه دهد.
  - ۳- در مراحل اجرای کار از ارزیابی پیشرفت طرح توسط مسئولین بخش دولتی جلوگیری نشود.
- در کشور مکزیک و ونزوئلا برنامه‌های مشابهی انجام گرفته است.



جدول (۲) رهیافتهای جدید در ارائه خدمات ترویج کشاورزی

کشور	بودجه		اجرا	
	دولتی	تسهیم هزینه	دولتی	خصوصی
شیلی				
کشاورزان بزرگ	<i>n.a.</i>	تمامی هزینه ها	تجاری	تجاری
کشاورزان معیشتی	اکثریت	افزایش سهام	مقاطعه کاری	مقاطعه کاری
کلمبیا	اعتبارات ملی و محلی	مجانی	محلی	
مکزیک	اعتبارات ملی، ایالتی	افزایش سهام <i>FG</i>	<i>n.a.</i>	مقاطعه کاری
ونزوئلا	اعتبارات ملی، ایالتی و محلی	افزایش سهام <i>FG</i>	<i>n.a.</i>	مقاطعه کاری
نیکاراگوئه	اعتبارات ملی	افزایش سهام <i>FG</i>	بین ترویجی	بین ترویجی
			کاربرندارد <i>n.a.</i>	
			تشکل گروههای	
			کشاورزی <i>FG</i>	

منبع: بانک جهانی (۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۵b و ۱۹۹۵c)، ویلسون (۱۹۹۱)

## بن های ترویجی

در نیکاراگوئه، از طرف دولت بن های ترویجی در قالب طرح در اختیار کشاورزان قرار گرفته که کشاورزان می توانند خدمات دهندگان ترویجی خود را چه به صورت دولتی و چه خصوصی انتخاب کنند. این خدمات شامل: (۱) توزیع کنندگان نهاده های کشاورزی، (۲) سازمانهای غیردولتی، (۳) اعضای سابق مؤسسه اصلاحات اراضی نیکاراگوئه، (۴) شرکتهای خصوصی که زیر نظر وزارت کشاورزی کار می کنند، می باشد. در این طرح پیشاهنگ کشاورزان به گروههای ۱۰ نفره تقسیم می شوند و سپس قراردادی را جهت دریافت خدمات برای بررسی نهایی به وزارت کشاورزی ارائه می دهند. این قرارداد توسط پانلی متشکل از ۳ نفر که یک نفر نماینده وزارت کشاورزی، یک نفر نماینده انستیتوی فن آوری کشاورزی و یک نفر نماینده بانک ملی توسعه تشکیل شده است. براساس شاخص ها و ملاکهای از قبل تعیین شده مورد ارزیابی قرار می گیرد و سپس به هر یکی از گروههای ۱۰ نفره، ۱۵ بن ترویجی در سال تحویل می دهند که از این ۱۵ بن ترویجی، ۴۰ درصد از آن برای آموزشهای گروهی در ترویج مورد استفاده قرار می گیرد و ۶۰ درصد برای آموزشهای انفرادی. ارزش هر یک از این بن ها، معادل ۱۵ دلار است که در بیشتر شعب بانک ملی توسعه و شرکت های خدمات ترویجی دیصلاح قابل

پذیرش است.

دولت مرکزی نیکاراگوئه برای دست یابی به چنین برنامه هایی سعی نموده که کیفیت برنامه را به بیشترین حد ممکن برساند و برای این منظور امکانات زیر را فراهم نموده است:

- (۱) اعتبار بخشیدن به حمایت های فنی وزارت کشاورزی
- (۲) تعیین شاخص هایی برای ارزیابی حمایت های فنی
- (۳) توسعه و تعیین استانداردهای لازم برای نظارت و ارزشیابی برنامه

دولت نیکاراگوئه در یک برنامه از پیش طراحی شده بن های ترویجی را برای عرضه کنندگان خدمات ترویجی و مصرف کنندگان توجیه می کند و در این راستا، حمایت های فنی به دو طریق ارائه می شوند: یکی از طریق افسرد و دیگری از طریق سازمانهای قانونمند مثل: سازمانهای غیردولتی، تعاونیها یا شرکتهای خصوصی. برای افراد یا سازمانهای فوق احراز شرایط زیر ضروری است:

- (۱) حداقل سه سال سابقه کار در سطح دانشگاه در مورد انتقال فن آوری به کشاورزان متوسط و خرده پا
- (۲) حداقل ۵ سال تجربه در سطح فنی مورد نظر
- (۳) گذراندن دوره کارآموزی که توسط *NIAT* ارائه می شود
- (۴) ثبت نام رسمی در وزارت کشاورزی

عملکرد حمایت های فنی کارشناسان توسط بازرسان مستقل مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد.

## تقویت توان مخاطبان:

به منظور تقویت توان مخاطبان در آمریکای لاتین سه رهیافت پیشنهاد شده است:

- ۱- حمایت مالی از کشاورزان جهت دسترسی به خدمات ترویجی
- ۲- غسیر متمرکز کردن برنامه ریزی و بودجه بندی در سطح محلی
- ۳- استفاده از تشکلهای کشاورزان

تحت شرایط رهیافت اول، دستمزد اندکی برای بخشی از هزینه های خدمات ترویجی از مخاطبان گرفته می شود. این عمل به دو دلیل انجام می شود. یکی برای تقویت یک نظام تقاضامدار و گذر تدریجی ارائه خدمات از ترویج کشاورزی انتفاعی به سوی ارائه خدمات ترویجی غیرانتفاعی. دستمزد پائین دلیلی است برای پذیرش توصیه های ترویجی از سوی کشاورزان و نیز راهی برای قدرت بخشیدن به کسانی است که برای خدمات ترویجی پول پرداخت می کنند. مثلاً در شیلی، کشاورزان باید ۱۵ درصد هزینه خدمات ترویجی را تقبل کنند.

در کشور مکزیک دولت سعی دارد که سطح تسهیم هزینه را در بعضی از نواحی تجاری حتی تا حدود ۱۰۰ درصد افزایش دهد. در کشور کلمبیا و ونزوئلا قسمتی از هزینه های خدمات ترویجی که به صورت

غیرمتمرکز از سوی دولت ارائه می‌شود، توسط بخشهای محلی تأمین می‌گردد. این امر بساعت شده است که مسئولین محلی به مخاطبین ترویج توجه بیشتری داشته باشند. توجه به تشکلهای کشاورزان (به عنوان کشاورزان طرف تماس) در حفظ ارتباط بین دیگر کشاورزان و خدمات دهندگان ترویج بسیاری از مشکلات این برنامه را رفع نموده است. این استراتژی نه تنها مقداری از هزینه های ترویج را کاهش می‌دهد؛ بلکه باعث سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در بخش ترویج می‌شود.

آنچه که در این برنامه حائز اهمیت است این است که مخاطبین فن‌آوری نوین را بپذیرند و آن را در عملکردهای همیشگی خود به کار ببندند. اجرای این برنامه در کشور شیلی طی ۳ سال گذشته نشان داد که کشاورزان و مشاوران خصوصی چندین علاقه ای برای ارائه برنامه از خود نشان ندادند. برخی از این دلایل عبارتند از:

۱) سهم کشاورزان در پرداخت هزینه‌های خدمات ترویجی افزایش یافت، اما میزان خدمات ترویجی کاهش یافت و این امر باعث پائین آمدن تقاضای کشاورزان از خدمات ترویجی شد.

۲) کیفیت خدمات ترویجی کاهش محسوس یافت. ۳) شیوه مدیریتی از بالا به پائین باعث گردید که کشاورزان نسبت به برنامه احساس تعلق نکنند.

بیشتر این عوامل را می‌توان به بازخورد ضعیف در نظام ربط داد. یکی دیگر از عوامل، عدم انتقال تقاضاهای جدید به طراحان برنامه و لذا توصیه‌ها براساس نیاز محلی ارائه نمی‌گردید.

عوامل دیگری که به میزان تقاضای خدمات ترویجی اثر می‌گذارند، عوامل اجتماعی و اقتصادی کشاورزان است. توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی کشاورزان کمک می‌کند تا از بازخوردی که کشاورزان نسبت به قیمت‌های خدمات ترویجی دارند به موقع آگاه شده و با آنها برخورد مناسبی کرد. لذا با آموزش کارکنان ترویج، می‌توان مروجین را هر چه بیشتر با مسائل کشاورزان آماده نمود. نتیجه‌گیری:

با توجه به چالشی که کشاورزان در حال حاضر با آن مواجه هستند، دگرگونی ساختاری در نظامهای ترویجی کشاورزی در جهان

اجتناب ناپذیر است. این دگرگونی به دلیل وجود محدودیت‌های مالی قابل توجه در بعضی از کشورها به کندی پیش می‌رود. تعدادی از کشورها به صورت فعال با ترویج غیرانتفاعی و انتفاعی به منظور بهبود اثربخشی و پایداری در نظامهای ترویج کشاورزی درگیر هستند.

برای کشورهایی که بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند برای انتقال با احتیاط از نظام ترویج کشاورزی دولتی سنتی به یک نظام ترویج همه جانبه باید به چهارحیطه کلیدی توجه کرد:

(۱) منابع مالی.

(۲) تعیین گروه هدف.

(۳) جبران هزینه.

(۴) شبکه های ارتباطی.

بحث اصلی این است که چه کسی باید هزینه های خدمات ترویجی را پرداخت کند؟ آیا این وظیفه دولت، کشاورزان و یا شرکتهای خصوصی غیرانتفاعی است؟ تأمین منابع مالی برای خدمات ترویجی از یک سو تحت تأثیر ویژگیهای اقتصادی اطلاعات است که ترویج قصد انتشار آن را دارد و از سوی دیگر، به ساختار مزرعه کشاورزی بستگی دارد.

کشاورزان برای پرداخت پول جهت خرید کالاهای خصوصی و اطلاعاتی که مثل کالاهایی قیمتی هستند، تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند.

در ارتباط با گروه هدف و جبران هزینه ها، بخش دولتی وظیفه اصلی را در تهیه منابع مالی ایفا می‌کند. یکی از بحثهای مهم در این زمینه، این است که آیا با توجه به محدودیت‌های مالی و بودجه، آیا باید فقط بر روی گروههای هدف برنامه‌ریزی کرد یا اینکه خدمات ترویجی خصوصی برای کلیه افراد ارائه شود.

با در نظر گرفتن منابع محدود دولت، آیا بخش دولتی باید تلاش خود را منحصر به کشاورزان خرده‌پا و معیشتی نماید و کشاورزان متوسط و عمده مالک را به بخش خصوصی واگذار نماید؟ و یا آیا بخش دولتی وظیفه جبران هزینه را بر عهده می‌گیرد؟

به نظر می‌رسد، وقتی که کشاورزان برای خدمات ترویجی مبلغ جزئی پرداخت می‌کنند، برنامه‌ها با کیفیت بیشتری اجرا می‌شود. همانطوری که اشاره گردید، جبران قسمتی از هزینه‌های بکارگیری خدمات ترویجی را بخش دولتی انجام می‌دهد و این امر سبب افزایش تقاضا از خدمات دهندگان

ترویجی شده است. در این حالت نه تنها کشاورزان از بین خدمات دهندگان می‌توانند حق انتخاب داشته باشند، بلکه خدمات دهندگان ترویجی نیز بایستی به نیازهای اطلاعاتی کشاورزان به سرعت پاسخ دهند. مهارتهای بازاریابی و فروش علاوه بر عملکردها و مهارتهای فنی جزء وظایف مروجین کشاورزی محسوب می‌شوند. یکی از مسائلی که باید در این راستا روشن شود، این است که آیا ارائه خدمات ترویجی باید فقط در اختیار بخش دولتی باشد و یا اینکه به بخش خصوصی اعم از انتفاعی و یا غیرانتفاعی واگذار شود؟

در برخی از کشورها، توسعه ترویجی خصوصی یا تضعیف شده‌اند و یا بسیار ضعیف حرکت کرده‌اند. برای توسعه بخش خصوصی کشورهای آمریکای لاتین با ایجاد برنامه های مخصوص، مروجین شاغل در بخش دولتی را تشویق به ترک کار خود نموده‌اند و آنان را در ایجاد شرکت خصوصی ترویجی ترغیب کرده‌اند. لازم است که از بخش خصوصی انتفاعی و یا غیرانتفاعی ترویج همانند سایر صنایع دیگر حمایت‌های بیشتری در مراحل نخستین کار به عمل آید. بخش دولتی وظیفه دارد که چهارچوب خاصی را برای نظارت، کنترل و کیفیت خدمات ترویج خصوصی اعمال کند.

اگر بخواهیم سیستم ترویجی کشاورزی جامعه نگر داشته باشیم، بایستی دولتمردان و حمایت‌کنندگان بین‌المللی در ایدئولوژی خود نسبت به نظارت ترویج تعدیل کنند. چراکه این دیدگاه جدید برای پیشرفت کشاورزی و اقتصادی بسیار ضروری است.

1 - Crossoon and Anderson , 1992 , Brown and Kana , 1994 , McCalla 1994.

2 - Birk Heuuser

3 - Erenson

4 - Feder

5 - See Feder and Slade 1986 . Bindlish and Evenson 1993 . Bindlish , Evenson and Gbeithouo 1993.

6 - Rivarly

7 - Excludability

8 - Toll

9 - FNEC

10 - CFU

11 - BAIF

12 - CFU

# اصول آموزش و یادگیری در آموزش کشاورزی

(قسمت اول)

مترجم: مهندس فتح‌الله آقاسی‌زاده

استفاده شود. دانش‌آموزان در بحث دخالتی ندارند. معلم یکنواخت و خیلی پریشان و بی‌هدف سخن می‌گوید، به طوری که غیرممکن است بتوانیم بگوییم معلم چه زمان از یک مبحث به مبحث دیگری می‌رود. اگر شما دانش‌آموزی بودید که در شرایط فوق‌الذکر می‌آموختید، در این صورت چگونه شما درس را فرا می‌گرفتید؟ این معلم از چه اصول اساسی یادگیری غافل است و از آنها استفاده نمی‌کند؟

در این فصل، این اصول ارائه و شرح داده خواهد شد. بعد از مطالعه این فصل، شما می‌توانید به بسیاری از اصول یادگیری اشاره نمایید که می‌توانند تابسانمانهایی را که در بالا برایتان شرح داده شد بهبود بخشند. معلمین کشاورزی و سایر معلمان، نیازمندند تا به دو اصل مهم که برای آموزش ثمربخش، بنیادی و اساسی می‌باشد، آگاهی یابند. نخست آنکه؛ یک ارتباط مستقیمی بین آنچه که معلمان در طراحی، ارائه و ارزشیابی آموزش انجام می‌دهند و آنچه که دانش‌آموزان (خواه آنها جوان باشند یا بزرگسال) فرا می‌گیرند، وجود دارد. دوم اینکه؛ معلم مهمترین مسئولی است که می‌تواند، آنچه را که باید در کلاس و آزمایشگاه ارائه شود، تعیین نماید و همچنین ارزش‌آموزشی‌های یادگیری را تشخیص دهد.

## اهداف

۸ این فصل، بدین منظور طراحی شده است که معلمین کنونی و آتی آموزش کشاورزی را

گیرد. البته آموزش کشاورزی به دلیل آنکه نوعی آموزش فن و حرفه به شمار می‌آید، نیازمند اصول و ظرایف ویژه‌ای است، لیکن در کلیات خود، تابعی از اصول همه‌شمول یادگیری است. آموزش هنگامی ثمربخش خواهد بود، که به اصول و اساس آموزشی پای‌بند باشد.

در نوشته حاضر سعی شده است، اصول برجسته و کارا که در آموزش کشاورزی اهمیت دارند، معرفی شوند. نویسنده ۱۳ اصل آموزشی را در ۴ زمینه کلی سازمان و ساختار موضوع درسی، انگیزش، پاداش و تقویت و تکنیک‌های یادگیری بیان نموده و شرح داده است.

مترجم این گفتار، امیدوار است که این مجموعه، برای معلمان و آموزشگران آموزش کشاورزی و نهایتاً ترویج کشاورزی مفید واقع شود.

## مقدمه

شرح ذیل مروری از تدریس در یک کلاس آموزش حرفه‌ای (هنرستان) کشاورزی می‌باشد:

زنک می‌خورد و معلم می‌گوید: «امروز می‌خواهیم در باره رشد و تولید مثل گیاه (تکثیر گیاهان) صحبت کنیم.» سپس معلم به دانش‌آموزان می‌گوید که گیاهان چگونه رشد می‌کنند، بدون اینکه بر روی تخته سیاه چیزی نوشته شود یا از ابزار بصری

## چکیده

در کشورهای پیشرفته دنیا، کشاورزی به سمت شکوفایی و بالندگی خود حرکت می‌کند. دنیای پیشرفته موقعیت اقتصادی خود را مرهون کشاورزی است. بدیهی است که کشاورزی علمی، مکانیزه و منظم، نوع کشاورزی غالب در این کشورهاست. در یک کلام، کشاورزی علمی راز موفقیت آشکار دنیای پیشرفته امروز است.

بدون شک، ما قصد نداریم که به غرب و کشورهای غربی اقتدا کنیم، لیکن علاقه‌مندیم از تجارب، آموخته‌ها و اندیشه‌های موفق آنها بهره بگیریم.

در ایران، کشاورزی چندان علمی نیست و همگان معترفند که کشاورزی علمی بدون شک در حصول عملکرد مثبت در بخش کشاورزی محققاً کارا و کارآمد است. برای دستیابی به کشاورزی علمی، برای آموزش، ترویج و تحقیقات سهم ارزنده‌ای قائلند. نظریه پردازان و اندیشمندان علوم کشاورزی، آموزش و ترویج و تحقیقات را سه رکن به هم پیوسته معرفی نموده‌اند. در این میان، آموزش بسان نگینی درخشان و پرفروغ دیدگان را مجذوب خود ساخته است. هر علمی بقا و گسترش خود را منوط به آموزش می‌داند و آموزش شرط لازم برای گسترش علوم است. "آموزش کشاورزی" به دنبال آن است که اصول یادگیری و اصول ویژه روان‌شناسی یادگیری را برای گسترش علم کشاورزی به کار

قادر سازد به اینکه:

- ۱- اصول آموزش و یادگیری را که برای به حداکثر رساندن نتایج یادگیری (آنچه که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند) اساسی هستند، شرح دهند.
- ۲- اصول اساسی آموزش و یادگیری را در کلاس، در آزمایشگاه و در عملیات نظارت شده، عملی نمایند.

## بنیادهایی برای آموزش مؤثر

اصول به عنوان بنیانی برای آموزش مؤثر به خدمت گرفته می‌شوند. اصول تنها زمانی مؤثرند که عملاً به کار گرفته شوند.

ضروری است، معلمانی که در زمینه‌های خاص کشاورزی تدریس می‌کنند، در علوم، تکنولوژی و مهارت‌های اختصاصی تسلط و صلاحیت داشته باشند. اگر چه، دانش و مهارت در موضوع درسی جهت حصول به حداکثر نتایج یادگیری ضروری است، لیکن کافی نمی‌باشد. به طور مساوی این نیز مهم است که معلمان اصول را بشناسند و درک نمایند و در استفاده بعضی اصول اساسی آموزش و یادگیری توانا باشند. آگاهی از اصول اساسی روان‌شناسی یادگیری، معلمان را قادر می‌سازد تا در توسعه وسایل و تکنیک‌های آموزشی ابتکار داشته باشند و درک نمایند که چرا بعضی خط‌مشی‌ها و تکنیک‌های آموزشی باید استفاده شوند یا نشوند و موقعیتهای آموزشی را به طوری تشخیص دهند که راهبردهای مناسب را انتخاب نمایند و نتایج مورد نظر یادگیری حاصل شود. معلمانی که عوامل تقویت‌کننده آموزش و یادگیری را درک نمایند، می‌توانند آموزش را آن‌چنان طراحی، ارائه و ارزشیابی نمایند که افرادی که به وسیله آنان آموزش می‌بینند، به سطوح بالای صلاحیت و شایستگی نایل شوند.

اصول آموزش و یادگیری پایه و اساسی را برای تمام مراحل آموزش فراهم می‌آورد. برخی اصول ویژه برای سازماندهی و ساختار بندی موضوع درسی، بنیادی تلقی می‌شوند. برخی اصول دیگر برای انگیزش دانش‌آموزان، برای استفاده مناسب از پاداش و تقویت و برای گزینش تکنیک‌های آموزشی، اساسی به شمار می‌آیند. همچنین، بعضی اصول روان‌شناسی یادگیری، مبنا و پایه‌ای هستند که در فرایند آموزشی، نهایتاً به کاربرد و انتقال یادگیری از کلاس و آزمایشگاه به دنیای واقعی منجر می‌شوند.

## سازمان و ساختار موضوع درسی:

● اصل اول: زمانی که موضوع درسی آموزش داده می‌شود، باید دارای مفهوم، سازمان و ساختار باشد، در این صورت مطلب برای دانش‌آموزان روشن و واضح می‌گردد و نتایج یادگیری به سرعت حاصل و به مدت طولانی‌تری نگهداری می‌شود.

آموزش مؤثر به درگیر کردن بیشتر از آنچه که معلم در کلاس و آزمایشگاه انجام می‌دهد، می‌پردازد. این نوع آموزش، آموزشی خلاق و جالب است و دانش‌آموزان را به چالش فرا می‌خواند و نتایجش سطح بالایی از تسلط را در کار دانش‌آموزان به دنبال دارد. در آموزش مؤثر موضوع درسی باید به طور مستقیم با اهداف آموزشی دوره مرتبط باشد. محتوای نیازهای دوره باید به واحدهای آموزشی فرعی تقسیم گردد تا سودمندی آنچه که یاد گرفته می‌شود، به وضوح نشان داده شود و مضمون دوره می‌باید دارای تقدم و تأخر باشد، به طوری که هر شخص بتواند منطق نهفته در نظام موضوع درسی را ببیند و درک نماید.

برای یادگیری مؤثر، دانش‌آموزان باید به روشنی ببینند که چطور آنچه فرا گرفته می‌شود، به طور مستقیم به اجرای اهداف آنها کمک می‌نماید و چگونه آنچه می‌آموزند در حال و آینده نزدیک برایشان مفید است. آنها باید واقف شوند به اینکه سازمان و سلسله مراتب واحدهای آموزشی که دوره را شامل می‌شوند، دارای منطقی خاص است.

این از وظایف معلم است که مطمئن شود، دانش‌آموزان فهمیده‌اند به دنبال چه نتایج یادگیری هستند؛ چه موضوع درسی باید آموخته شود؛ چگونه موضوع درسی مفید خواهد بود؛ چطور توالی واحدهای آموزشی و فعالیت‌های آتی طراحی شود و اینکه چرا دوره سازماندهی شده و برای آن سلسله مراتبی ایجاد شده است. برای عملی کردن این راهبرد معلم در آغاز دوره باید، به طور عمومی با رشته تحصیلی همراه شود (آن را بشناسد). دانش‌آموزان قبلاً از آنچه که از آنها انتظار می‌رود و از چرایی آن انتظارات مطلع شوند. دانش‌آموزان باید بدانند با چه چیزهایی در تماسند و چرا در تمام طول دوره با آنها در تماسند. معلم پویا توجه بیشتری می‌بذول می‌نماید تا مطمئن شود که برای دانش‌آموزان روشن شده است که چه چیزی و چرا باید آموخته شود. اگر دانش‌آموزان به این هدف

واقف شوند و در آموزش با حرارت و جدیت باشند، این امر مهم حاصل می‌شود که توجه و انرژی آنها منحرف نخواهد شد. چون که، تلاش آنها معطوف به این می‌شود که موضوع درسی را بفهمند؛ بدانند چگونه موضوع درسی سازماندهی می‌شود و اینکه برای یادگیری از آنها چه انتظاری می‌رود.

## مفهوم

دانش‌آموزان زمانی به مفهوم موضوع درسی پی می‌برند که کاربرد و کارایی موضوع درسی برایشان مشخص شود. سودمندی موضوع درسی و رشته تحصیلی، آن هنگام برای دانش‌آموزان روشن و ملموس می‌شود، که واحدهای آموزشی در قالب فعالیتها و دوره‌های عملی تدوین شود. برای مثال، یک واحد آموزشی با عنوان «منظره‌سازی یک مکان مسکونی یا چشم‌انداز» بیشتر به طور روشن و مستقیم به کاربرد و استفاده موضوع درسی دلالت دارد تا اینکه یک واحد آموزشی با عنوان «اصول طراحی منظره» ارائه شود. حتی اگر موضوع درسی در دو واحد همان درس تدریس شود. یا مثلاً موضوع رهبری و مشارکت در متینگ های FFA نسبت به یک واحد درسی تحت عنوان «تشریفات پارلمانی» بیشتر توجه دانش‌آموزان را جذب و جلب می‌نماید.

## سلسله مراتب

سلسله مراتب واحدهای آموزشی در طول یک دوره بسطه طور مستقیم، در درک دانش‌آموزان پیرامون سازمان و ساختار موضوع درسی سهیم است. با اینکه افراد با قابلیت درک بالا می‌توانند موضوع درسی را فرا گیرند، ولی معلمان واحدهای آموزشی را به طور منطقی سازماندهی و مرتب می‌نمایند. بعضی واحدهای آموزشی به واسطه منطق ذاتی موضوع درسی مقدم هستند یا اینکه به دنبال مباحث دیگر می‌آیند. آرایش فصول در کتب درسی کشاورزی، سازمان منطقی موضوع درسی را روشن می‌سازد. معلمان باید بدانند که منطق ذاتی موضوع درسی، تنها برای آن کسانی بارز و مشهود است که در موضوع درسی تخصص دارند، به طوری که وابستگی میان عناصر موضوع درسی (برایشان) روشن است.

دانش‌آموزان، کسانی هستند که به طور مشهود در باره موضوع درسی فاقد تخصص می‌باشند و در درک و یافتن منطق سازمان

موضوع درسی به طور اتوماتیک توانا نیستند. دانش‌آموزان به جای اینکه به سازمان و ساختار روان‌شناختی موضوع درسی بنگرند، بیشتر علاقه‌مندند که به مطالعه شاخصهای متفاوت یک موضوع ویژه بپردازند، تا با آنچه که در دنیای اطرافشان با آنها تماس دارند، انطباق حاصل کنند. برای مثال دانش‌آموزانی که می‌خواهند چگونگی مشارکت در متینگ‌های FFA را بیاموزند، در ابتدا می‌باید در باره تاریخچه FFA و اینکه چگونه تشکیلات FFA در سطوح محلی، استانی و ملی سازماندهی می‌شوند، تخصص یابند. این مباحث می‌تواند پس از آن که دانش‌آموزان بعضی معرفتهای روان‌شناختی را برای حصول دانش‌شان یافتند، آموخته شود.

مقایسه سازمان روان‌شناختی موضوع درسی (از نظر دانش‌آموزان) و سازمان عقلانی - منطقی - موضوع درسی (از نظر متخصصان) به طور مطلوب با اشاره به تجربه دوره آموزشی تولید کشاورزی برای دانش‌آموزان کلاس نهم، روشن می‌گردد. در این تجربه، دوره تحصیلی در چند هفته نخست، شامل یک سری از واحدهای آموزشی است، که (پیش‌نیاز) مطالعه کشاورزی حرفه‌ای و جهت آن به سمت مدرسه است. برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند یک عضو FFA بشوند، برنامه‌های تجربه شغلی نظارت شده طراحی می‌شود. چند روز پس از آموزش، هر دانش‌آموز، به این سؤال ارزشمند می‌رسد که: چه وقت ما به مطالعه کشاورزی می‌پردازیم؟ در طراحی دوره‌های تحصیلی، معلمان باید به یاد داشته باشند که چه چیزی و به چه منظور آموزش داده می‌شود و در باره آنچه که آموزش داده می‌شود، می‌باید درکی روان‌شناختی به دانش‌آموز ارائه شود. این از مسئولیتهای معلم است که مطمئن شود، دانش‌آموزان ساختار و توالی موضوع درسی را که از آنها انتظار یادگیری می‌رود، فهمیده‌اند.

## ساختار سازی (تفخیم ساختار موضوع درسی)

معلمان فرصتهای فراوانی دارند که مفهوم سازمان و ساختار موضوع درسی را در طی آموزش حقیقی هر واحد آموزشی، روشن سازند. نخستین نیاز این است، که دانش‌آموزان به طور فعال و با شور و حرارت به جای حالت انفعالی از نتایج یادگیری آگاه شوند. اگر دانش‌آموزان به دنبال آموزش معنادار هستند،

ضروری است که اهداف آموزشی موردنظر را بشناسند و درک کنند. معلمان می‌توانند برخی خط‌مشی‌های ویژه و تکنیکها (آنچه معلمان انجام می‌دهند) را به کار گیرند تا مطمئن شوند که سازمان، ساختار و مفهوم موضوع درسی برای دانش‌آموزان روشن و واضح است. این رفتار معلمان، تحت عنوان «به کارگیری نظریات ساختاری» و «وضوح شناختی نظریات معلم» طبقه بندی می‌شوند. ساختار موضوع درسی، در واقع، آن هنگام توسط معلمان فراهم می‌گردد که آنها برای دانش‌آموزان روشن نمایند که چطور مباحث متفاوت یا واحدهای آموزشی دوره با یکدیگر متناسب هستند. زمانی که یک مبحث پایان می‌یابد و مبحث دیگر آغاز می‌شود، این مسئله روشن می‌گردد. به علاوه، زمانی که به هم پیوستگی مباحث آشکار می‌شود، دانش‌آموزان قادر می‌شوند سازمان و مفهوم موضوع درسی را ببینند و درک نمایند. معلمان زمانی نظریات ساختاری را به کار می‌گیرند که آغاز یا پایان یک درس را تجدید نظر می‌نمایند و آنها باید به امور زیر بپردازند:

تأکید بر نکات اصلی در طی بحث و مطالعه، فراهم آوردن نظریات ساختاری قبل از پرسیدن سؤالات و بارز ساختن آنچه که در کشاورزی مطالعه می‌شود و آنچه که دانش‌آموزان در دیگر دوره‌های مدرسه مطالعه می‌کنند. معلمان مؤثر، زمان قابل توجهی را صرف می‌کنند تا مطمئن شوند که دانش‌آموزان فهمیده‌اند که چرا بعضی موضوعات درسی را باید یاد بگیرند و چگونه موضوعات درسی آموخته شده را با آنچه که در واحدهای بعدی دوره مطالعه می‌کنند، تطبیق نمایند. اساساً روش معلم موفق آن است که دانش‌آموزان را در انجام برخی امور آزاد بگذارد.

## وضوح

وضوح نظریات معلمان و پاسخهایشان به نکات و سؤالات دانش‌آموزان به موفقیت دانش‌آموزان کمک می‌کند. معلمانی که توضیحات آموزشی‌شان را به روشنی ارائه می‌کنند، عقایدشان را به گونه‌ای برای دانش‌آموزان شرح و توضیح می‌دهند که به سادگی قابل درک باشد. این معلمان، نکات را برای فهمیدن آسان می‌کنند و به پرسشها به شکلی کامل و با فراست و آگاهی پاسخ می‌دهند. دانش‌آموزان چنین معلمانی که وضوح

و روشنی را در آموزش لحاظ می‌کنند، زمان زیادی را برای کشف آنچه که انجام می‌دهند، تلف نمی‌کنند. معلمان می‌دانند که بیان آسان فهم عقاید و پرسشها و چگونگی ارتباط آن با دنیایی که برای دانش‌آموزان واقعی است، به فراگیری نتیجه بخش منجر خواهد شد.

● اصل دوم: آمادگی، شرط لازم برای یادگیری است. موضوع درسی و تجارب یادگیری باید از آنجایی که فراگیر هست، فراهم شود.

سلسله مراتب دروس، در طول یک برنامه آموزش کشاورزی و نیز سلسله واحدهای آموزشی در طول یک دوره ویژه مشخصه‌های اصلی هستند که نشان می‌دهند، این اصل در عمل چه میزان رعایت می‌شود. صرف نظر از اینکه چگونه در دوره‌های آموزشی می‌توان به خوبی توالی آموزش را تنظیم کرد، آمادگی دانش‌آموزان برای یادگیری جدید، نکته مهمی است که تفاوت‌های مشخص دانش‌آموزان آن را بی‌نهایت مشکل می‌سازد. البته این غیرممکن نیست که، دانش‌آموزان برای هر واحد آموزش، دانش و تجربه کارآمدی به عنوان مقدمه (برای آمادگی) داشته باشند.

معلمانی که این اصل را به عنوان اساس و مبنا در آموزش خودشان گنجانده باشند، به قلمرو وسیعتری می‌روند، تا در باره دانش‌آموزانشان، علایق، آرزوها و افکار باطنی آنها، استعدادهای، آموزشها و تجارب قبلی مرتبط با موضوع درسی، انتظارات والدینشان و فرصتهایشان برای مشارکت در آزمایشگاه و تجارب نظارت شده در آموزشهای کلاسی، به کسب اطلاعات بپردازند. یک مورد مهم دیگر در این رابطه، اینکه معلمان علاوه بر نکات مذکور، باید در باره وضعیت تک‌تک افراد و موقعیت خانواده‌هایشان و آنچه که آنها در مدرسه انجام می‌دهند، اطلاعاتی داشته باشند.

دانش‌آموزان آمادگی خود را برای آموزش از طریق علاقه و شور و حرارتشان، زمانی که یک واحد جدید آموزشی معرفی شد، همچنین به وسیله سؤالاتی که آنها می‌پرسند، سطح موفقیتشان و اینکه چگونه در کلاس و آزمایشگاه فعالیت می‌نمایند، نشان می‌دهند. معلمان فهمیم و باادراک، به نظریات و تذکرات دانش‌آموزان توجه می‌نمایند، چرا که می‌تواند نمایانگر فقدان دانش، مهارت یا تجارب



موضوع درسی آسان‌تر است.

درگیر کردن در آموزش، تقدیس، تعهد و صمیمیت با دانش‌آموزان، اهمیت خالصانه قائل شدن برای دانش‌آموزان و موفقیتشان، از ویژگی‌هایی هستند که دانش‌آموزان با شور و حرارت بدانها اشاره می‌کنند. به طور یقین، شور و حرارت معلم می‌تواند در حصول موفقیت دانش‌آموزان نقش داشته باشد. حرکت معلم، ژست‌ها و انعکاسات صدا، عواملی هستند که از دید دانش‌آموزان در یک معلم باحرارت و اشتیاق مورد توجه می‌باشد. معلمانی که واجد اشتیاق و جدیت در کارشان باشند، (در مقایسه با معلمان بی‌حال و بی‌تفاوت) موجب افزایش انگیزش در دانش‌آموزان می‌شوند.

#### علاقه

علاقه وسیع دانش‌آموزان، هنگامی به منصفه ظهور می‌رسد که فعالیتی باشد یا عشق به طبیعت، حس کنجکاوی، قوه ابتکار و خلاقیت، گروه‌گرایی، موافقت مطلوب، نوع‌دوستی، خودپیشرفتگی یا رقابت یا مقبولیت مطرح باشد. علاقه دانش‌آموزان در یک موضوع درسی به دانش آنها یا مهارت مربوط به موضوع وابسته است. با درک و یافتن ارتباطات بین موضوع جدید و آنچه که دانسته و آموخته می‌شود، می‌توان علاقه دانش‌آموزان را نسبت به یک موضوع افزایش داد. توسعه و حل موارد مبهم، به کارگیری موارد بدیع و غیرمنتظره و استفاده از فکاهی (طنز و شوخی) موجب آفرینش یا تحکیم علاقه خواهد بود. پذیرش اهداف گروهی در دانش‌آموزان، حس پیشرفت و حرکت مثبت به سمت اهداف و چالش در باره یک مقوله، می‌تواند به رشد علائق منجر شود و بر شدت علاقه بیفزاید. گروه یا کلاس می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای تجلی علاقه توسط افراد مورد توجه قرار گیرد.

دانش‌آموزان می‌اندیشند، می‌باید از علاقه، خواسته‌ها و افکار باطنی آنها آگاهی داشته باشند. چنانچه آموزش گیرندگان، دانش‌آموزان دبیرستانی باشند، دانش و اطلاعات مرتبط به روان‌شناسی بلوغ، اگر چه ضروری نیست، ولی (دانستن آن برای معلمان) مطلوب و پسندیده است. صرف‌نظر از سن مخاطبان، معلم موفق به طور علمی و منظم تلاش می‌نماید تا به ویژگی‌ها و مقتضیات و وضعیت محیطی آنها واقف شود، چرا که این نکات به طور مستقیم در انگیزش دانش‌آموزان در آموزش کشاورزی و عموماً برای مدرسه مؤثرند و به شکل خاص و ویژه معلم به بررسی (این موارد) می‌پردازد. این ویژگی‌ها عبارتند از: شایستگی‌ها و موفقیت‌های علمی دانش‌آموزان در مدرسه، آرزوهای شغلی و آموزشی و طرح‌های آنها، انواع فعالیت‌هایی که آنها در خارج از مدرسه در آن مشارکت دارند، گروه‌های که آنها عضو هستند، استعداد‌های ویژه یا غیرمعمول و تجاربی که آنها دارند، طبیعت محیطی که آنها در آن زندگی و کار می‌کنند، ارزش‌های آنها، خانواده‌شان و دوستانی که آنها عموماً در مدرسه دارند یا اختصاصاً برای مطالعه کشاورزی با آنها هستند.

به صورت ویژه، معلمان باید به دلایلی که دانش‌آموزان هنگام ثبت‌نام در دوره‌های کشاورزی عنوان می‌نمایند، توجه کنند و به انواع فعالیت‌ها، میزان موفقیت و درجه برانگیختگی دانش‌آموزان نیز توجه داشته باشند.

#### اشتیاق (جدیت)

علاوه بر مهارت معلم، جدیت و شور و اشتیاق وی، ویژگی قابل ملاحظه‌ای است که به عنوان یک عامل اصلی در انگیزش دانش‌آموزان سهم دارد. با وجود شور و حرارت در معلم، آموزش مهارت‌ها یا آموختن

ضروری برای حصول (یا عدم حصول) به اهداف آموزشی یک دوره ویژه یا واحد آموزشی باشند. زمانی که دانش‌آموزان فاقد دانش مقدماتی، مهارت یا تجربه باشند، معلمان می‌باید به دنبال یک آموزش چاره‌ساز باشند تا موفقیت دانش‌آموزان تضمین گردد.

#### انگیزش

● اصل سوم: دانش‌آموزان می‌باید انگیزه شوند تا یاد بگیرند. فعالیت‌های یادگیری باید به شکلی فراهم گردد که پاسخگوی خواسته‌ها، نیازها، علایق و آرزوهای آنها باشند.

انگیزش عاملی است که به رفتار جهت و شدت می‌دهد. انگیزش برای یادگیری در مدرسه، چیزی است که دانش‌آموزان را مورد تأثیر قرار می‌دهد تا به موضوعات ویژه و فعالیت‌های یادگیری به شکلی علاقمندانه و چالش‌آمیز توجه نمایند. انگیزش، پایداری و جدیت دانش‌آموزان را برای مشارکت در انجام فعالیت‌های یادگیری تبیین می‌نماید. انگیزش برای یادگیری در آموزش کشاورزی عمدتاً کارکردی از شخصیت و دیگر خصوصیات دانش‌آموزان می‌باشند. انگیزش برای یادگیری کارکردی است از کیفیت و تنوع تجارب یادگیری که تحت کنترل مستقیم مدرسه و معلم اعمال می‌شود.

برای انگیزش دانش‌آموزان، عموماً می‌توان به علائق و جدیت و پشتکار آنها در انجام وظایف واگذار شده، جهت مدرسه، دوره‌های آموزشی ویژه و فعالیت‌های آموزشی خاص توجه نمود. معلمان انگیزش دانش‌آموزان را بر حسب درجه نسبی علاقه‌ای که آنها به فعالیت‌های

ویژه دوره از خود نشان می‌دهند، درجه‌بندی می‌کنند. معلمانی که دوره‌ها و جهت فعالیت‌های آموزشی را طراحی و تنظیم می‌نمایند و به انگیزش مثبت

## بدون شک در حصول عملکرد مثبت در بخش کشاورزی کارآ و کارآمد است.

### برای دستیابی به کشاورزی علمی

### برای آموزش، ترویج و تحقیقات سهم ارزنده‌ای قائلند.

تجارب جدید یادگیری، دانش‌آموزان را تحریک می‌کند. بحث درباره تجربیاتی که آنها دارند، به طور فعال آنها را درگیر می‌کند که این نیز به نوبه خود موجب انگیزش و تحرک آنها می‌شود. استفاده از اهداف و نمادهای واقعی، توجه دانش‌آموزان را جلب می‌نماید، آنها را درگیر می‌نماید و سطح بالایی از علاقه را در آنها می‌آفریند. فعالیتهای یادگیری در دانش‌آموزان فعال نسبت به دانش‌آموزان منفعل یا مشاهده‌گران تحریک پذیر، ارجحیت دارد. یک مفهوم مؤثر انگیزش دخالت دادن دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری می‌باشد. این از مسئولیتهای معلم است که در یابد، دخالت دانش‌آموزان پر معنا و موجب انگیزش است و اینکه این دخالت به طور قطعی هم به فرایند آموزش کمک می‌کند و هم موجب حصول نتایج می‌شود.

#### اصل چهارم: دانش‌آموزان با دخالت نمودن در تنظیم اهداف و طراحی فعالیتهای یادگیری، برانگیخته می‌شوند.

دانش‌آموزان زمانی که به طور فعال و مناسب در تنظیم و طراحی اهداف، رهبری و ارزشیابی فعالیتهای یادگیری دخالت می‌نمایند، چون در امر خطیر یاددهی - یادگیری به حساب آورده می‌شوند، برانگیخته می‌شوند. برای اینکه آنها به طور موفقیت‌آمیز به اهداف و فعالیتهای خود نایل شوند، ضرورتاً باید چگونگی مشارکت در گزینش و تنظیم اهداف، انجام و ارزشیابی مراحل مختلف فرایند یاددهی - یادگیری را فراگیرند. دخالت دانش‌آموزان فعال در تنظیم اهداف، طراحی و ارزشیابی فعالیتهای یادگیری معلم را از مسئولیت اصلی برای اطمینان یافتن از اینکه آموزش به طور ماهرانه طراحی، ارائه و ارزشیابی شده یا نه، خلاص نمی‌سازد. چنانچه شیوه معلم مداری در تنظیم اهداف، طراحی و ارزشیابی آموزشی حاکم باشد، حقیقتاً خیلی دشوار است که در این مورد به

دانش‌آموزان آموزش دهیم و بخواهیم تا آنها را به طور مناسب برای طراحی و رهبری فعالیتهای یاددهی - یادگیری دخیل و درگیر نماییم.

معلمان "بکارگیرنده نظریات دانش‌آموزان"، معلمانی هستند که رفتارشان همبستگی مثبتی با موفقیت دانش‌آموزان دارد. زمانی که معلمان آنچه را که دانش‌آموزان گفتند، تکرار می‌کنند، سهم و کمک دانش‌آموزان را در طی بحث می‌پذیرند، نظریات و آرای دانش‌آموزان را اصلاح یا تنظیم می‌نمایند، ایده دانش‌آموزان را در تجزیه و تحلیل و حل مسائل به کار می‌گیرند و زمانی که نظر یک دانش‌آموز را با نظرانی که توسط دیگران بیان شد، مقایسه می‌کنند، در حقیقت این‌گونه معلمان، از نظریات و آرای دانش‌آموزان استفاده نموده‌اند. آن هنگام که معلمان با رفتار و سخنان خود نشان دهند که احساس و رای دانش‌آموزان را درک می‌نمایند و زمانی که آنها به تشویق و ستایش از دانش‌آموزان می‌پردازند، آنها برانگیخته می‌شوند و به سطوح بالاتر موفقیت نایل می‌شوند.

#### اصل پنجم: موفقیت یک نیروی انگیزشی قوی است.

وقتی که دانش‌آموزان برای خود دانش جدید و مهارت کسب می‌نمایند، تشویق می‌شوند. هیچ چیز مانند موفقیت، موجب تحرک و انگیزش نمی‌شود. معلمانی که به این اصل از آموزش و یادگیری معتقدند، مطمئن هستند که دانش‌آموزان، آنجا که امکان موفقیت وجود داشته باشد، جلب فعالیتهای یادگیری می‌شوند. فراهم آوردن آموزش و نظارت مورد نیاز، دانش‌آموزان را به انجام امور توانا می‌سازد و مسلماً موفقیت دانش‌آموزان مشخص و قابل حصول خواهد بود.

#### اصل ششم: دانش‌آموزان زمانی که برای

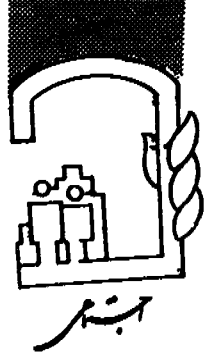
انجام وظایفی در حوزه رقابت و چالش تلاش می‌نمایند، برانگیخته می‌شوند. در چنین حالتی این نکته درک می‌شود که موفقیت اگر چه حتمی نیست، ولی ممکن است.

این اصل از آموزش و یادگیری که به اصل قبلی خیلی نزدیک است، تأکید می‌نماید که زمانی که دانش‌آموز دستیابی به موفقیت را ممکن می‌بیند رقابت چالش برای او یک نیروی انگیزشی است. در تکمیل این اصل، معلم باید به این مسئله اصلی توجه کند که آنچه که در محدوده چالش واقع می‌شود، برای بعضی دانش‌آموزان، حصول بدان غیرممکن است و شاید برای بعضی دیگر ممکن باشد یا حتی برای سایر دانش‌آموزان شاید خسته کننده باشد. زمانی که معلمان قصد به کارگیری این اصل را دارند، باید ضرورتاً به تفاوت‌های فردی افراد توجه ویژه‌ای معطوف نمایند. به کارگیری این اصل، مستلزم استفاده از مواد آموزشی و موضوع درسی در چندین سطح دشواری است، ضمن اینکه از تنوع فعالیتهای یادگیری نیز، نباید غافل شد. معلمان مؤثر به گزینش و تنظیم توالی موضوع درسی و توسعه فعالیتهای یادگیری می‌پردازند، تا دانش‌آموزان در عرصه رقابت، احتمال موفقیت را ممکن بدانند.

#### پاداش و تقویت

اصل هفتم: زمانی که دانش‌آموزان به پیشرفت یادگیری خود واقف باشند، کارشان نسبت به زمانی که بدان آگاهی نداشته باشند، بهتر و برجسته تر خواهد بود.

چنانچه دانش‌آموزان به دنبال تداوم علاقه شان در یادگیری و تلاش برای دستیابی به نتایج مطلوب یادگیری باشند، باید بازخوردهایی را در مورد فرایند یادگیری دریافت نمایند. فراهم شدن بازخورد هم موجب تشخیص نقاط ضعف و قوت رفتار



# مهاجرت و توسعه کشاورزی

- محمدرضا نقوی، دانشجوی دکترای اصلاح نباتات
- هرمز اسدی، کارشناس تحقیقات اقتصادی کشاورزی

## ■ مقدمه

مهاجرت جنبه روشنی از پویایی جمعیت در کوتاه مدت می‌باشد. رشد جمعیت و حتی بشتر دگرگونیهای ساختار جمعیت، تنها در بلندمدت محسوس است. اما حرکت‌های مهاجرت باعث ایجاد دگرگونیهای سریع در نرخ رشد و ساختار جمعیت گشته و اثرات اقتصادی مستقیم و قابل رؤیت را به همراه دارد. برای مدیران بخش کشاورزی، تفکر در مورد تهیه غذا در بررسی علل و خصوصیات مهاجرت روستایی و انعکاس آن در توسعه کشاورزی و تمایز بین مهاجرت برنامه ریزی شده و مهاجرت برنامه ریزی نشده بسیار مهم است.

## ■ عوامل مهاجرت روستایی

عوامل مهاجرت روستایی در بررسیهای زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. ولی این بررسیها کمک کمی به برنامه ریزان بخش کشاورزی کرده است. در این قسمت، مروری از نظر علمی بر روی این مسائل داریم. البته زیاد نمی‌توان به نتایج تجربی تکیه نمود. همچنین، روشهای متوالی به کار رفته و خط‌مشی آنها در تکمیل سیاستهای توسعه مهم می‌باشد. همچنین به جز چند مورد، مهاجرت جمعیت فعال مدنظر قرار می‌گیرد. تلاشهایی برای بررسی و تجزیه و تحلیل مهاجرت به عنوان عکس‌العمل نسبت به

عوامل مهاجرت به داخل و مهاجرت به خارج انجام شده است. این روش بیشتر در ارتباط با مهاجرت از روستا به شهر پذیرفته شده است. در حقیقت، عواملی از قبیل: کم کاری و فقر نواحی روستایی، فقدان سازماندهی و سرویسهای خدماتی و فشار جمعیت بر روی زمین و ... در روستاها از یک طرف و عواملی از قبیل: فرصتهای شغلی بیشتر در شهرها، تسهیلات آموزشی، وجود سازماندهی و سرویسهای خدماتی، تنوع بیشتر در زندگی اجتماعی در شهرها از طرف دیگر، عوامل مؤثر در مهاجرت از روستا به شهر می‌باشند. تمایز بین عوامل مهاجرت به داخل و عوامل مهاجرت به خارج ساختگی است. در حقیقت، اینها دو روش متقارن هستند که یک پدیده را توصیف می‌کنند و آن هم به علت نابرابری (اختلاف یا شکاف توسعه) بین نواحی شهری و روستایی می‌باشد. این مورد با بیان این سؤال قابل درک است که آیا مهاجرت به علت محدودیت جنبه‌های شغلی در نواحی روستایی است و یا به واسطه وجود جنبه‌های شغلی بهتر در نواحی شهری می‌باشد؟ در حقیقت، این مورد نشانگر آن است که عوامل مهاجرت به داخل و خارج یک مورد را توصیف می‌کنند، اگر چه تحت عناوین مختلف بیان شده‌اند. مؤلفین مختلفی که در مورد ساختار الگوهای توضیحی رفتار مهاجرت فردی کار کرده‌اند،

تأکید بیشتر آنها در مورد روابط بین هزینه‌ها و منافع بدست آمده از این مهاجرت‌ها بوده است (یک الگوی کلاسیکی در این روش، الگوی تودار می‌باشد که در زمینه احتمال یافتن کار در شهر برای مهاجر بحث می‌کند). اما صحت چنین الگوهای از طریق بررسیهای تجربی تأیید نمی‌گردد. همچنین، برخی از فرضیات آنها از قبیل: یکنواختی مهاجرت کننده‌ها با توجه به نوع مهارتشان، داشتن اطلاعات بیشتر در مورد شهر و سطح درآمد بیشتر در بخش رسمی جای شک و تردید وجود دارد. این الگوها از دو نظر قابل نقد و بررسی می‌باشند که عبارتند از:

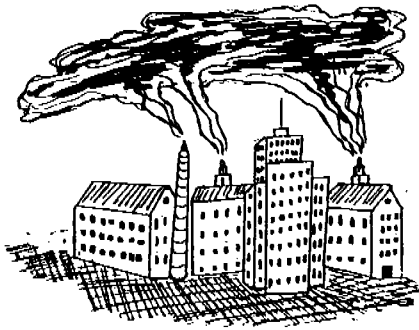
(۱) عدم وجود عوامل غیراقتصادی در توصیف تصمیم برای مهاجرت: شامل اختلاف از نظر فرصتهای آموزشی، زیست محیطی، کیفیت زندگی و ریسک و خطرات بهم پیوسته در محیطهای اجتماعی و نقش روابط خانوادگی و اجتماعی می‌باشد.

(۲) تأکید بر روی تفاوت کلی بین شهر و روستا و غفلت از عوامل درون روستایی: در تئوریه‌ها توجه خیلی کمی به موضوع مهاجرت درون روستایی شده، چرا که بیشتر مهاجرت‌ها، مهاجرت از روستا به شهر بوده که این مسئله به ویژه در آسیا و همچنین، آفریقا و نقاط دیگر مشاهده شده است.

در حقیقت، این الگو توجه کافی به عوامل کیفی (ساختار مالکیت زمین و ساختار

درآمدی)، عوامل اجتماعی (توزیع قدرت و نقش آن در سازمان تولید و زندگی اجتماعی) و اثرات سیاستهای دولت نشده است. بعلاوه، بررسی مهاجرت تنها از طریق منطق فردی همراه با تئوری اقتصادی تا ظهور و توسعه اقتصاد خانواده مشکل آفرین می باشد. چرا که، شناخت پویایی افراد خانواده در بررسیهای مربوط به مهاجرت نقش مهمی را در فهم پدیده مهاجرت و هر مورد دیگر در سطح اقتصاد کلان دارد. به عنوان مثال: دگرگونیهای ساختار اندازه، ساختار جنسی و سنی و نرخ وابستگی جمعیت تدریجی و کم می باشد.

ولی در سطح خانوارها، دگرگونی سرعت بیشتری را نشان می دهد. بنابراین، رفتار خانوارهایی که منابع نیروی کار را جهت تولید مواد غذایی اختصاص داده اند از یک طرف و دستمزد نیروی کار (هنگام مهاجرت) از طرف دیگر در آفریقای جنوبی در این بررسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این بررسی نشان داد که این تخصیص نه تنها به سودمندی نسبی عملکردها و هزینه های فرصت آنها، بلکه به ترکیب خانواده هم بستگی دارد. متغیرهای کلیدی در این زمینه شامل، نرخ افراد غیرفعال در تولید و اندازه گروههای تولیدکننده می باشد. در پایان این مورد قابل ذکر است که مهاجرت بیش از همه عوامل، در اثر نیاز برای پول و درآمد نقدی نمی باشد، بلکه به طور کلی، مهاجرت برای نیاز خانوارهای روستایی در جهت دسترسی به منابع مختلف درآمد به منظور افزایش امنیت اقتصادی و یا کاهش عدم امنیت است. از آنجائیکه مهاجرت در اثر عدم برابری اقتصادی ایجاد می گردد، هر سیاستی در جهت دگرگونی رویه مهاجرت، باید توجه ویژه ای به عوامل اساسی و پایه ای آن داشته باشد. به منظور درک بهتر و وسیعتر این پدیده، باید مهاجرت در سطح خانواده (به منظور تحلیل اقتصادی) و حتی در سطح اجتماع (روستاها و گروههای نژادی) مورد بررسی قرار گیرد. چون یک مهاجرت تنها از طریق بررسی داخلی نظام اجتماعی و در وضعیت بخصوص با تعیین ارتباط بین نسلها و توزیع قدرت و نقش اقتصادی - اجتماعی آنها قابل تشریح می باشد. بالاخره، برای بررسی دقیق مهاجرت، پی بردن به عوامل مؤثر بر توزیع منابع و توزیع قدرت سیاسی و اجرایی و تبادل اطلاعات الزامی است.



### ■ اثرات مهاجرت روستایی:

اثرات مهاجرت تا حدود زیادی به ویژگیهای مهاجرت کنندگان بستگی دارد.

مهاجرت یک پدیده انتخابی است و بیشتر مهاجرت کنندگان جوانان هستند. البته، مردان بیشتر از زنان مهاجرت می نمایند. (به جز در آمریکای لاتین) افرادی که از روستا به شهر مهاجرت می کنند نسبت به افرادی که در روستاها می مانند، از سطح آموزشی بالاتری برخوردار می باشند. از دیدگاه خانوارهای روستایی، مردان جوان با سطح معینی از آموزش با انجام مهاجرت، خواهان به دست آوردن درآمد بیشتر می باشند. بیان یک الگوی ثابت در تعیین اثرات مهاجرت امکان پذیر نیست و انجام قضاوت سطحی برای بیان مضرات و سودمندیهای مهاجرت صحیح نمی باشد.

در این قسمت، اثرات مهمی از قبیل: اشتغال، تولید، درآمد، سرمایه گذاری و متغیرهای مؤثر دیگر در توسعه مورد بحث قرار می گیرد که در مهاجرت نقش دارند.

یک برنامه ریز، باید جریان مهاجرتی موجود و همچنین اثرات آن را در نواحی مورد بررسی قرار داده تا از آنها بتواند در جهت آماده سازی و اجرای طرحهای خود مورد استفاده قرار دهد. البته باید ملاحظات مهم را در مهاجرت افراد از نظر مسافت مهاجرت، طول عمر و دوام مهاجرت، اهداف اقتصادی مهم آن و طبقه بندی افراد از نظر سن و جنس در نظر بگیرد.

در بررسی اثر مهاجرت بر تولید، باید اثرات میان مدت و بلندمدت را مدنظر قرار

داد. از نظر تئوریهای دوگانگی<sup>(۱)</sup> اثر کوتاه مدت مهاجرت در منطقه چندان زیاد نمی باشد، زیرا با وجود نیروی کار مازاد، کار بین آنها تقسیم می شود و همان مقدار تولید با تعداد کمتری از نیروی کار بدست می آید. بررسیهای تجربی انجام شده در تعداد زیادی از کشورها در مورد این موضوع که در مهاجرت بهره وری نهایی نیروی کار صفر می باشد، مورد تأیید قرار نگرفته است. برعکس، به نظر می رسد که اختصاص منابع و نیروی کار به صورت کارا بوده است. در حقیقت، با تغییر در کشت محصولات کشاورزی به طوری که نیاز به نیروی کار کمتری داشته باشد، دگرگونیهای فن آوری کاربر، مشارکت بیشتر کارگران روزمزد به ویژه زنان و وجود منابع بیشتر تا حدی اثرات مهاجرت افراد را در یک ناحیه جبران می کند. بدون شک در هر شرایطی در کوتاه مدت اثر مهاجرت بر روی سطح تولید کمتر از اثر آن بر سازمان تولید می باشد. برخی از بررسیهای مزروع افزایش مشارکت زنان و کار بچه ها را در تولید کشاورزی در راستای مهاجرتهای آینده مورد تأیید قرار داده است. در حقیقت، مهاجرت مقتضیات سنتی را دگرگون کرده و مسئولیت پذیری زنان را بیشتر می کند. از این رو، این عوامل باید در برنامه ریزی کشاورزی در مناطق در نظر گرفته شود. اما در بلندمدت مهاجرت می تواند سطح تولید را با مکانیزمهای مختلف تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال کاهش میزان تولید به واسطه این است که ظرفیت فیزیکی و جسمی جمعیت یعنی زنان، بچه ها و افراد مسن کاهش می یابد.

زیرا اینها دسترسی چندانی به وسایل ماشینی و مالی ندارند.

اثر دیگر مهاجرت بر روی نوع تولید می‌باشد. از آنجایی که محصولات درآمدزا نیاز به کار بیشتری دارند، در بیشتر حالات، محصولات غذایی نسبت به محصولات دیگر در وضعیت مهاجرت بیشتر مورد توجه می‌باشند. چنانکه در نواحی معینی از غرب آفریقا که پنبه و بادام زمینی کشت می‌شود، مهاجرت بر روی تولید غذا مؤثر بوده است و نقش مهمی را در ایجاد قحطی در دهه ۷۰ داشته‌اند.

یکی از عوامل مهم در ارزیابی واکنش اقتصادی مهاجرت، اختصاص درآمد مشتق شده از مهاجرت می‌باشد. برخی از افراد مهاجرت را به عنوان یک عنصر کلیدی در استراتژیهای خانواده برای تقویت کشاورزی می‌دانند. اگر چه مثالهایی در مورد به کارگیری درآمد مهاجرت به منظور بهبود کشاورزی محلی وجود دارد که نمونه بارز آن را سونینک<sup>(۲)</sup> از غرب آفریقا گزارش کرده است.

ولی با وجود این در بیشتر مواقع این درآمد در جهت موارد زیر مصرف می‌شود:

(الف) به عنوان مثال در آفریقای جنوبی از این سرمایه برای خرید گله گاو استفاده می‌شود و این مورد، بیشتر برای ایجاد یک منزلت اجتماعی در افراد می‌باشد.

(ب) صرف ساختن و اصلاح و تعمیر منازل می‌شود.

(ج) برای خودنمایی در جهت مصارفی که از طریق قوانین اجتماعی تحمیل می‌گردد که موجب بی فایده شدن مهاجرت از لحاظ اقتصادی می‌گردد. یکی از اثرات مثبت

مهاجرت این است که خرید زمین را از طرف خانواده‌هایی فراهم می‌سازد که در وضعیت مالی بدی هستند. البته این مورد کمتر اتفاق می‌افتد. از طرف دیگر، در زمان مهاجرت افراد بواسطه کم بودن تعداد فرزندان کاری یک خانواده امکان توسعه مزرعه آنها وجود ندارد.

(این امر تا زمانی است که آنها نیروی کاری را اجیر نمایند تا براساس آن بتواند مزرعه بیشتری را خریداری نمایند). علاوه بر این، بی

علاقگی به کشاورزی در نواحی مهاجرت شده به وجود می‌آید. به عنوان مثال: در سودان تعداد کمی از مهاجرت کنندگان در بخش کشاورزی سرمایه گذاری می‌کنند و نیز در تانزانیا، تنها ۱۰ درصد سود حاصل از مهاجرت صرف بخش کشاورزی می‌گردد. در حقیقت، درآمد ناشی از مهاجرت در منطقه، بیشتر صرف ایجاد تغییرات اجتماعی می‌گردد. از این رو، مدیران بخش کشاورزی با در نظر گرفتن تمامی این عوامل، می‌توانند در جهت رفع نیازهای منطقه ای که مهاجرت از آن صورت گرفته و مناطق مهاجرپذیر اقدام نمایند.

### منابع:

1- Alain Marcoux, (1985), "Population, Society and Agricultural Planning."

2- FAO of the united nations, Rome, No.(51) : 79-84.

Dualistic Theory-۱

Soninke-۲

بقیه از صفحه ۲۹

مشخص می‌شود. معلمان می‌توانند بازخورد و آموزش تکمیلی برای دانش‌آموزان را از طریق توضیحات نوشتاری بر روی دفتر یادداشت، مقالات و دیگر پروژه های نوشتاری فراهم نمایند. بعضی معلمان از گزارشهای سمعی و بصری، برای ارزیابی کار دانش‌آموزان و ارائه پیشنهاد فعالیتهای یادگیری بیشتر استفاده می‌نمایند. بحثهای گروهی کوچک که معلم در آن دخالت دارد و نیز آموزش افراد و نظارت در خانه و مکانهای کار، برای معلمان فرصتهای عالی را فراهم می‌آورد، تا به دانش‌آموزان کمک نمایند که از پیشرفت یادگیریشان آگاه شوند.

معلمان موفق، به دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه پیشرفت یادگیریهای خود را ارزیابی نمایند. در پایان تجزیه و تحلیل، اگر دانش‌آموزان به دنبال یادگیری مستمر در سراسر زندگی‌شان باشند، خود ارزیابی کردن هدفی است که بدان نایل می‌شوند.

### منبع

Methods of teaching agriculture

زمانی که ضرورتی باشد، بلافاصله آموزش تکمیلی و چاره‌ساز می‌تواند همراه شود. در موقعیتهای آزمایشگاهی که توسعه مهارتهای حسی- روانی به عنوان نتایج یادگیری مورد نظر است، به کارگیری این اصل، مستلزم این است که معلمان عملکرد مهارتی دانش‌آموزان را مشاهده نمایند و سپس تمرینات یا مهارتهایی که باید بهبود یابند، مشخص یا مدل‌سازی شوند. در فراهم آوردن بازخورد برای دانش‌آموزان، این نکته مهم است که معلم آنچه را که ناصحیح و غلط انجام می‌شود، بشناسد. همچنین باید مطمئن شد که دانش‌آموزان فهمیده‌اند که چه چیزی صحیح است و چه مهارتها و عملیاتی به شکل صحیح باید انجام شود. زمانی که واکنشهای نادرست و عملکردهای نامناسب از طرف دانش‌آموزان، ظهور می‌یابند، آموزش مجدد باید به سرعت فراهم شود.

برای تشخیص موفقیت و عملکرد دانش‌آموزان و به طور همزمان فراهم آوردن آموزش تکمیلی، گستره‌ای از روشها، عمدتاً براساس قدرت نوآوری و ابتکار معلم

دانش‌آموزان می‌شود و هم اینکه اگر نیاز باشد، آموزش اضافی و عملیات نظارت شده را مهیا می‌سازد. معلمان ماهر، برای فراهم نمودن بازخورد (پس خوراند) دانش‌آموزان از روشهای متنوعی استفاده می‌کنند. آزمونها و امتحانات، احتمالاً از روشهایی هستند که با بیشترین فراوانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از آزمونها به شکلی که بیشترین تأثیر را در یادگیری داشته باشد، موجب می‌شود دانش‌آموزان نه تنها بازخوردهای مربوط به عملکردشان را بلافاصله ببینند، بلکه همچنین برای مشارکت در فعالیتهای آموزشی فوق‌العاده که برای توسعه دانش و مهارتشان که در سطح رضایتمندانه‌ای نبوده است، طراحی شده است، فرصتی به دست آورند. تستها به عنوان ابزار تشخیصی هستند که برای ارزیابی و درجه بندی مقاصد به کار گرفته می‌شوند و یک راه مؤثر برای برآورد پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان می‌باشند.

سؤال نمودن در طی بحث کلاسی، فرصتی را برای معلمان فراهم می‌آورد که دانش و درک دانش‌آموزان را برآورده نمایند



# حرکات داخلی جمعیت ایران، مساله مهاجرت روستایی

(قسمت اول)

دکتر حسین آسایش، استاد دانشگاه

## حرکات داخلی جمعیت ایران

یکی از مشکلات قرن حاضر که بیشتر کشورهای در حال توسعه با آن رو برو هستند، مهاجرت روستاییان به شهرها است.

تاریخچه پیدایش اصطلاح "مهاجرت روستایی" روشن نیست. اصطلاح ترک زمین، ترک روستاها، روستاگریزی در سه دهه اول قرن بیستم رایج بود. در حال حاضر مهاجرت روستایی وسیله‌ای در راه پیشرفت فردی و اجتماعی به حساب می‌آید و بسیاری از کشورهای که بیشتر فرهنگ و تمدن امروزی خود را مدیون مهاجران هستند، مهاجرت را به بیان ساده می‌توان این گونه تعبیر کرد: مهاجرت تحرک مکانی و تغییر محل کار و سکونت از یک مکان جغرافیایی به مکان دیگر است. از انواع مهاجرت، مهاجرت داخلی و خارجی است و مهاجرت داخلی خود به دسته‌های فرعی زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- مهاجرت ادواری روستا به روستا
- ۲- مهاجرت ادواری روستا به شهر
- ۳- مهاجرت دائمی روستا به شهر

انواع دیگر مهاجرت عبارت‌اند از:

- ۱- مهاجرت از لحاظ سیاسی
- ۲- مهاجرت‌های زیست محیطی
- ۳- کوچ عشایر

در مورد علل مهاجرت عقاید زیادی وجود دارد، ولی جملگی برآنند که پدیده مهاجرت در بیشتر موارد رابطه مستقیم با توسعه و با پیشرفت اقتصادی نواحی مختلف دارد. به بیان دیگر، هر اندازه درجه روستائینی کمتر و شهرنشینی - البته به مفهوم واقعی - زیادتر باشد، به همان اندازه آن جامعه توسعه یافته‌تر است.

در این اواخر در بیشتر کشورهای در حال توسعه، راهیابی ماشین‌آلات کشاورزی به روستاها از یک طرف و سرازیر شدن مصنوعات جدید کارخانه‌ای به بازارهای روستاها از طرف دیگر، موجب گردیده که بسیاری از صنایع دستی کوچک تعطیل شود و علاوه بر بیکاری پنهان، سبب به وجود آمدن بیکاری آشکار هم گردد.

یادآور شدیم که افزایش جمعیت شهرنشین، نشانه رشد اقتصادی نواحی مختلف است. ولی نباید تصور کرد که این وضع در همه حال و در همه جا و در همه شرایط صدق می‌نماید. بلکه برعکس افزایش سریع جمعیت شهرها یکی از پدیده‌های مشخص فقر اقتصادی جمعیت ممالک

کم‌رشد بشمار می‌رود. این روستاییان هستند که موجب افزایش جمعیت شهرها می‌شوند و بیکاری پنهان و آشکار را با خود به شهرها برده و بالاخره در فقر و تنگدستی و مرض از بین می‌روند و یا دیگران را هم طراز خود می‌کنند.

نمونه بارز پدیده این قرن، شهر تهران، پایتخت ایران است. بنا به گزارش مرکز آمار ایران، در فاصله دو سرشماری در یک دوره دهساله، جمعیت این شهر از ۱۵۱۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۲۶۹۵۲۸۳ نفر در سال ۱۳۴۵ رسیده است. در ده سال مورد نظر جمعیت شهرهای اروپا در حدود ۲۰ درصد اضافه شده است، در حالی که این افزایش در تهران به ۲۰۰ درصد رسیده است که از علل اصلی آن اصلاحات ارضی می‌باشد. در رابطه با طبقه‌بندیهای گوناگونی که در رابطه با مهاجرت صورت گرفته، در اینجا به ۶ مورد اساسی با توجه به نوع تقسیم‌بندی مربوطه در جدول شماره (۱) اشاره می‌شود.

تا به حال کشورهای متقدر زیادی با مسأله مهاجرت مواجه بوده‌اند و با تمام قدرت و امکانات خود نتوانسته‌اند در این کار موفق شده و از مهاجرت روستاییان جلوگیری کنند. ارقام و اعداد جدول شماره (۲) که در سال ۱۹۹۷ تهیه شده، بهترین شاهد برای این ادعا است.

جدول شماره (۱): ابعاد مهاجرت

نوع انتخابی مهاجرت			انواع مهاجرت			ابعاد
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
	*	*		*	*	۱- فضایی (مکانی) (کجا؟) داخلی: روستا- روستا* روستا- شهر بین‌المللی *
*	*					۲- زمانی (کجا و تا چند فاصله) فصلی (الگوی سالیانه)* غیرفصلی، موقت* دائم*
*		*	*	*	*	۳- انگیزشی (چرا؟) ارادی: راهبرد زندگی درازمدت* واکنش فشار راهبرد کنار آمدن اضطرار اجبار*
						۴- اجتماعی /تقسیم خانوار (کجا؟) بخشهایی از جامعه /خانوار* (باتوجه به جنس، سن، سواد، بهداشت) کل خانوار* کل جامعه*

جدول شماره (۲): توزیع درصد جمعیت جهان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۹۹۷

مناطق	کل جمعیت (درصد)	جمعیت شهرنشین (درصد)	جمعیت روستانشین (درصد)
جهان	۱۰۰	۴۳	۵۷
کشورهای توسعه یافته	۱۰۰	۷۴	۲۶
کشورهای در حال توسعه	۱۰۰	۳۶	۶۴
قاره آفریقا	۱۰۰	۳۱	۶۹
آمریکای شمالی	۱۰۰	۷۵	۲۵
آمریکای لاتین	۱۰۰	۷۱	۲۹
آسیا	۱۰۰	۳۵	۶۵
اروپا	۱۰۰	۷۲	۲۸
اقیانوسیه	۱۰۰	۷۰	۳۰

ماخذ: P.R.B. 1997

## مهاجرت "سرریز" جمعیت روستائین در کشور

به طور کلی، جمعیت روستایی کشور به هر صورتی که محاسبه شود در حال افزایش است و این افزایش، به علت محدودیت منابع ارضی زراعی، آب، مرتع و جنگل در محدوده هر یک از روستاهای موجود است که این دلایل موجب رشد میزان بیکاری در روستاها شده است. علاوه بر اینها، توسعه علوم و فن‌آوریهای مربوطه، ماشینی کردن و ماشینی شدن بسیاری از عملکردهای تولیدی و خدماتی در روستاها نیاز به نیروی انسانی سنتی را در فعالیتهای کشاورزی و روستایی کاهش می‌دهد. بدین ترتیب، رشد یک جمعیت مازاد بر ظرفیت در هر روستا یک واقعیت حتمی است و این جمعیت مازاد بر ظرفیت، ناگزیر به "سرریز" یا مهاجرت و ترک زادگاه خود است. به هر صورت، جریان برنامه‌ریزی نشده این جمعیت مازاد، یک حالت زیانبار برای کشور است. مهاجرت پدیده جدیدی نیست. این پدیده از قرن‌ها پیش بوده است. وجود مهاجرت برای ادامه حیات و جستجوی مکانهای بهتری بوده تا بتواند امرارمعاش و تغذیه نماید. به عبارت دیگر، حرکات مکانی یا مهاجرت در گذشته با مهاجرت عصر جدید دارای تفاوت کمی و کیفی است.

حرکات ناشی از مهاجرت، تأثیر بسزایی بر توزیع عادلانه جمعیت می‌گذارد و موجب گسترش سریع شهرنشینی می‌گردد. امروزه، بسیاری از مشکلات و مسائل کشورهای در حال توسعه را به چگونگی مهاجرت‌های داخلی آنها نسبت می‌دهند و مهاجرت‌های "بی‌رویه" را عامل اصلی رکود کشاورزی و تشدید مسائل و مشکلات شهری می‌دانند.

در بررسی مهاجرت‌های داخلی و خارجی ایران، بحث به مهاجرت‌های ۴۰ ساله (۱۳۳۵-۱۳۷۵) محدود می‌شود. علت این امر، عدم وجود آمار و اطلاعات قابل اعتماد از شمار مهاجران تا قبل از اولین سرشماری عمومی و همچنین بی‌اعتبار بودن آمارها و بررسیهای مسووع از جغرافیای جمعیت‌شناسی می‌باشد.

### کم و کیف حرکات داخلی جمعیت در ۴۰ سال گذشته

مهاجرت روستائیان به مناطق شهری از ویژگیهای دگرگونی جمعیت ایران در چند

دهه گذشته است. طی ۴۰ سال، جمعیت کل کشور بیش از ۳ برابر شده‌است. در این میان، جمعیت نقاط شهری بیش از ۶ برابر و جمعیت نقاط روستایی ۱/۷ برابر شده است.

به هنگام سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵، در مجموع ۲۰۲۲۱۹۹ نفر در نقاطی غیر از زادگاه خود اقامت داشته‌اند که ۱۰/۷ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. از تعداد کل مهاجرین در این دوره، ۷۴۱۰۹۵ نفر یا ۳/۹۰ درصد به شهرستانهای مجاور مهاجرت کرده‌اند<sup>(۱)</sup> و ۱۳۳۹۹۸۹ نفر یا ۷/۰۷ درصد مهاجرت به شهرستانهای غیرمجاور داشته‌اند.<sup>(۲)</sup>

لازم است در ابتدا اشاره شود که در سرشماریهای گذشته ایران (سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵ و ۱۳۳۵) چون محل اقامت و تولد افراد بر حسب شهرستان پرسش شده و زادگاه افراد بر حسب شهر و روستا مورد پرسش نبوده است، لذا میزان خالصی از مهاجرت روستائیان به شهر بدست نمی‌آید. به علاوه، داده‌های سرشماری نشانگر مهاجرانی است که در طول زندگی شهرستان و محل تولد خود را فقط یک بار تغییر داده‌اند. در نتیجه، اندازه‌گیری این پدیده با خطای فراوان همراه است و دقت و درستی بررسیهای انجام یافته قانع‌کننده نیست.

امکان بررسی مهاجرت‌های داخلی و خارجی کشور بر اساس داده‌های نتایج سرشماری سال ۱۳۴۵ نیز بسیار محدود است و از طرف دیگر، به علت تغییر محدوده‌های جغرافیایی، مقایسه نتایج آن را با سرشماری سال ۱۳۳۵ بسیار محدود کرده است. از ۲۵۷۰۸۹۲۳ نفر جمعیت ثابت کشور در سال ۱۳۴۵، ۸۶/۹ درصد متولد شهرستان محل سرشماری خود بوده و ۳۲۸۱۳۱۵ نفر یا ۱۲/۷ درصد را مهاجران شهرستانهای دیگر و متولدین خارج از کشور تشکیل می‌دهد. از این عده، ۸۰/۲ درصد از نقاط شهری و ۱۹/۸ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. به هر حال، نتایج این دو سرشماری نشان می‌دهد که در این دو سرشماری، ۲ درصد بر نسبت مهاجران و جابجایی جمعیت در داخل کشور اضافه شده است که مربوط به مهاجرت روستائیان به شهرها می‌باشد.

نتایج سرشماری ۱۳۳۵، تعداد افراد غیرمتولد در شهرستان مورد سرشماری را در جمعیت کشور ۷۸۱۵۹۰۱ نفر یا ۲۳/۱ درصد

کل جمعیت شمارش شده در سال یاد شده را نشان داد که ۸۷/۵ درصد (۶۶۸۲۴۲۷ نفر) آنان ساکن نقاط شهری بوده‌اند که رقم قابل ملاحظه تعداد مهاجرین را در این دوره نشان می‌دهد. جدول شماره (۴)، جمعیت مهاجر ایران را در سه دوره زمانی مختلف نشان می‌دهد.

با توجه به ارقام جدول بالا معلوم می‌گردد که در سال ۱۳۳۵، درصد افرادی که حداقل یک بار محل تولد خود را ترک کرد و در جای دیگر ساکن شده‌اند، معادل ۱۱ درصد می‌باشد که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۲۲/۶ درصد کل جمعیت همان سال می‌رسد. بطوری که مشاهده می‌شود، روند افزایش مهاجرین از سال ۱۳۴۵ به بعد سرعت فوق‌العاده بخود می‌گیرد که معلول اثرات شناخته شده اصلاحات ارضی و جذب اعتبارات عمرانی کشور در مناطق شهری می‌باشد. بطور کلی رشد و گسترش خدمات و صنایع در شهرها و کاهش بازده نهایی کار در مناطق روستایی به دلیل ظاهر شدن اثرات اصلاحات ارضی و بالا رفتن قیمت نفت، موجب سرریز جمعیت روستایی به شهرها بوده است. با توجه به ارقام مستند تا سال ۱۳۴۵ حدود ۱۲/۸ درصد از کل جمعیت کشور را افرادی تشکیل می‌دهند که ساکن محل تولد خود نمی‌باشند و این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۲۲/۶ درصد رسید که ترک مکانی در سال ۵۵ نسبت ۴۵ افزایش فراوانی داشته است. البته، این افزایش برای مناطق شهری در دو سرشماری یکنواخت نبوده و به ترتیب ۷۳/۶ و ۵۷ درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۴۵، حدود ۴/۶ درصد جمعیت ساکن در مناطق روستایی را افرادی تشکیل می‌دادند که متولد زادگاه خود نبودند که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۵/۳ درصد رسید که این رقم نشانگر رقم ناچیز مهاجرین بین مناطق روستایی بود. جدول شماره ۵، درصد حرکتهای مکانی جمعیت ایران را در بین مناطق شهری و روستایی در سالهای مختلف نشان می‌دهد. (نمودار شماره ۱)

بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۶۵، (اولین سرشماری رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران) در حدود ۵/۸ میلیون نفر را کسانی تشکیل می‌دهند که در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ مهاجرت کرده‌اند. از این عده، کمتر از ۷۰۰ هزار نفر را کسانی تشکیل می‌دهند که از خارج به کشور وارد شده‌اند و

جدول شماره (۴): توزیع جمعیت ساکن کشور بر حسب محل تولد، محل اقامت در سالهای ۳۵-۴۵-۱۳۵۵

سال	کل جمعیت	متولدین در شهرستان محل اقامت (درصد)	متولدین در سایر نقاط کشور (درصد)	متولدین در کشورهای خارجی (درصد)
۱۳۳۵	۱۸ ۹۵۵ ۰۰۰	۸۸/۷	۱۱	۰/۳
۱۳۴۵	۲۵ ۰۷۹ ۰۰۰	۸۶/۹	۱۲/۸	۰/۳
۱۳۵۵	۳۳ ۷۰۸ ۷۴۴	۷۶/۸	۲۲/۶	۰/۶

جدول شماره (۵): درصد تحرک مکانی جمعیت ایران در بین مناطق شهر و روستایی در سالهای مختلف

مناطق	متولدین در شهرستان محل اقامت		متولدین در شهرستانهای دیگر استان		متولدین در شهرستانهای استان دیگر	
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۴۵
کل کشور	۸۶/۹	۸۷/۸	۴/۹	۱۳/۳	۴/۹	۹/۶
مناطق شهری	۷۳/۶	۵۷	۹/۲	۲۴/۷	۱۶/۷	۱۷/۴
مناطق روستایی	۹۵/۴	۹۴/۵	۲/۲	۲/۶	۲/۳	۲/۷

ماخذ: نتایج سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵

جدول شماره (۶): مهاجران داخلی طی ده سال ۶۵-۱۳۵۵ بر حسب مبدأ و مقصد مهاجرت

آخرین محل اقامت قبلی	جمع	محل اقامت	
		نقاط شهری	نقاط روستایی
جمع	۴ ۸۹۲ ۵۲۷	۳ ۵۰۶ ۴۵۲	۱ ۳۸۶ ۱۹۵
درصد	۱۰۰	۷۱/۷	۲۸/۳
نقاط شهری	۲ ۵۹۰ ۹۵۷	۱ ۹۱۲ ۲۴۰	۶۷۸ ۷۱۷
درصد	۱۰۰	۷۳/۸	۲۶/۲
نقاط روستایی	۲ ۲۲۵ ۷۴۵	۱ ۵۳۵ ۵۲۷	۶۹۰ ۲۱۸
درصد	۱۰۰	۶۹/۰	۳۱/۰
اظهار نشده	۷۵ ۹۳۵	۵۸ ۶۸۵	۱۷ ۲۶۰
درصد	۱۰۰	۷۷/۳	۲۲/۷

ماخذ: سرشماری سال ۱۳۴۵

سرشماری سال ۱۳۴۵، بیش از ۳/۸ میلیون نفر در شهرها زندگی می‌کردند که در روستاها متولد شده بودند. (جدول شماره ۶)، (نمودار شماره ۳۰۲)

ویژه داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۴۵، در حدود ۲ ۲۲۵ ۷۴۵ نفر از نقاط روستایی محل اقامت خود را تغییر داده‌اند. از این عده، ۷۰ درصد به نقاط شهری و ۳۰ درصد به دیگر نقاط روستایی وارد شده‌اند. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده در

۴/۹ میلیون نفر، کسانی هستند که در داخل کشور جابجا شده‌اند. در این دوره، هر چند عامل جنگ موجب شده است که بسیاری از ساکنان مناطق شهری درگیر جنگ تحمیلی، محل زندگی خود را تغییر دهند، ولی حرکت جمعیت روستایی به سوی شهرها اهمیت

بقیه در صفحه ۹۸

# نقش بسیج در ترویج و توسعه روستایی

محمدرضا خرمی

## چکیده:

برای رفع کمبود مروج لازم برای حدود ۶۵ هزار روستای ایران، می‌بایست از نیروهای مستعد محلی در نقش مددکار بهره گرفت. لیکن به علت حجم زیاد وظایف ترویج و توسعه در روستا، یک فرد نمی‌تواند از عهده انجام آن برآید. از این رو، بسیج که یک تشکل مردمی - مکتبی بوده و در بیشتر روستاها دارای پایگاه مقاومت سازمان یافته با نیروی فعال زیاد و علاقه‌مند خدمت به مردم به طور رایگان بوده و تجارب آموزشی و خدماتی کافی در جبهه و پشت جبهه دارد، می‌تواند نقش بسیار فعالی را در جبهه ترویج و توسعه روستا داشته و همانند جبهه جنگ تحول چشمگیری را به وجود آورد. پژوهش حاضر با عنوان "ویژگیهای بسیج و بررسی نقش بسیجیان روستا جهت مشارکت در ترویج و توسعه روستا" از نوع پژوهشهای توصیفی و تحلیلی بوده که با در نظر گرفتن پنج ویژگی: انگیزه مذهبی، تجربه آموزشی، فراگیری تشکیلات و گروهها، محلی بودن و رهبری محلی بسیجیان روستا به عنوان پیش‌فرضهای پژوهش در بین سه گروه یعنی کشاورزان هدف برنامه و مجریان ترویج و توسعه و بسیجیان موضوع پژوهش به تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان جامعه آماری در شهرستان بهشهر انجام شد و نتایج به دست آمده و پیش‌فرضهای پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری مورد تأیید قرار گرفت.

## مقدمه

رشد سریع جمعیت و نیاز روزافزون به مواد غذایی و جنگ اقتصادی در جهان، اهمیت بخش کشاورزی و توجه به کشاورزان و روستا را برای اهل خرد و آینده‌نگران جامعه روشن می‌نماید. از این رو، ترویج کشاورزی که وظیفه آموزش جهت تغییر نگرش در فکر و فن مردم روستایی را برای بهره‌وری بهتر از کار و زندگی و ازدیاد تولید و در نهایت افزایش درآمد و بهبود وضع اقتصادی تولیدکننده را به عهده دارد و توسعه و عمران روستایی نیز مسئولیت ایجاد آگاهی و دگرگونی فرهنگ زیست و محیط زندگی و ارائه خدمات لازم برای رفاه و آسایش روستاییان را به دوش می‌کشد. بنابراین، ترویج و توسعه در ریشه، امری آموزشی و لازم و ملزوم یکدیگرند و باید هماهنگ و همقدم حرکت و فعالیت کنند تا به روشی بهینه و مطلوب مؤثر واقع شوند. لیکن موفقیت ترویج و توسعه روستاها در گرو مروج کافی، مشارکت گسترده و داوطلبانه مردم می‌باشد.

## اهمیت موضوع

گستره جغرافیایی ایران و وجود بیشتر از ۶۵ هزار روستا که نیازمند خدمات آموزشی ترویج و توسعه روستایی هستند، متأسفانه تاکنون به دلیل کمبود مروج و نبود دهیار در روستاها، سازمانها و نهادهای مسئول ترویج کشاورزی و عمران روستایی، نتوانسته‌اند

تمام روستاهای کشور را تحت پوشش عملکردهای آموزشی لازم قرار دهند. به عبارت دیگر، در حال حاضر، رقمی کمتر از ۵ هزار نفر مروج موظف و غیرموظف برای ۶۵ هزار روستای ایران وجود دارد. در حال حاضر باید گفت که:

(۱) امکان جذب و استخدام حداقل ۶۰ هزار نفر مروج برای دولت امکان پذیر نیست. چرا که نیاز به ۶۰ هزار دستگاه وسیله نقلیه و ۶۰ هزار راننده می‌باشد و نیز هزینه‌های بسیار زیاد مالی و اداری را به دنبال دارد.

(۲) به خاطر پراکندگی و دوری زیاد روستاها از شهرها حتی در صورت استخدام کارکنان و تهیه وسایل و امکانات لازم، امکان سرکشی مداوم و مراجعه روزانه مروجین از شهرها به روستاها ممکن نیست. بنابراین، چنان به نظر می‌رسد که مناسبترین راه رفع کمبود مروج برای آموزش روستاییان، به‌کارگیری نیروهای مستعد محلی با عناوین مددکاران ترویجی، نیروهای مسعین، آموزشگران محلی، روشنگران روستا یا آموزشیاران مردمی است که این نیز اصلی از اصول شناخته شده و پذیرفته شده در مکتب آموزشی ترویج و توسعه روستایی است.

اما سؤالی که در اذهان باقی می‌ماند، این است که کدام نیرو یا نهاد محلی مستعد این کار بزرگ و بااهمیت ملی و مردمی بوده و از عهده انجام آن به طور شایسته و پیوسته برمی‌آید و انتظار مردم هدف برنامه و



مسئولین اجرایی مربوطه را در حد ممکن برآورده می‌کند.

## ■ هدف پژوهش

هدف از انجام پژوهش، بررسی توسعه عملکردهای آموزشی ترویج و توسعه روستاها از طریق تعلیم و پرورش بسیجیان روستا در نقش مددکاران و رهبران فنی محلی و بهره‌مندی از مشارکت آنان به عنوان رهیافتی نو و عملی و امکان پذیر در مکتب آموزشی ترویج می‌باشد.

## هدف کلی:

آگاهی از میزان موفقیت بسیجیان روستا در برنامه های ترویج و توسعه روستاست.

## اهداف اختصاصی:

در مسیر هدف کلی، اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌شود که عبارتند از:

- ۱) شناخت و تعریف توسعه و عمران روستایی و اصول و شاخصهای آن
- ۲) شناخت و تعریف ترویج کشاورزی و اصول و نقشهای آن در روستا
- ۳) شناخت و تعریف مروج و وظایف و نقشهای او در ترویج
- ۴) شناخت و تعریف مشارکت مردمی و جایگاه آن در ترویج و توسعه روستایی
- ۵) شناخت و تعریف بسیج و بسیجی و جایگاه آن در قانون و وظایف آن در جامعه
- ۶) شناخت عملکردهای بسیج در امور اجتماعی و نمونه های عملی آن
- ۷) شناخت ویژگیهای بسیج در رابطه با ترویج و توسعه روستایی
- ۸) بررسی و شناخت میزان تأثیر ویژگیهای بسیجیان روستا در نقش مددکاران محلی

## ■ روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهشهای توصیفی و تحلیلی می‌باشد که در آن، ارتباط بین بعضی ویژگیهای بسیجیان روستا و میزان موفقیت آنان در نقش مددکاران ترویجی برای اشاعه فنون و نوآوریها در روستای مورد آزمایش قرار گرفته است. در این پژوهش، پنج ویژگی زیر به عنوان فرضیه یا متغیرهای مستقل تأثیرگذار در میزان توفیق بسیجیان (متغیر وابسته و تغییرپذیر) در نظر گرفته شده است که این پنج ویژگی عبارتند از:

- ۱) انگیزه مذهبی بسیجیان
- ۲) محلی بودن بسیجیان

۳) فراگیری و گستردگی نهادها و گروههای بسیج

۴) تجربه آموزشی بسیجیان

۵) رهبری محلی بسیجیان

با توجه به هدف پژوهش و پیش فرضهای آن، سه پرسشنامه که ابزار اصلی پژوهش بوده است، برای سه گروه مورد بررسی یعنی کشاورزان و بسیجیان و دست اندرکاران ترویج و توسعه تهیه گردید.

## ■ جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، ۳۰۰ نفر از دست‌اندرکاران تولید و مسئولان ترویج و توسعه، یعنی کشاورزان هدف برنامه و مسئولان اجرایی ترویج و توسعه و بسیجیان روستایی موضوع پژوهش می‌باشد. ابتدا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۴۰ روستا از مجموع ۲۲۰ روستای شهرستان بهشهر در ۴ بخش به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس، تعداد ۳ نفر از کشاورزان تولیدکننده و ۳ نفر از اعضای بسیج همان روستا و ۶۰ نفر از مجموع دست‌اندرکاران ترویج و توسعه در مدیریت کشاورزی و جهاد سازندگی شهرستان بهشهر به صورت تصادفی انتخاب گردیدند و پرسشنامه‌های ۱ و ۲ و ۳ مربوطه را با راهنمایی پژوهشگر پاسخ دادند.

## ■ تجزیه و تحلیل آماری

با توجه به توصیفی بودن پژوهش و مقیاس اندازه‌گیری ترتیبی، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پژوهش با به کارگیری از کامپیوتر (برنامه SPSS) در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

در بخش توصیفی با توجه به طرح پژوهش و فرضیه‌ها، تعداد فراوانیهای مشاهده شده از نمونه‌های آماری تعیین گردید و با محاسبه درصدها و رسم نمودارها، نتایج به دست آمد و ویژگیهای آن توصیف گردید.

در بخش تحلیلی برای اثبات یا رد فرضیه های پژوهش با استفاده از آزمون مجذور کال ( $\chi^2$ )، سطح معنی‌دار بودن تفاوت‌های میان فراوانیهای مشاهده شده و فراوانیهای مورد انتظار، هر یک از متغیرهای مستقل (فرضیه‌ها) از نظر آماری مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شد.

## ■ سوابق موضوع

توسعه به معنی رشد و ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی مردم است و معیار سنجش

میزان توفیق برنامه‌ها نیز میزان تغییر فکر و فن و زندگی مردم است. زیرا، انسان هم وسیله توسعه و هم هدف توسعه است. (۳، ص ۵۲) هر برنامه توسعه، باید دارای پنج هدف

باشد. این اهداف عبارتند از:

- ۱- توسعه انسانی
- ۲- توسعه اقتصادی
- ۳- توسعه فرهنگی
- ۴- توسعه سیاسی
- ۵- توسعه دفاعی

ترویج به معنی اشاعه و نشر است و در اصل یک فعالیت و مکتب آموزشی به منظور انتقال دانش و مهارت‌های تکامل یافته و مفید از منابع بررسی و پژوهشی به مجامع روستایی، عشایری، کارگری و تنفیذ آن برای افزایش کارایی مولدان در جریان تولید است. اصول ترویج عبارتند از:

- ۱- اصل نیازها و علاقه‌ها
  - ۲- اصل نهاد و گروههای بنیادی
  - ۳- اصل همکاری و مشارکت مردم
  - ۴- اصل تفاوت‌های فرهنگی
  - ۵- اصل علوم عملی و شیوه مردمی
  - ۶- اصل متخصص ورزیده و باتجربه
  - ۷- اصل یادگیری از طریق عمل
  - ۸- اصل سازگاری در به‌کارگیری روشها
  - ۹- اصل رهبری
  - ۱۰- اصل تمامیت خانواده
  - ۱۱- اصل رضامندی مردم
- نقشهای ترویج عبارتند از:
- ۱- ایجاد انگیزه در مردم
  - ۲- تشویق مردم به مشارکت فعال
  - ۳- مردمی نمودن برنامه‌ها
  - ۴- بالا بردن توان تصمیم‌گیری
  - ۵- به وجود آوردن دگرگونیهای باثبات
  - ۶- پرورش توان رهبریت محلی
  - ۷- توسعه گروهها و سازمانهای محلی
  - ۸- تقویت حس اعتماد در مردم

## ■ مشارکت

مشارکت عامل قدرت دادن به محرومین روستایی برای ایفای نقش مؤثر در توسعه و ترویج روستایی است. (۳، ص ۸) رمز موفقیت برنامه‌های ترویج و توسعه در روستاها در مشارکت و همکاری مردم می‌باشد. موانع اصلی مشارکت عبارتند از:

- ۱- طرح جزئیات و ارتباط آن با بودجه
- ۲- شناخت تواناییها و انگیزه‌های موجود برای مشارکت توده‌های مردم

۳- آموزش افراد شرکت کننده و هزینه‌های آن بنابراین، با توجه به محلی بودن بسیجیان و انگیزه‌های مذهبی و ایثارگری بسیجیان در جهت خدمت به مردم و داشتن وسایل و امکانات و تجارب آموزشی، مشارکت بسیجیان می‌تواند موجب رفع موانع بالا شود. عوامل موثر در موفقیت بیشتر مردم در توسعه و ترویج عبارتند از:

- ۱- آموزش لازم به مردم
- ۲- نزدیک سازی اهداف و برنامه‌ها با شرایط محیطی و فرهنگی مردم هدف برنامه
- ۳- عدم تعارض طرحها با عقاید و فرهنگ مردم
- ۴- کاهش تمرکزگرایی و موانع اداری
- ۵- کاهش بوروکراسی
- ۶- ارتباط نزدیک و صمیمانه بین مردم با نیروهای دولتی
- ۷- مشارکت بیشتر مردم در مراحل طرح

### ■ بسیج

بسیج تشکل سازمان یافته مردمی - مکتبی است که تحت پوشش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا بر مقتضیات زمانی و مکانی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به صورت آموزشی، اجرایی و خدماتی فعالیت می‌نماید.

### ■ بسیجی

بسیجی فرد مکتبی، داوطلب خدمت و فعالیت ایثارگرانه برای دین و جامعه و مردم است که عضو پایگاه مقاومت بسیج محل سکونت یا محل کار خود می‌باشد.

بسیج هم اکنون دارای سازمان و نهادهای رسمی گسترده و سراسری در مرکز استانها، شهرستانها، روستاها و محلات شهر (کارخانجات، ادارات و مدارس و دانشگاهها و حوزه‌ها) می‌باشد. وظیفه اصلی بسیج، جذب و آموزش آحاد مردم است که در کنار آن وظایف دیگری را به عهده دارد که یکی از آنها، همکاری و کمک به برنامه‌های سازندگی دولت در امر سوادآموزی، جنگل‌کاری، کویرزایی، بازسازی مناطق محروم، توسعه بهداشت، آمارگیری و دیگر وظایفی است که بر عهده او می‌باشد. (۵، ص ۴)

بسیج در مدت کوتاه عمر خود (۱۵ سال) نقشها و عملکردهای گسترده و چشمگیری در امور اجتماعی کشور داشته است. از مهمترین عملکردهای بسیج می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد:

- ۱- نقش کلیدی بسیج در جنگ که قهرمان ۸ سال دفاع مقدس می‌باشد.
- ۲- بسیج ضامن امنیت ملی و محلی است.
- ۳- نقش بسیج در جذب و آموزش و سازماندهی مردم در سطح روستاها و محلات شهری بسیار زیاد بوده است.
- ۴- بسیج در آموزشهای (غیررسمی) عقیدتی، سیاسی و اخلاقی مردم روستاها و محلات شهر فعالیت گسترده‌ای داشته است.
- ۵- بسیج در عملکردهای امداد و نجات به هنگام بروز حوادث ناگهانی همانند سیل و زلزله و حمله‌های هوایی به مردم کمک زیادی کرده است.
- ۶- بسیج در جمع‌آوری کمکهای مردمی و پشتیبانی تدارکاتی از جبهه‌های جنگ نقش اول را داشته است.
- ۷- نقش بسیج در امر به معروف و نهی از منکر قابل اهمیت است.
- ۸- بسیج در واکسیناسیون فلج اطفال صد درصد موفق بوده است.
- ۹- بسیج امروز به عنوان ضابط قوه قضائیه مطرح است.
- ۱۰- بسیج در مبارزه با گرانفروشی به میزان اختیاری که دارد، وظیفه خود را انجام داده است.
- ۱۱- بسیج و نیروهای بسیجی در سراسر کشور فعالیت، عملکرد و خدمات ارزشمندی به مردم و انقلاب کرده‌اند که در اینجا فرصت برشمردن آن نیست.

### ■ ویژگی بسیج در رابطه با ترویج و عمران روستایی

آنچه در این پژوهش به عنوان ویژگیهای بسیج برشمرده می‌شود، ویژگیهایی است که با اصول و ویژگیهای ترویج و توسعه هماهنگی دارد و کلید موفقیت آنها محسوب می‌شود. این ویژگیها عبارتند از:

### ● الف) ویژگی مردمی بودن بسیج

نیروهای بسیجی در حقیقت همان مردم هستند، یعنی، این مردمانند که بسیج شده‌اند و آن را به وجود آورده‌اند و گرنه بسیج بدون مردم وجود خارجی نداشته و معنا و مفهومی ندارد. اصل مردمی بودن بسیج، می‌تواند تحقق بخش اصل مشارکت مردمی ترویج و عمران روستایی باشد که رمز اصلی موفقیت برنامه‌های ترویج و توسعه محسوب می‌شود.

### ● ب) ویژگی آموزشی بسیج

بسیج همانند ترویج، یک مکتب آموزشی است و وظیفه اصلی آن، جذب و آموزش آحاد مردم می‌باشد. شباهتهای زیادی بین روش آموزشی بسیج و ترویج وجود دارد. برخی از این شباهتها عبارتند از:

- ۱- بسیج همانند ترویج، یک مدرسه آموزشی غیررسمی است.
- ۲- در هر دو مکتب ترویج و بسیج، فراگیران از تنوع سنی برخوردارند.
- ۳- شرکت کنندگان در کلاسهای بسیج همانند ترویج، از سطح سواد مختلفی برخوردارند.
- ۴- شرکت در کلاسهای بسیج، همانند ترویج اختیاری و داوطلبانه است و هیچگونه نمره و مدرکی را دربرندارد.
- ۵- محتوای آموزشی کلاسهای بسیج، همانند ترویج شامل مطالب علمی و قابل اجرا و بیشتر در جهت تعلیم مهارتها و شیوه‌های مؤثر کار با آنهاست.
- ۶- مقررات ویژه‌ای برای حضور و غیاب شرکت کنندگان در مکتب آموزشی بسیج، همانند ترویج وجود ندارد.
- ۷- ارزیابی میزان پیشرفت محصلین مدرسه بسیج، همانند ترویج بر حسب میزان پذیرش مطالب و کاربرد روشها و مهارتهای تعلیم داده شده از طریق دگرگونی رفتار و عملکرد آنان در صحنه واقعی عمل مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

### ● ویژگی گستردگی نهاد و گروههای بسیج

اکنون بسیج در بیشتر روستاها و محلات شهر (کارخانجات، ادارات، مدارس، دانشگاهها و حوزه‌ها) دارای پایگاه مقاومت بوده که از نهاد و گروههای منسجم و سازماندهی شده قوی و اعضای عادی و فعال زیاد برخوردار است. وجود نهادهای بسیج در روستاها، می‌تواند تحقق بخش اصل سازماندهی در محل و سطح پایه در ترویج باشد که می‌گوید: «گروههای مردمی در جوامع روستایی ضامن انسجام عملکردهای ترویجی می‌باشند و سازماندهی برای عملکردهای ترویجی، می‌باید از سطح روستا شروع شود.» (۲، ص ۵۷) علاوه بر آن، گسترش نهاد و گروههای بسیج، می‌تواند اصل یکپارچگی و گستردگی نهادهای ترویج و عمران روستایی را تحقق ببخشد.

## ● ویژگی فراگیر بودن و عمومیت بسیج

شرکت در بسیج برای عموم قشرها اعم از مردان و زنان، بزرگسالان و جوانان و نوجوانان آزاد است. این اصل بسیج، می‌تواند تحقق بخش اصل تمامیت خانواده در ترویج و اصل مشارکت مردم در برنامه عمران روستایی باشد که بر همگانی بودن برنامه های آن برای کل افراد جامعه تأکید دارند.

## ● ویژگی حرکت جمعی و گروهی

بسیج یک شکل جمعی و گروهی بوده و دارای تعداد زیادی نیروی فعال و علاقمند خدمت به مردم به طریق رایگان می‌باشد. حجم کارها و وظایف دستگاه آموزشی ترویج و برنامه عمران روستایی به حدی زیاد است که یک فرد به عنوان مددکار یا مروج از عهده آن بر نمی‌آید و نیاز به همکاری و مشارکت فعال و هماهنگ گروهها و سازمانهای محلی دارد. سازمانها و گروههای محلی که به خود مردم تعلق داشته باشند، کمکهای بسیار باارزشی را به ترویج و توسعه می‌نمایند.

## ● محلی بودن بسیجیان

نیروهای بسیجی روستا به خاطر سکونت و زندگی در محل، آشنایی بیشتری با مشکلات و نیازهای مردم داشته و امکان دسترسی مردم به آنها در هر فرصت و زمانی ممکن می‌باشد. علاوه بر آن، اداره امور هر محل به دست مردم همان محل از قوانین طبیعت سرچشمه می‌گیرد و انسان محلی را دوست دارد که در آن متولد شده و در آن زندگی کرده است. علاوه بر آن، اگر به واحدهای محلی، آزادی عمل و قدرت قانونی بخشیده شود، شخصیت و لیاقت و ابتکار افراد محلی در آزادیهای مشروع و قانونی نمایان می‌شود و انسانهای بی تفاوت و غیرمسئول به شخصیتهای ارزنده و فعال میدل می‌شوند.

## ● ویژگی رهبری افکار بسیجیان

تفکر بسیجی که همان تفکر اسلام ناب محمدی (ص) است، امروزه بعنوان بهترین الگو و نابترین تفکر انسانی، الهی، اعتقادی و عملی در بین مردم و مسئولین، ورد زبان عام و خاص است و نیروهای بسیجی، رهبری فکری عده زیادی از مردم را در روستاها و شهرها به عهده دارند و دارای قدرت نفوذ و

اعتبار معنوی فوق‌العاده‌ای در بین مردم و جوانان و نوجوانان هستند. ویژگی رهبری فکری بسیج در بین مردم، می‌تواند تحقق بخش اصل رهبری افکار در ترویج و توسعه روستایی باشد.

## ● ویژگی مذهبی بسیجیان

یکی از اصول و ویژگیهای اساسی بسیج، مکتبی بودن آن و انگیزه مذهبی داشتن نیروهای بسیجی است. یعنی اساس بسیج بر پایه ایمان مذهبی افراد شرکت کننده استوار است و در حقیقت، عامل مذهب سبب گردهمایی و انسجام و شکل مردم در بسیج گردیده است و همین عامل نیز، رمز اصلی موفقیت و مقاومت بسیج در صحنه‌های مختلف از جمله دفاع مقدس بوده است. علاوه بر این، ایمان مذهبی بسیجیان:

۱- احساس مسئولیت اجتماعی و تعهد کاری و تحمل سختیها را بالا می‌برد.

۲- سبب اعتماد بیشتر مردم و مسئولین به بسیجیان شده که در نتیجه، موجب پذیرش بیشتر نوآوریها در مردم می‌گردد.

## ● ویژگی مستضعفی بسیج

بسیج مستضعفین میقات پابرهنگان است و عموماً طبقات پایین و اقشار مستضعف جامعه در آن شرکت دارند و به همین دلیل، بسیج مستضعفین نام گرفته است. یکی از دلایل عمده و اصلی شکست بیشتر طرحهای ترویج و توسعه روستایی در بیشتر کشورها، تسلط اقلیت قشر مرفه و بانفوذ محلی در برنامه های ترویج و توسعه روستاها و همدستی دست‌اندرکاران اجرایی این گونه برنامه‌ها با آنان بوده است. به طوری که به قشرهای محروم که هدف اصلی برنامه هستند نه تنها توجهی نشده؛ بلکه به اشکال مختلف موجب استثمار و بیکاری افراد تهیدست و مستضعف و کشاورزان کم‌زمین و بی‌زمین گردیده و آنها را آواره شهرها کرده است و در نتیجه، فاصله بین فقرا و اغنیا بیشتر شده و موجب ثروتمندتر شدن ثروتمندان و فقیرتر شدن محرومان روستایی گردید. بنابراین، مشارکت و حضور نیروهای بسیجی که از طبقات پایین و متوسط جامعه هستند، می‌تواند موفقیت برنامه های ترویج و توسعه در روستا را به ارمغان آورد.

## ● تجزیه و تحلیل آماری

با توجه به توصیفی بودن پژوهش و مقیاس اندازه‌گیری ترتیبی، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده با بکارگیری کامپیوتر (برنامه SPSS) و آزمون مجذور کا ( $\chi^2$ ) در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام گرفت و نتیجه‌گیری شد که بطور خلاصه بشرح زیر می‌باشد:

(۱) نتایج بدست آمده از پژوهش نشانگر آن است که نیروهای بسیجی از لحاظ سنی از کشاورزان و مسئولان ترویج و توسعه جواتر هستند و سطح سواد آنها در مقایسه با کشاورزان بالا است. همچنین، انگیزه اصلی عضویت آنها در بسیج، انگیزه مذهبی و سپس خدمت به مردم بوده و جنبه مادی ندارد.

(۲) نتایج پژوهشها حاکی از آن است که، مشکلات اصلی روستا از دیدگاه هر سه گروه آزمودنی به ترتیب عبارتند از: کمبود وسایل و امکانات رفاهی و عمرانی، پایین بودن سطح عملکرد محصول، نبود مدیریت در تولید، درآمد کم، نبود مدیریت در عمران روستا و کم کاری و بیکاری است.

(۳) همچنین، عمده ترین مشکلات در تولید عبارتند از: نبود آموزش کافی، کمبود اعتبارات مسالی، کمبود نهاده‌ها، کمبود ماشین‌آلات، گرانی قیمت نهاده‌ها و مشکل بازاریابی برای تولید کنندگان می‌باشد.

(۴) نتایج پژوهش بیانگر آن است که بیش از ۹۸ درصد کشاورزان و بسیجیان و مسئولان، بکارگیری روشهای جدید را برای افزایش تولید ضروری می‌دانند و تأثیر آموزش کشاورزان را در افزایش تولید زیاد تلقی می‌کنند.

(۵) تجزیه اطلاعاتی حاکی است که، میزان تماس مروجین با روستاییان بسیار کم است. به طوریکه، ۷۴ درصد یک یا کمتر از یک مرتبه در سال و ۲۲/۵ درصد دو تا سه مرتبه در سال و تنها ۲/۳ درصد سالی ۴ یا بیش از ۴ مرتبه به روستا مراجعه می‌کنند.

(۶) نتایج پژوهش نشانگر آن است که ۹۱/۷ درصد کشاورزان و ۹۰/۸ درصد بسیجیان و ۸۸/۳ درصد مسئولان، مؤثرترین و امکان پذیرترین راه رفع کمبود مروج برای روستاها را بکارگیری نیروهای مستعد محلی بعنوان مددکار می‌دانند.

(۷) نتایج بدست آمده بیانگر آن است که در حال حاضر، فقط ۴۰ درصد کشاورزان از روشهای جدید استفاده می‌کنند، ولی ۶۰

جدول (۱): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر انگیزه مذهبی در موفقیت بسیجیان

انگیزه مذهبی	مقدار تأثیر فراوانی	کم	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کشاورزان	فراوانی مطلق	۲	۷۳	۴۵	۱۲۰
	درصد	۱/۷	۶۰/۸	۳۶/۷	۱۰۰
بسیجیان	فراوانی مطلق	۲	۷۵	۴۳	۱۲۰
	درصد	۱/۷	۶۲/۵	۳۵/۸	۱۰۰
مستولان	فراوانی مطلق	۱	۲۴	۱۵	۶۰
	درصد	۱/۷	۷۳/۳	۲۵	۱۰۰

جدول (۲): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر محلی بودن آموزشگر در پی پذیرش برنامه‌ها

محلی بودن	میزان تأثیر فراوانی	کم	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کشاورزان	فراوانی مطلق	۱	۸۵	۳۴	۱۲۰
	درصد	۸	۷۰/۸	۲۸/۴	۱۰۰
بسیجیان	فراوانی مطلق	۵	۷۶	۳۹	۱۲۰
	درصد	۴/۲	۶۳/۹	۳۱/۹	۱۰۰
مستولان	فراوانی مطلق	۳	۴۳	۱۴	۶۰
	درصد	۵/۲	۶۴/۱	۲۰/۷	۱۰۰

جدول (۳): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر تجربه آموزشی در موفقیت آموزشگران روستایی

تجربه آزمودنی	میزان تأثیر فراوانی	کم	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کشاورزان	فراوانی مطلق	۲	۷۹	۳۹	۱۲۰
	درصد	۱/۷	۶۵/۸	۳۵/۵	۱۰۰
بسیجیان	فراوانی مطلق	۶	۷۳	۴۱	۱۲۰
	درصد	۵	۶۰/۸	۳۴/۲	۱۰۰
مستولان	فراوانی مطلق	۱	۲۵	۲۴	۶۰
	درصد	۱/۷	۵۸/۶	۳۹/۷	۱۰۰

جدول (۴): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر رهبران محلی در راهنمایی مردم

جمع	خیلی زیاد	زیاد	کم	میزان تأثیر فراوانی	رهبران محلی
۱۲۰	۵۴	۶۴	۲	فراوانی مطلق	کشاورزان
۱۰۰	۵۴/۳	۵۳/۳	۱/۷	درصد	
۱۲۰	۵۰	۶۵	۵	فراوانی مطلق	بسیجیان
۱۰۰	۴۱/۶	۵۴/۲	۴/۲	درصد	
۶۰	۲۲	۳۵	۳	فراوانی مطلق	مستولان
۱۰۰	۳۶/۷	۵۸/۳	۵	درصد	

جدول (۵): توزیع فراوانی میزان تأثیر فراگیری نهادها و گروه‌های محلی در فراگیری برنامه‌های ترویج و توسعه

جمع	خیلی زیاد	زیاد	کم	میزان تأثیر فراوانی	فراگیری
۱۲۰	۴۵	۷۰	۵	فراوانی مطلق	کشاورزان
۱۰۰	۳۷/۶	۵۸/۴	۴	درصد	
۱۲۰	۵۴	۶۲	۴	فراوانی مطلق	بسیجیان
۱۰۰	۴۵	۵۰/۸	۳/۲	درصد	
۶۰	۲۹	۳۰	۱	فراوانی مطلق	مستولان
۱۰۰	۴۸/۳	۵۰	۱/۷	درصد	

جدول (۶)

جمع	عدم تأیید	تأیید	میزان تأثیر فراوانی	بکارگیری بسیجیان
۱۲۰	۱	۱۱۹	فراوانی مطلق	کشاورزان
۱۰۰	۰/۸	۹۹/۲	درصد	
۱۲۰	۱	۱۱۹	فراوانی مطلق	بسیجیان
۱۰۰	۰/۸	۹۹/۲	درصد	
۶۰	۳	۵۷	فراوانی مطلق	مستولان
۱۰۰	۳/۳	۹۶/۷	درصد	



درصد دیگر، به علت کمبود مروج و نبود آموزش و وسایل و امکانات لازم هنوز روشهای سنتی را بکار می‌برند. همچنین، از بین این کشاورزان، ۵۰ درصد توسط مروجین آموزش دیده‌اند. ۵۰ درصد دیگر از طریق افراد آموزش دیده محلی روشهای جدید را آموخته‌اند و این مسئله نشانگر آن است که بکارگیری نیروی آموزش دیده محلی امری ممکن و دارای تأثیر مثبت می‌باشد.

۸) تجزیه داده‌های بدست آمده نشانگر آن است که ۹۸/۴ درصد نیروهای بسیجی و بیش از ۵۰ درصد کشاورزان نمونه آماری پژوهش از طریق پایگاه مقاومت بسیج محل آموزشهای مختلفی را گذرانده‌اند و پایگاه بسیج در مقایسه با سایر نهادهای دست‌اندرکار آموزش روستایی بسیار فعال بوده است.

۹) نتایج بدست آمده از تحقیق درباره هر یک از پیش فرضهای پژوهش حاکی از آن است که ۹۸/۳ درصد کشاورزان و ۹۸/۳ درصد بسیجیان و ۹۸/۳ مسئولان ترویج و توسعه تأثیر انگیزه مذهبی را در پایداری و تداوم برنامه‌های ترویج و توسعه به مقدار زیاد مؤثر می‌دانند و  $X^2$  بدست آمده از پژوهش بزرگتر از  $X^2$  جدول می‌باشد و فرضیه صفر رد می‌شود و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین انگیزه مذهبی و میزان تداوم برنامه‌ها رابطه مثبت وجود دارد.

۱۰) نتایج پژوهش در باره تأثیر محلی بودن، نشانگر آن است که ۹۹/۲ درصد کشاورزان و ۹۵/۸ درصد بسیجیان و ۹۴/۸ درصد مسئولان تأثیر محلی بودن را در میزان پذیرش نوآوریها توسط مردم به مقدار زیاد مؤثر می‌دانند و از لحاظ آماری  $X^2$  بدست آمده بزرگتر از  $X^2$  جدول می‌باشد.

بنابراین، فرضیه صفر رد می‌شود. یعنی، بین فراوانیهای مشاهده شده و فراوانیهای مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد.

۱۱) نتایج پژوهش درباره تجربه آموزشی بیانگر آن است که ۹۸/۳ درصد کشاورزان و ۹۵ درصد بسیجیان و ۹۸/۳ درصد مسئولان، میزان تجربه آموزشی در میزان موفقیت آموزشگران به مقدار زیادی تأثیر مثبت دارد و از لحاظ آماری با ۹۹ درصد اطمینان، نظرات گروههای آزمودنی در رابطه با تأثیر تجربه

آموزشی و میزان موفقیت آموزشگران تأیید می‌شود.

۱۲) نتایج بدست آمده پژوهش نشانگر آن است که ۹۸/۳ درصد کشاورزان و ۹۵/۸ درصد بسیجیان و ۹۵ درصد مسئولان، تأثیر رهبران محلی را در هدایت و راهنمایی کشاورزان زیاد می‌دانند. از لحاظ آماری،  $X^2$  بدست آمده بزرگتر از  $X^2$  جدول در سطح ۵ درصد و ۱ درصد می‌باشد. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که، بین رهبری محلی و میزان پذیرش و پیروی مردم رابطه مثبت وجود دارد.

۱۳) نتایج پژوهش نشانگر آن است که ۹۵/۸ درصد کشاورزان و ۹۶/۶ درصد بسیجیان و ۹۸/۳ درصد مسئولان، میزان فراگیر بودن نهادها و گروهها را در میزان فراگیر شدن برنامه‌ها به مقدار زیاد مؤثر می‌دانند. از لحاظ آماری با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت، بین فراگیری نهادها و گروهها و فراگیر شدن برنامه‌های ترویج رابطه مثبت وجود دارد و فرضیه صفر رد می‌شود.

۱۴) نتایج بدست آمده از پژوهش از گروههای آزمودنی در باره بکارگیری نیروهای آموزش دیده بسیجی روستا، بعنوان مددکاران ترویج و نیروهای معین جهاد نشانگر آن است ترویج و نیروهای معین جهاد نشانگر آن است که ۹۹/۲ درصد کشاورزان و ۹۹/۲ درصد بسیجیان و ۹۶/۷ درصد دست‌اندرکاران ترویج و توسعه روستایی آن را تأیید می‌نمایند.

### نتیجه گیری

۱) نتایج پژوهش نشان داد که نیروهای بسیجی جوانتر و باسوادتر از کشاورزان روستا هستند. از این عامل، می‌توان بعنوان پلی بین متخصصین و مردم استفاده کرد.

۲) نتایج پژوهش بیانگر آن بود که آموزش آگاهی کشاورزان از روشهای جدید کافی نیست و باید برای رفع آن چاره‌اندیشی کرد.

نتایج پژوهش نشانگر آن است که بعلت کمبود مروج تماس مروجین با روستاییان بسیار کم است و ضروری است که برای رفع آن اقدام نمود.

۳) نتایج پژوهش بیانگر آن است که در حال حاضر، پذیرفته‌ترین راه ممکن رفع کمبود

مروج، بکارگیری نیروهای مستعد محلی است.

نتایج پژوهش حاکی است که بسیج بیشترین عملکردهای آموزشی را در سطح روستا در مقایسه با سایر نهادهای آموزشی دارد.

نتایج بدست آمده از پژوهش، مؤثر بودن انگیزه مذهبی، تجربه آموزشی، محلی بودن، گستردگی نهادها و گروهها و رهبری محلی بسیجیان را در موفقیت آنها تأیید نموده است.

نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر دست‌اندرکاران تولید و ترویج، یعنی کشاورزان هدف برنامه و مسئولان اجرایی ترویج و توسعه و بسیجیان هدف برنامه، بکارگیری بسیجیان روستا را در نقش مددکاران ترویج و نیروهای معین جهاد تأیید نمودند.

### پیشنهادها

۱) درخواست مسئولان ترویج و توسعه از مسئولین رده بالای بسیج جهت همکاری و مشارکت

۲) برنامه ریزی صحیح و تعیین خط‌مشی‌های مربوطه و روش بکارگیری آنها

۳) آموزش بسیجیان در نقش مددکار

۴) شروع کار در یک دهم روستاهای تحت پوشش در مرکز خدمات ویا در یکی از شهرستانها، به صورت آزمایشی اجرا و ارزیابی شود.

### منابع و مأخذ

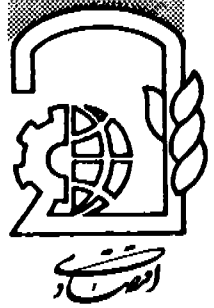
۱- دلاور، علی. "روشهای آماری در روانشناسی و علوم تربیتی"، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، دی ماه ۱۳۷۱.

۲- شهبازی، اسماعیل. "توسعه و ترویج روستایی"، ناشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تیر ماه ۱۳۷۲.

۳- طوسی، محمدعلی، "مشارکت در مدیریت و مالکیت"، ناشر مرکز آموزش و مدیریت دولتی، چاپ دوم ۱۳۷۲.

۴- گراول و تامیر، "مقدمه ای بر آموزش ترویج"، ترجمه سیروس سلمان زاده، ناشر مرکز انتشارات دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۶۸.

۵۸- نیروی مقاومت بسیج، "وظایف و تشکیلات پایگاههای مقاومت بسیج"، چاپ لجستیک بسیج سپاه، ۱۳۷۲.



# تعاونیهای تولید راهبرد توسعه روستایی در ایران

● مهندس قادر عربی

## چکیده

رشد فزاینده جمعیت، توسعه صنعتی - تکنولوژیکی و گسترش شهرنشینی، توسعه روستایی و کشاورزی را با مشکلات اساسی روبه رو کرده است. امنیت غذایی و دستیابی به خودکفایی در تولیدات کشاورزی، تخریب و نابودی محیط زیست، افزایش فقر، پایین بودن سطح زندگی روستاییان و عدم مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه، از این گونه مشکلات است.

این نوشتار در پی کسب پاسخی برای این گونه مسائل است. بنابراین، مقاله حاضر به بررسی و مطالعه گروهها و تشکلهای نظامهای تعاونی در تولیدات کشاورزی پرداخته است. در این راستا، ابتدا بنه‌ها، شرکتهای سهامی زراعی و واحدهای تولیدی مشاع، به طور کوتاه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس به بررسی و ارزیابی تعاونیهای تولید کشاورزی پرداخته شده است.

نتایج این بررسی، بیانگر آن است که پس از فروپاشی بنه‌ها در جامعه روستایی ایران، شرکتهای سهامی - زراعی و واحدهای تولیدی مشاع جایگزین‌های موفق نبوده‌اند. این نتایج همچنین، مبین آن است که تعاونیهای تولید کشاورزی، نقش مهمی در حفظ و احیای یکپارچه سازی اراضی، مکانیزاسیون کشاورزی، افزایش بازده آبیاری،

استفاده بهینه از ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی دارند.

در پایان با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در روستاها ساکن بوده و شغل اصلی آنان را کشاورزی تشکیل می‌دهد، همچنین با توجه به مسئله کوچک بودن و پراکندگی زیاد اراضی در مناطق روستایی، توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی به عنوان راه‌حلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود.

## مقدمه

بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در مناطق روستایی سکونت دارند و شغل اصلی آنان نیز کشاورزی می‌باشد. بنابراین، دستیابی به توسعه ملی بدون توجه به توسعه روستایی و کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی روستاییان، امکان پذیر نمی‌باشد. دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی، نیازمند توجه به دو عنصر ضروری می‌باشد. اولین عنصر ضروری، مشارکت است. به طور کلی، توسعه روستایی و کشاورزی، یک دگرگونی مطلوب کیفی و کمی در جامعه روستایی است که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی روستاییان و همچنین، افزایش تولیدات غذایی آنان می‌گردد. نکته حائز اهمیت این است که این دگرگونی بدون

مشارکت روستاییان در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی غیرممکن است.

عناصر دوم، سازماندهی روستاییان در چارچوب تشکلهای است. این عنصر در واقع ابزار جلب مشارکت می‌باشد و بیشتر در چارچوب یک تشکل است که مشارکت معنا و مفهوم می‌یابد. براین اساس، این مقاله در پی بررسی تشکلهای و برنامه‌های توسعه روستایی به منظور شناسایی تشکلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی می‌باشد.

## مروری بر تاریخچه تشکلهای و تعاونیها

ایجاد تشکلهای روستایی در جهان سابقه‌ای دیرینه دارد. به طوری که، ایجاد انواعی از تشکلهای به عصر شروع کشاورزی توسط بشر برمی‌گردد. چرا که کشت و کار کشاورزی به مقتضای عملکردهای ویژه خود، چگونگی بهره‌برداریها و شرایط جغرافیایی هر منطقه ایجاد می‌کرده است که نوعی ویژه از این تشکلهای به وجود آید.

در واقع، ایجاد این تشکلهای، پاسخی به شرایط دشوار کار کشاورزی، جایگاه و موقعیتهای جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. همچنین این نوع تشکلهای و تعاونیها، وسیله‌ای مهم برای تبادل تجارب و

ایجاد تعاونها و تشکلهای روستایی در ایران نیز سابقه‌ای دیرینه دارد. این مهم به ایجاد "بنه‌ها" در جامعه روستایی ایران برمی‌گردد.

در حقیقت، تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی به سال ۱۳۴۱، عملکردهای تولیدی در بیشتر مناطق روستایی ایران براساس سازمان تولیدی بنه بوده است. بنه‌ها متشکل از چندین خانوار روستایی خوشاوند بوده‌اند. در واقع، بنه‌ها به عنوان سازمان اجتماعی پیچیده‌ای در زمینه تولید کشاورزی با حقوق مشخص نسبت به آب و کشت و مدیریتی نیمه رسمی در مزرعه بودند.

وظیفه اصلی بنه‌ها، استفاده بهینه از زمین و صرفه‌جویی در آب بوده است. از آنجایی که زندگی در روستا با کشاورزی به طور تنگاتنگی ارتباط داشته است، بنابراین اساس این نوع خاص از سازمانهای تولیدی، سایر جنبه‌های زندگی روستایی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داده است. به عنوان مثال بنه‌ها در تعیین پایگاه اجتماعی افراد تأثیر زیادی داشته‌اند. به طوری که، جایگاه فرد در بنه، درجه تأثیرگذاری او را در زندگی روستایی مشخص می‌کرد. به طور کلی، چند امر در زمینه تولید روستایی وجود داشته که لزوم ایجاد تعاون را از طریق بنه ایجاد می‌کرده است.

۱) امور مربوط به برپاداری و استفاده از نهاده‌های کشاورزی در این رابطه آب و زمین از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

#### ۲) امور مربوط به تولیدات:

تعاون در تولید بر پایه مبادله نیروی کار است. یعنی کشاورزان همدیگر را در موقع انجام عملکردهای کشاورزی به طور متقابل یاری می‌کردند. در واقع، این امر پاسخی به عملکردهای سخت کشاورزی بود.

#### ۳) خرید خدمات:

خرید خدمات عمومی بر پایه تعاون بوده است.

#### ۴) عوامل مرتبط با امور زیربنایی :

از آنجایی که عملکردهای زیربنایی در کشاورزی، (ایجاد جداول آب و ...) از توان فرد به تنهایی خارج بوده است، لذا ایجاد بنه‌ها پاسخی به این امر بود.

۵) مسئله دیگر مربوط به دفاع از مزارع هر

روستا در مقابل خطرات طبیعی و انسانی بوده‌است.

با اجرای اصلاحات ارضی و آغاز برنامه‌های توسعه روستایی در سال ۱۳۴۱، ساختار بنه‌ها از هم پاشیده و در دهه ۱۳۵۰ از صحنه زندگی روستاییان برچیده شد. اجرای اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی، گرچه دارای مزایای زیادی بود، ولی پیامدهای نامطلوبی را به دنبال داشت.

اولین پیامد نامطلوب این دگرگونی در جامعه روستایی ایران، خرد شدن اراضی به تکه‌های کوچک و غیراقتصادی بود. در واقع باید گفت که در اراضی کوچک مقیاس، به علت قدرت مانور کمتر ماشین‌آلات کشاورزی، امکان مکانیزاسیون کاهش می‌یابد و همین امر، سبب کاهش کارایی اقتصادی می‌گردد.

دومین پیامد نامطلوب اصلاحات ارضی، ریشه در توان اقتصادی کشاورزان برای انجام عملکردهای کشاورزی دارد. به عبارت دیگر، این نکته را باید خاطر نشان کرد که تا قبل از اصلاحات ارضی، روابط پولی نقش عمده‌ای در زندگی روزمره کشاورزان ایفا نمی‌کرد و گرفتاری مالی کشاورزان توسط ارباب رفع می‌گردید.

این الگوی اعتباری بعد از اصلاحات ارضی تا حدود زیادی دگرگون شد. این امر، سبب ایجاد خلاء مالی برای کشاورزان گردید. سومین پیامد اصلاحات ارضی در ایران، از بین رفتن بنه‌ها در جامعه روستایی بود. فلسفه ایجاد بنه‌ها براساس همکاری متقابل و شرکت جمعی در امر تولید بنا شده بود. این امر، منجر به چیرگی کشاورزان بر شرایط سخت و طاقت فرسای عملکردهای کشاورزی می‌شد. اما با متلاشی شدن بنه‌ها، باید نیروی ماشینی جایگزین اینها می‌شد و این در حالی بود که به علت قطعه قطعه شدن زمین، امکان مکانیزاسیون کاهش یافته بود.

بر همین اساس، دولت در مراحل دوم و سوم اصلاحات ارضی به سمت جلوگیری از تقسیم زمین سوگیری کرد. در این دو مرحله، اهداف دولت، متوجه سیاستهای یکپارچه سازی اراضی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، بهبود درآمد کشاورزان و ... بود. در این راستا، دولت دست به اقدامات و تلاشهای متفاوتی زد. از جمله این تلاشها و اقدامات، می‌توان از گشایش شرکتهای کشت و صنعت نام برد. این واحدهای بزرگ کشاورزی، در عین دارا بودن

سطح وسیعی از اراضی کشاورزی، دارای صنایع تبدیلی نیز بودند. این واحدها که با مشارکت سرمایه‌گذارهای خارجی و داخلی گشایش یافته بودند، با شکست مواجه شدند.

### شرکتهای سهامی - زراعی

در سال ۱۳۴۷، تشکیل شرکتهای سهامی - زراعی با هدف بالا بردن میزان تولیدات کشاورزی و حل مشکلات ناشی از خرد شدن اراضی، از طریق یکپارچه سازی اراضی مورد توجه قرار گرفت. اساس کار این شرکتهای به این طریق بود که پس از گرفتن مالکیت از کشاورزان یک منطقه، اراضی آنان یکپارچه شده و به صورت مکانیزه به زیر کشت می‌رفت. در این نظام تولیدی، کشاورزان به ازای زمین، آب و مقدار کاری که روی اراضی می‌کردند، سهمی از شرکت را دریافت می‌کردند. در واقع، کشاورزان به عنوان کارگران زراعی روی زمین کار می‌کردند. به دنبال مقاومت کشاورزان در برابر گرفتن مالکیت از آنان، مسئولین وزارت تعاون و امور روستاها به این نتیجه رسیدند که توسعه این گونه شرکتهای با محدودیت شدیدی رو به رو می‌باشد. به همین دلیل، این گونه شرکتهای با شکست مواجه شدند. یکی دیگر از اقدامات و تلاشهای دولت در جهت رفع پیامدهای ناشی از اصلاحات ارضی، گشایش تعاونیهای تولید بود.

اما قبل از اینکه به این نوع تعاونیها پرداخته شد، لازم است که یکی از برنامه‌های توسعه روستایی پس از انقلاب، یعنی واحدهای تولیدی مشاع شرح داده شود.

### واحدهای تولیدی مشاع

این واحدهای تولیدی، یکی از اشکال گوناگون تعاونی می‌باشد که پس از انقلاب اسلامی در ایران گشایش یافت. مشاع به معنی مالکیت جمعی یا تملک جمعی بر زمین است. براین اساس، دولت قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن، هیئتهای هفت نفره را مکلف می‌ساخت که اراضی واگذار شونده به افراد را در قالب مالکیت جمعی، به نام مشاع واگذار کنند. در این واحدهای تولیدی، زمین و آب و ادوات ماشینی، به طور شریک الملکی متعلق به همه اعضای تشکیل دهنده مشاع بود. هر عضو مشاع، دارای قطعه زمین مشخصی در اراضی متعلق به مشاع نبود تا بتواند به طور مستقل

## توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی

به عنوان راهحلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود.

### ایجاد تعاونیها و تشکلهای روستایی

در ایران نیز سابقه‌های دیرینه دارد. این مهم به ایجاد "بنه‌ها" در جامعه روستایی ایران برمی‌گردد.

- ۲) عدم وجود ارزشهای سهام در رابطه با مقدار زمین و رعایت حرمت رأی افراد به صورت هر نفر یک رأی و وجود امتیاز برای همه اعضا
- ۳) حفظ حدود و مرزهای قطعات زمین کشاورزان
- ۴) تشابه کار گروهی در این شرکتها با ارزشهای سنتی کار نظیر بنه‌ها
- ۵) هماهنگی و اشتراک مساعی در کارهای اجرایی شرکت توسط کشاورزان
- ۶) استفاده بهینه از منابع آب و افزایش بازدهی آبیاری
- ۷) استفاده بهینه از نهاده‌ها و ادوات کشاورزی
- ۸) افزایش تولیدات کشاورزی
- ۹) کمک به یکپارچه سازی و مکانیزاسیون کشاورزی
- ۱۰) بهبود اثربخشی عملکردهای ترویج کشاورزی درون تعاونیها
- ۱۱) امکانات و وسایل رفاهی بیشتر
- ۱۲) افزایش اوقات بیکاری اعضا و در نتیجه، اشتغال آنان در بخشهای دیگر (دامداری، صنایع روستایی و ...)

### ضرورت‌های توسعه تعاونیهای تولید روستایی

- ۱) جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طبق آمار سال ۱۳۶۵، بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور ایران در بخش روستایی سکونت دارند. براین اساس، توسعه برنامه‌های روستایی و کشاورزی در کشور ایران یک نیاز محسوس است.
- ۲) وجود نظام غالب خرده مالکی به طور کلی، در کشور ایران بیشتر کشاورزان خرده‌پا می‌باشند و کشاورز بزرگ مالک در این کشور کمتر دیده می‌شود.
- ۳) پراکندگی اراضی کشاورزان پراکندگی اراضی در کشور ایران زیاد

سال، دولت متوجه شد که بسیاری از کشاورزان به علت کوچک بودن اراضی خود، قادر به تولید مناسب و افزایش تولید نیستند. بر این اساس در دهه اخیر، توسعه این شرکتها در دستور کار برنامه های دولت قرار گرفت. هر تعاونی اجازه دارد تا در محدوده ۳-۱۵ روستا عمل کند. کمکهای زیادی از طرف دولت در رابطه با ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و اعتبار برای تهیه نهاده‌ها و انجام عملکردها به این نوع تعاونیها ارائه می‌شود. از لحاظ حقوقی، زمین هر کس در اختیار خودش قرار دارد، ولی بهره‌برداری به صورت گروهی و در چارچوب نظام شرکتی صورت می‌گیرد. به عبارت بهتر، پس از تبدیل اراضی پراکنده به قطعات مناسب یکپارچه، کل اراضی کشاورزان در داخل محدوده شرکت، به صورت گروهی در اختیار صاحبان نسق زراعی قرار می‌گیرد. در هر گروه، تقسیم کار با توجه به میزان و برابر مساحت زمین تحت مالکیت صاحبان اراضی صورت می‌گیرد و یک نفر از اعضای گروه به عنوان سرگروه انتخاب می‌شود. درآمد ناخالص هر عضو تعاونی برحسب نهاده‌های کشاورزی که در اختیار دارد (مانند آب، زمین، کار و سرمایه) تقسیم می‌شود. به طور کلی، هدف از گشایش این شرکت‌های تعاونی عبارت بود از یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی، آشنا ساختن کشاورزان با شیوه‌های نوین تولید، توسعه منابع آب و خاک و افزایش اشتغال از طریق توسعه صنایع روستایی.

### مزایای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

به طور کلی، این تعاونیها دارای مزایایی است که ضرورت توسعه این تعاونیها را می‌طلبد. این مزایا عبارتند از:

- ۱) حفظ و بقای مالکیت زمین که باعث دلگرمی روستاییان می‌گردد.

آن را کشت کند. بنابراین، مالکیت جمعی بود. در این واحدها، توزیع برابر تولید بین اعضا برقرار بود، به طوری که سهم هر کس در مجموعه مشاع بر حسب زمین و حق آب بود. همه اعضا موظف بودند که در واحد تولیدی مشاع کار کنند. هدف از گشایش این واحدهای تولیدی، حفظ یکپارچه سازی اراضی، استفاده بهینه از نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی بود. بیشتر اراضی به روستاییان بی‌زمین و کم‌زمین واگذار می‌شد و حداقل اعضای مشاع، ۵ نفر و حداکثر ۲۰ نفر بود. به طور کلی، بررسیهای گوناگون بیانگر این است که این واحدهای تولیدی ناموفق بوده‌اند. از جمله علل ناموفق بودن این واحدهای تولیدی، می‌توان به فقدان انگیزه مالکیت، واگذاری اراضی موات، کمبود سرمایه، عدم مدیریت صحیح و تقسیم کار اشاره کرد.

### تعاونیهای تولید روستایی

در ابتدای دهه ۱۳۵۰، دولت در راستای افزایش تولیدات کشاورزی، یکدست نمودن کشت با توجه به حفظ مالکیت فردی بر زمین، توسعه برنامه‌ریزی در کشاورزی، استفاده بهینه از منابع آب و خاک و بهبود سطح زندگی روستاییان، گشایش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را هدف قرار داد. روش کار در تعاونیهای تولید به این صورت بود که هر کشاورز به صورت جمعی در عملکردهای تولیدی مشارکت می‌کرد. آب نیز برای همه به صورت جمعی عرضه می‌شد. تعاونی دارای یک هیئت رئیسه است که توسط اعضا انتخاب می‌شوند. مدیرعامل هم توسط دولت از بین مهندسان کشاورزی انتخاب می‌گردد. از سال ۱۳۵۱ لغایت ۱۳۵۷، ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی در نقاط مختلف کشور به وجود آمده بود. از این تعداد، ۲۰ تعاونی پس از انقلاب منحل و زمینها به اعضا پس داده شد. اگر چه در سالهای اول انقلاب، توسعه این تعاونیها متوقف شده بود، ولی پس از چند

## دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی

نیازمند توجه به دو عنصر ضروری می‌باشد. اولین عنصر ضروری، مشارکت است.

عناصر دوم، سازمندی روستاییان در چارچوب تشکلهاست.

است. به طوری که، هر زارع خرده‌پا به طور متوسط علاوه بر این که دارای مقدار محدودی زمین است، این مقدار کم در قالب یک قطعه نیز نمی‌باشد، بلکه در قالب چندین قطعه جدا از هم است. به علاوه، قانون ارث روند بالا را در آینده شدیدتر نیز می‌کند.

۴) پذیرش شیوه‌های نوین تولید

تا مدت‌های مدیدی عقیده بر این بود که عدم پذیرش نوآوریها و شیوه‌های نوین تولیدی توسط کشاورزان به دلیل ویژگیهای شخصی آنان (از قبیل سنت‌گرایی، اعتقاد به قضا و قدر، بینش سنتی، خرده فرهنگ دهقانی) می‌باشد. ولی بررسیهای بعدی نشان داد که همیشه این عقیده درست نیست. این بررسیها تأکید کرده‌اند که یکی از شرایط مهم پذیرش نوآوری و شیوه‌های نوین، وسایل و امکانات و توان اقتصادی لازم است.

در واقع باید گفت که راهبرد توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی در کشور ایران، یک ضرورت اساسی است. این راهبرد، برای دستیابی به دو هدف اساسی، افزایش تولیدات کشاورزی و بهبود درآمد کشاورزان دارای یک نقش اساسی در این کشور می‌باشد. این راهبرد، تنها با رعایت اصول زیر، یک راهبرد موفق می‌باشد. این اصول عبارتند از:

الف - توافق و خواست کشاورزان:

توسعه و ایجاد تعاونیها، باید براساس خواستها و نیاز کشاورزان گروه هدف باشد. زیرا بررسیها و تجربه نشان داده است که آن برنامه‌های توسعه روستایی که همسو با خواستها و نیازهای ارباب رجوع نبوده‌اند، شکست خورده‌اند.

ب - مشارکت اعضاء در طراحی و اجرای برنامه‌ها:

مشارکت به معنای سهم شدن اعضاء در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌هاست. مشارکت در طراحی برنامه‌ها، تضمین‌کننده این امر می‌باشد که برنامه هماهنگ با خواست و نیاز اعضاء می‌باشد.

مشارکت در اجرای برنامه‌ها، سبب پیشبرد برنامه‌ها در جهت دستیابی به اهداف خواهد بود. لذا، متولیان این تعاونیها که بیشتر آنها مهندسین کشاورزی می‌باشند، باید به این نکته توجه خاصی داشته باشند.

ج - سعی شود از به‌کارگیری روشهای مرسوم اداری و بوروکراتیک در این تعاونیها خودداری شود. چرا که، حاکمیت این روشها بر تعاونیها، این تعاونیها را از حالت تعاونی خارج می‌سازد.

د - سعی شود افرادی که درون هر گروه قرار می‌گیرند، افرادی همگن (از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و...) باشند.

### نتیجه‌گیری

عملکردهای کشاورزی در جامعه روستایی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی در قالب سازمانهای سنتی تعاونی به نام "بنه‌ها" بوده است. اجرای اصلاحات ارضی در ایران به سال ۱۳۴۱، منجر به فروپاشی ساختار بنه‌ها گردید. قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی و ظهور کشاورزان خرده‌پای مستقل، از دیگر پیامدهای نامطلوب این اصلاحات (قطعه قطعه شدن اراضی) و در راستای یکپارچه سازی و افزایش تولیدات کشاورزی، دست به اقدامات و تلاشهای متفاوتی زد. به طور کلی، این اقدامات شامل گشایش واحدهای بزرگ تجاری کشت و صنعت، شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی بود. پس از انقلاب، یکی از اقدامات اساسی، گشایش واحدهای تولیدی مشاع بود که در واقع شیوه‌های خاصی از تعاونی بود. بررسیها و تجارب مختلف متخصصان و دست‌اندرکاران این برنامه‌ها نشانگر آن است که واحدهای کشت و صنعت، شرکتهای سهامی - زراعی و واحدهای تولیدی مشاع، برنامه‌های موفق نبوده‌اند. این بررسیها و تجارب بیانگر این است که تعاونیهای تولید روستایی تا حد زیادی موفق بوده‌اند و با شرایط

اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی ایران، هماهنگی بیشتری داشته‌اند. بر همین اساس با توجه به شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، توسعه تعاونیهای تولید روستایی و کشاورزی به عنوان گزینداری مناسب پیشنهاد می‌گردد. این گزینداری تنها زمانی موفق می‌باشد که براساس خواست کشاورزان باشد.

### منابع

- ۱) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰)، "مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹)، "جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۳) جلال کمالی، علی (۱۳۶۹)، "تحلیلی بر لزوم تشکیل نظامهای بهره‌برداری و انگیزه‌های ایجاد واحدهای تولیدی با نظامهای سهامی - زراعی، تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها"، مجموعه مقالات اولین همایش مشترک شرکتهای سهامی - زراعی، تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها، اول تا سوم اسفند ۱۳۶۸، مشهد. تهران: سازمان شرکتهای سهامی - زراعی و تعاونیهای تولید روستایی.
- ۴) شهبازی، اسماعیل (۱۳۶۸)، "توسعه کشاورزی و مسئله کوچکی، پراکندگی و دوری قطعات اراضی مورد کشت و کار هر خانوار کشاورز"، قسمت دوم، زیتون، شماره ۹۲.
- ۵) نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۶۱)، "اثرات تأسیس شرکتهای تعاونی تولید"، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۱۳، شماره‌های ۳، ۲، ۱ و ۴.
- ۶) لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۲)، "جامعه شناسی کشاورزی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۷) وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۲)، "قانون تشکیل شرکتهای سهامی - زراعی".



# ساختار ظرفیت پس انداز روستایی در ایران

## مطالعه موردی استان فارس

● دکتر بهاءالدین نجفی

● مهندس محمد قربانی

تشکیل سرمایه و یا به طور غیرمستقیم منجر به دگرگونیهای فنی می‌گردد. تردیدی نیست که پس انداز، می‌تواند با پیشرفت آموزش و گرایش‌های اقتصادی به بهبود توسعه اقتصادی منجر گردد. همچنین، هیچ کشوری بدون نرخهای پس اندازی بالا، توسعه پایدار ندارد. علاوه بر آن، در کشورهای توسعه نیافته، مشکل کمبود پس انداز موضوعی است که بیشتر صاحب‌نظران آن را یکی از عوامل محدود کننده رشد اقتصادی می‌دانند.

بنابر آنچه گذشت، می‌توان گفت که اگر بتوان پس اندازهای روستاییان را سازماندهی نمود، سرمایه‌های ناشی از پس اندازهای خانوارهای روستایی به بخش کشاورزی تزریق می‌گردد و یا بطور غیرمستقیم به سایر بخشها انتقال می‌یابد، تا صرف توسعه گردد. پس وجود پس انداز در جامعه روستایی از جمله عواملی است که از طریق سرمایه گذاری در ایجاد فن‌آوریهای نوین، افزایش بهره‌وری و اشتغال، می‌تواند به توسعه بخش کشاورزی و سایر بخشهای اقتصاد منجر گردد. (۸)

شغلی، ظرفیت پس انداز افزایش نخواهد یافت.

۴) ظرفیت پس انداز با اندازه مزرعه رابطه مستقیم دارد و کشاورزان تمایل بیشتری به پس انداز در بانکهای تجاری دارند.

در پایان با توجه به یافته‌ها، راهکارهایی جهت بهبود عملکرد بازار مالی روستایی ارائه شده است.

### ■ مقدمه و طرح مسأله

رشد اقتصادی در هر کشوری، تابع میزان سرمایه‌گذاری در آن کشور است. منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی بیشتر از محل پس اندازهای مردم بدست می‌آید که در بانکها سپرده‌گذاری می‌شود. بدین لحاظ، هر چه کارایی تجهیز و گردآوری سپرده‌ها از طریق بانکها افزایش یابد، منابع بیشتری جهت سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود.

از نظر اقتصاددانان، پس انداز یکی از عوامل اساسی در فرایند توسعه اقتصادی است که به طور مستقیم، منابع آن منجر به

### ■ چکیده

پس انداز از عوامل اساسی در فرایند توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. اگر بتوان پس اندازهای روستاییان را سازماندهی کرد، منجر به توسعه بخش کشاورزی و دیگر بخشهای اقتصادی می‌شود. بنابراین، توسل به پس اندازهای روستایی حائز کمال اهمیت است. در ایران (با توجه به مجموعه سیاستهای اتخاذ شده در بخش کشاورزی) به نظر می‌رسد که ظرفیت پس انداز قابل توجهی در روستاها پدید آمده باشد که بخشی از آن توسط نهادهای مالی جذب شده است. بنابراین، با هدف تبیین ساختار ظرفیت بالفعل پس انداز روستایی، این بررسی بر روی ۲۰۲ سپرده گذار روستایی استان فارس در سال ۱۳۷۵ صورت پذیرفت. نتایج بررسی نشانگر آن است که:

- ۱) ظرفیت بالفعل پس انداز روستاییان ۲۸/۴ درصد می‌باشد.
- ۲) با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز در بانکها افزایش نمی‌یابد.
- ۳) در هر گروه درآمدی با افزایش تنوع

بنابراین، توسل به پس‌اندازهای روستایی که طبقه عظیم مولد کشور می‌باشند، حائز کمال اهمیت است.

در ایران، اکنون در بخش کشاورزی با توجه به مجموعه سیاست‌گذارها و نیز وجود زمینه‌ها و منابع درآمدی مختلف، افزایش قابل توجهی در درآمد کشاورزان حاصل شده است که مازادی را به وجود آورده که بخشی از آن به شکل سپرده‌گذاری از سوی روستاییان توسط نهادهای مالی جذب شده باشد. به عبارت دیگر، بر خلاف دیدگاه‌های رادیکال که معتقد به عدم وجود ظرفیت پس‌انداز در مناطق روستایی بوده و برنامه‌ریزی در جهت جذب آن را فاقد استدلال لازم و غیرمنطقی می‌دانند، به نظر می‌رسد که ظرفیت پس‌انداز قابل توجهی در روستاها پدید آمده است.

از آنجایی که به دلیل عدم تفکیک حسابهای سپرده روستایی و شهری، تاکنون بررسی و مطالعه‌ای در زمینه تعیین ظرفیت بالفعل پس‌اندازی روستاییان (جذب شده توسط نهادهای مالی) صورت نگرفته و نیز، ساختار این ظرفیت در ارتباط با منابع درآمدی مختلف مشخص نگردیده است. بنابراین، مطالعه در باب تعیین ظرفیت پس‌انداز و شناخت ساختار آن ضرورت می‌یابد که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

## ■ اهداف

در این مطالعه و بررسی تلاش گردید تا اهداف زیر مورد بررسی قرار گیرد:

- ۱) تعیین ظرفیت بالفعل پس‌انداز روستاییان استان فارس
- ۲) بررسی تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر ظرفیت پس‌انداز
- ۳) بررسی ظرفیت پس‌انداز روستاییان در گروه‌های شغلی و درآمدی
- ۴) رابطه ظرفیت پس‌انداز روستاییان با اندازه مزرعه
- ۵) بررسی تمایل به پس‌انداز روستاییان در بانکهای مختلف
- ۶) بررسی دیدگاه سپرده‌گذاران در ارتباط با دلایل پس‌انداز در بانکهای تجاری

## ■ فرضیات

در مطالعه حاضر، تلاش می‌گردد تا صحت یا سقم فرضیات زیر مورد آزمون قرار گیرد:

- ۱) ظرفیت بالفعل پس‌انداز روستاییان استان

فارس بالاست.

- ۲) تنوع در منابع درآمدی روستاییان، تأثیر مثبتی بر روی ظرفیت پس‌انداز دارد.
- ۳) با افزایش درآمد روستاییان، ظرفیت پس‌اندازی افزایش می‌یابد.
- ۴) ظرفیت پس‌انداز روستاییان با اندازه مزرعه رابطه مستقیم دارد.
- ۵) تمایل به پس‌انداز روستاییان در بانکهای تجاری بیش از بانک کشاورزی است.

## ■ روش شناسی پژوهش

نظر به اینکه مطالعه حاضر، فقط به پس‌انداز روستاییان پرداخته و به آن محدود شده است و بانک کشاورزی نیز به عنوان یکی از بانکهای تخصصی در این زمینه فعالیت دارد، نمونه مورد بررسی و مطالعه به صورت زیر انتخاب گردیده است: ابتدا با استفاده از آمارهای مربوط به میزان سپرده‌ها و تعداد سپرده‌گذاران در بانک کشاورزی استان فارس، شعبه‌های مختلف بانک کشاورزی از لحاظ سرانه جذب سپرده‌ها، از یک تا ۴۰ رتبه بندی گردید. پس از رتبه بندی دو شعبه انتخاب گردید که دارای فعالیت جذب سپرده ضعیف و قوی بوده اند که این شعب به ترتیب: ۱) شعبه فیروزآباد با ۹۷ روستا (بخش مرکزی)، ۲) شعبه بیضاء با ۷۹ روستا می‌باشد. در این مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۲۰۲ سپرده‌گذار روستایی در ۶۳ روستا مورد پیمایش قرار گرفته و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه، مربوط به سال زراعی ۷۳-۱۳۷۴ است که به صورت داده‌های مقطعی می‌باشد. جدول (۱) توزیع نمونه را در مناطق مورد مطالعه نشان می‌دهد. همانطوری که ملاحظه می‌گردد، ۵۶/۹۳ درصد نمونه‌ها در بیضاء و ۴۳/۰۷ درصد نمونه‌ها در فیروزآباد می‌باشد. در این مطالعه و بررسی، پس‌انداز عبارت است از وجوهی که روستاییان در بانکها و نهادهای مالی به شکل سپرده ذخیره نموده‌اند. در واقع، محور بحث پس‌انداز بالفعل می‌باشد. ظرفیت پس‌انداز نیز بخشی از درآمد روستاییان می‌باشد که پس‌انداز می‌گردد.

به منظور بررسی رابطه بین ظرفیت پس‌انداز روستاییان و اندازه مزرعه (سطح زیرکشت) از رگرسیون<sup>(۱)</sup> خطی به فرم زیر

بهره گرفته شده است:

$$APS = C + BX + U$$

که در آن:

- $APS$  = ظرفیت پس‌انداز روستاییان به درصد  
 $X$  = اندازه مزرعه (سطح زیرکشت) به هکتار  
 $C$  = عرض از مبدأ  
 $B$  = پارامتر رگرسیون که باید برآورد گردد  
 $U$  = جمله اختلال تصادفی می‌باشد.

## ■ ظرفیت پس‌انداز روستایی، پیشینه نگاه‌ها

در باره ظرفیت پس‌انداز روستایی، عقیده‌های مختلفی وجود دارد. گروهی از اقتصاددانان، بر این عقیده اتفاق نظر دارند که ظرفیت پس‌اندازی در نواحی روستایی وجود دارد ولیکن، میزان این ظرفیت پایین است و هزینه‌های مربوط به بسیج پس‌اندازها، هزینه‌های اداری و ... نسبت به منافع حاصل از این پس‌اندازهای بالقوه، بالا می‌باشد. عده دیگری از اقتصاددانان، بر این عقیده‌اند که در نواحی روستایی، ظرفیت پس‌اندازی به دلیل پایین بودن درآمدهای روستاییان، فرصتهای شغلی مناسب و نیز، عدم وجود نهادهای مالی وجود ندارد. به عبارت دیگر، چنین مقوله‌ای در روستا قابل بحث نمی‌باشد. در این بخش به تجربیات چند کشور در این زمینه اشاره می‌شود:

### الف) تجربه تایوان

آنگ، آدامز و سنگ (۱۵) نشان دادند که طی دوره ۷۰-۱۹۵۳، نرخهای واقعی بهره پرداخت شده به سپرده‌های مدت‌دار تنها در دو سال ۱۹۵۳ و ۱۹۶۰ منفی بوده است. آنها ظرفیت پس‌انداز خانوارهای روستایی را طی دوره ۷۴-۱۹۶۰، بین ۱۹-۳۱ درصد تعیین کردند. همچنین، تجربه تایوان نشان داد که ظرفیت پس‌انداز در گروههای با اندازه مزرعه کوچکتر، بیشتر است و خانوارها، زمانی که امکانات و وسایل سرمایه‌گذاری سودآورتر داشته باشند، بیشتر پس‌انداز می‌نمایند.

### ب) تجربه ژاپن

مطالعه تودا (۱۴) بر روی خانوارهای روستایی ژاپن نشان داد که، ظرفیت پس‌انداز برای متوسط خانوارها از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳، از ۱۰ درصد تا ۲۲ درصد دگرگونی داشته است. بعد از سال ۱۹۶۰، پس‌انداز خانوارهای با مزارع خیلی کوچک در برخی از

قسمتها به دلیل افزایش سریع درآمدهای خانوار حاصل از منابع خارج مزرعه افزایش یافت.

### ج) تجربه کره

آن، آدامز و رائو (۳) نشان دادند که ظرفیت پس انداز برای خانوارهای روستایی کره، از ۱۵ درصد در سال ۱۹۶۲ تا ۳۳ درصد در سال ۱۹۷۴ نوسان داشته است. همچنین، این ظرفیت در مزارع کوچکتر بالاتر بوده است.

### د) تجربه مالزی

بررسی مقطعی (۲) لی (۱۱) در باره عملکردهای پس اندازی خانوارهای غرب مالزی در نیمه دهه ۱۹۶۰ نشان داد که ظرفیت پس اندازی مطلوبی بین خانوارهای روستایی وجود دارد. همچنین، این ظرفیت در میان کشاورزان و ماهیگیران به موازات افزایش درآمد افزایش یافته است. ظرفیت پس انداز در گروه شغلی کارگران، ۴۳ درصد و در گروه کشاورزان و ماهیگیران ۴۶ درصد تعیین گردیده است.

### ه) تجربه هند

بررسیهای مربوط به کالون و سنگ بال (۹) و دزاین (۵) نشان داد که ظرفیت پس انداز خانوارهای روستایی هند بین ۱۲ تا ۳۷ درصد بوده است.

### نتایج و بحث

در این بخش، ابتدا ظرفیت پس انداز روستایی مورد بحث قرار گرفته و سپس ساختار ظرفیت پس انداز تحلیل شده است.

### الف) ظرفیت پس انداز روستایی

همانگونه که گفته شد، اعتقاد دوگانه‌ای در ارتباط با ظرفیت پس انداز روستایی وجود دارد. به طوری که، گروهی معتقدند که در روستاها ظرفیت پس اندازی وجود ندارد و گروه دیگر اعتقاد دارند که ظرفیت پس انداز در روستاها وجود دارد، اما میزان آن اندک است و تجهیز و جمع‌آوری آن هزینه بر می‌باشد.

بررسی بر روی روستاییان مناطق مورد مطالعه فارس نشانگر آن است که ظرفیت پس اندازی روستاییان بیضاء و فیروزآباد به ترتیب ۳۵۱/۰ و ۱۹۴/۰ می‌باشد. به عبارت دیگر، روستاییان در این مناطق، به ترتیب

۳۵/۱ و ۱۹/۴ درصد از کل درآمد خود را در بانکها و نهادهای مالی (کشاورزی و تجاری) پس انداز کرده اند. ظرفیت پس انداز روستاییان فارس در این مطالعه، ۲۸۴/۰ تعیین گردیده است. به عبارت دیگر، در روستاهای فارس، مردم ۲۸/۴ درصد از کل درآمد خود را به شکل سپرده در بانکها و نهادهای مالی پس انداز نموده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که بر خلاف دیدگاههای رادیکال که معتقد به عدم وجود ظرفیت پس انداز در روستاها می‌باشند، روستاهای فارس ظرفیت پس اندازی قابل توجهی دارند که لزوم برنامه‌ریزی های آینده نهادهای مالی را در جهت حفظ ظرفیت موجود و ایجاد ظرفیتهای جدید برای جذب پس اندازهای موقت و کوچک روستاییان طلب می‌نماید.

### نتایج و بحث

در این بخش، ابتدا ظرفیت پس انداز روستایی مورد بحث قرار گرفته و سپس ساختار ظرفیت پس انداز تحلیل شده است.

### الف) ظرفیت پس انداز روستایی

همانگونه که گفته شد، اعتقاد دو گانه‌ای در ارتباط با ظرفیت پس انداز روستایی وجود دارد. بطوریکه، گروهی معتقدند که در روستاها ظرفیت پس اندازی وجود ندارد و گروه دیگر اعتقاد دارند که ظرفیت پس انداز در روستاها وجود دارد، اما میزان آن اندک است و تجهیز و جمع‌آوری آن هزینه بر می‌باشد.

بررسی بر روی روستاییان مناطق مورد مطالعه و فارس نشانگر آن است که ظرفیت

پس اندازی روستاییان بیضاء و فیروزآباد، به ترتیب ۳۵۱/۰ و ۱۹۴/۰ می‌باشد. به عبارت دیگر، روستاییان در این مناطق، به ترتیب ۳۵/۱ و ۱۹/۴ درصد از کل درآمد خود را در بانکها و نهادهای مالی (کشاورزی و تجاری) پس انداز کرده‌اند. ظرفیت پس انداز روستاییان فارس در این مطالعه، ۲۸۴/۰ تعیین گردیده است. به عبارت دیگر، در روستاهای فارس مردم ۲۸/۴ درصد از کل درآمد خود را به شکل سپرده در بانکها و نهادهای مالی پس انداز نموده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که بر خلاف دیدگاههای رادیکال که معتقد به عدم وجود ظرفیت پس انداز در روستاها می‌باشند، روستاهای فارس ظرفیت پس اندازی قابل توجهی دارند که لزوم برنامه‌ریزی های آینده نهادهای مالی را در جهت حفظ ظرفیت موجود و ایجاد ظرفیتهای

جدید برای جذب پس اندازهای موقت و کوچک روستاییان طلب می‌نماید.

### ب) تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای مختلف

میل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای مختلف در جدول (۲) خلاصه گردیده است. براساس این جدول، مشاهده می‌گردد که در بیضاء تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای ملت و کشاورزی و بسویژه در بانک صادرات کمتر است. در فیروزآباد میل نهایی به پس انداز روستاییان در بانک سپه بیشترین و در بانکهای صادرات و کشاورزی کمترین است.

اطلاعات جدول (۲) نشان می‌دهد که در کل نمونه مورد بررسی، میل نهایی روستاییان به پس انداز، به ترتیب در بانک ملت بیشترین و در بانک کشاورزی کمترین است. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که تمایل روستاییان به پس انداز در بانکهای کشاورزی در ردیف چهارم قرار دارد و در شرایط موجود، بانکهای تجاری توانسته‌اند سپرده‌گذاران را بیشتر متوجه نهاد خویش نمایند.

اگر چه وضعیت بانک کشاورزی در شرایط موجود نسبت به برخی از بانکها بهتر است، اما هنوز مطلوب نمی‌باشد و نتوانسته است روستاییان دارای پس انداز را جذب نماید.

### ج) تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر تمایل نهایی و متوسط به (ظرفیت) پس انداز

در این قسمت به بررسی تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر روی تمایل نهایی و متوسط به پس انداز پرداخته شده است که نتایج مربوط به آن در جدول (۳) خلاصه گردیده است. اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد که در بیضاء ظرفیت پس انداز برای خانوارهایی که منابع درآمدی آنها کشاورزی - مزدبگیری خصوصی و کشاورزی - دامداری است، نسبت به سایر گروههای شغلی بالاتر می‌باشد. اما تمایل نهایی به پس انداز در خانوارهایی بیشتر است که تنها به کشاورزی - دامداری اشتغال دارند. در فیروزآباد، ظرفیت پس انداز در خانوارهایی که تنها به مزدبگیری خصوصی می‌پردازند،

جدول (۱): توزیع بهره برداران مورد مطالعه در مناطق مختلف

مناطق	تعداد نمونه	درصد	تعداد روستاهای تحت پیمایش
بیضاء	۱۱۵	۵۶/۹۳	۳۶
فیروزآباد	۸۷	۴۳/۰۷	۲۷
جمع	۲۰۲	۱۰۰	۶۳

مآخذ: داده های بررسی

جدول شماره (۲): تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای مختلف

نوع بانک	بیضاء MPS**	فیروزآباد MPS	کل MPS
کشاورزی	۰/۲۷۸	۰/۰۰۵۷	۰/۰۶۵
ملی	-	-۰/۰۵۱*	-۰/۰۲۶*
ملت	۰/۳۸۹	-	۰/۲۱۶
صادرات	۰/۱۰۶	۰/۰۸۱	۰/۰۹
سپه	-	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶

\* از لحاظ آماری معنی دار نیست.

\*\*  $MPS = \alpha \cdot APS$  که در آن  $\alpha$  کشش درآمدی و APS ظرفیت پس انداز است.

مآخذ: داده های بررسی

رشد اقتصادی در هر کشوری تابع میزان سرمایه گذاری در آن کشور است. پس انداز از عوامل اساسی در فرایند توسعه اقتصادی به حساب می آید. اگر بتوان پس اندازهای روستاییان را سازمان دهی کرد، منجر به توسعه بخش کشاورزی و دیگر بخش های اقتصادی می شود.

شغلی و درآمدی

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول (۴) ملاحظه می گردد که در بیضاء، ظرفیت پس انداز در طبقه درآمدی اول در گروه شغلی دامداری، ۰/۷۵ و در طبقه درآمدی دوم در گروه شغلی کشاورزی - مزد بگیری خصوصی، ۰/۴۹۲ و در طبقه درآمدی سوم در گروه شغلی کشاورزی، ۰/۴۹ نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. به عبارت دیگر، در طبقات درآمدی اول، دوم و سوم به ترتیب: روستاییان ۷۵ درصد، ۴۹ درصد از کل درآمد خویش را پس انداز می نمایند. همچنین، ظرفیت پس اندازی در طبقات درآمدی اول، دوم و سوم به ترتیب در گروه های شغلی مزدبگیری خصوصی، مزدبگیری خصوصی و کشاورزی، صنایع دستی و دامداری نسبت به سایر گروه های شغلی کمتر است. میانگین کل ظرفیت پس اندازی نشان می دهد که میزان آن در گروه درآمدی اول کمترین و در گروه درآمدی دوم بیشترین است.

بنابراین، با توجه به اطلاعات ظرفیت

تمایل نهایی به پس انداز در یک گروه شغلی و در یک منطقه به این مفهوم نیست که در مناطق مختلف دیگر نیز نتایج مشابه است. (۴) تنوع در منابع درآمدی روستاییان نباید به مفهوم بالا بودن ظرفیت پس انداز و تمایل نهایی به پس انداز روستاییان تلقی گردد. هر چند در برخی گروه های شغلی بالاتر است، اما از تنوع کمتری برخوردار می باشند. (۵) ظرفیت پس اندازی معنی داری بین خانوارهای روستایی در گروه های شغلی مختلف وجود دارد. همچنین لازم به یادآوری است که ظرفیت پس اندازی روستاییان فارس ۰/۲۸۴ و تمایل نهایی به پس انداز ۰/۱۵۶ می باشد. به عبارت دیگر، روستاییان ۲۸/۴ درصد از کل درآمد خود را پس انداز می نمایند و نیز با افزایش درآمد روستاییان، به اندازه یک واحد میزان پس انداز آنها ۰/۱۵۶ افزایش می یابد. بنابراین، می توان گفت که میل نهایی به مصرف روستاییان ۰/۸۴۴ است که رقم بالایی می باشد. (د) ظرفیت پس انداز روستاییان در گروه های

نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. اما میل نهایی به پس انداز برای خانوارهایی که منابع درآمدی آنها کشاورزی صرف است، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است (تمایل برای سایر گروه ها قابل محاسبه نیست).

اطلاعات مربوط به کل روستاییان نشان می دهد که، ظرفیت پس انداز در خانوارهایی که منبع درآمدی آنها کشاورزی محض است، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر می باشد. اما تمایل نهایی به پس انداز در گروه کشاورزی - دامداری نسبت به سایر گروه ها بیشتر است. بر اساس نتایج بالا، می توان گفت که: (۱) ظرفیت پس انداز روستاییان در مناطق مختلف یکسان نیست. (۲) تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در مناطق مختلف یکسان نیست. (۳) ظرفیت پس انداز روستاییان و نیز تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در گروه های شغلی مختلف متفاوت بوده و از یک منطقه به منطقه دیگر دگرگون می شود. به عبارت دیگر، بالا بودن ظرفیت پس انداز و

پس اندازی بیضاء، می توان گفت که (۱) ظرفیت پس انداز با افزایش درآمد میان دامداران، کشاورزان، مزدبگیران خصوصی و کشاورزان افزایش می یابد. (۲) با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز افزایش نمی یابد.

به طوریکه ملاحظه می گردد، ظرفیت پس انداز در گروه سوم درآمدی نسبت به گروه دوم درآمدی که بیشترین است کاهش یافته است و تا حدی می توان گفت که در گروه های درآمدی بالاتر بخش بیشتری از درآمد، سرمایه گذاری و مصرف می گردد.

در فیروزآباد ملاحظه می گردد که در طبقات درآمدی اول، دوم و سوم به ترتیب ظرفیت پس انداز در گروه های شغلی کشاورزی - دامداری، مزدبگیری خصوصی و کشاورزی - دامداری و صنایع دستی - مزدبگیری خصوصی، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. در ارتباط با میانگین کل ظرفیت پس انداز، نتایج مشابه بیضاء می باشد. به عبارت دیگر با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز افزایش نمی یابد.

اطلاعات مربوط به کل روستاییان تحت مطالعه نشان می دهد که در طبقات درآمدی سه گانه، ظرفیت پس انداز به ترتیب در گروه های شغلی دامداری، کشاورزی و کشاورزی دامداری - صنایع دستی - مزدبگیری خصوصی، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. همچنین، در گروه های سه گانه، ظرفیت به ترتیب در گروه های شغلی مزدبگیری خصوصی، کشاورزی - دامداری - صنایع دستی، مزدبگیری خصوصی و کشاورزی - دامداری و مزدبگیری خصوصی نسبت به سایر گروه های شغلی کمتر است.

بنابراین، می توان گفت که (۱) با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز در بانک افزایش نمی یابد. (۲) در هر گروه درآمدی با افزایش تنوع شغلی، ظرفیت پس انداز افزایش نمی یابد. (۳) ظرفیت پس انداز روستاییان در هر گروه درآمدی قابل توجه است.

## ۵) رابطه ظرفیت پس انداز روستاییان با اندازه مزرعه

اطلاعات مربوط به رابطه ظرفیت پس انداز روستاییان با اندازه مزرعه در جدول (۵) ارائه گردیده است. بر اساس اطلاعات مندرج در این جدول در بیضاء، ظرفیت پس انداز روستاییان با افزایش اندازه مزرعه،

افزایش را نشان می دهد. در فیروزآباد نیز همین روند ملاحظه می گردد. در ارتباط با ظرفیت پس انداز روستاییان در بانکهای کشاورزی و تجاری در مناطق بیضاء و فیروزآباد در گروه اول با افزایش اندازه مزرعه، این ظرفیت افزایش و پس از آن کاهش یافته است. اما اطلاعات مربوط به کل روستاییان نشانگر آن است که ظرفیت پس انداز با اندازه مزرعه رابطه مستقیم دارد. به طوری که در گروه اول (زیر ۶ هکتار) ظرفیت پس انداز کمترین و در گروه سوم (بالای ۱۲ هکتار) بیشترین است. به عبارت دیگر، می توان گفت که روستاییان با سطح زیر کشت بالاتر نسبت به کشاورزان کوچکتر، ظرفیت پس انداز بالاتری دارند. به طوریکه اطلاعات مربوط به کل روستاییان در سه گروه نشان می دهد، روستاییان به ترتیب در گروه اول ۲۳/۲ درصد، در گروه دوم ۲۸/۴ درصد و در گروه سوم ۴۷/۸ درصد از درآمد خود را پس انداز می نمایند.

## ۶) رابطه بین تمایل متوسط به پس انداز (ظرفیت پس انداز) و سطح زیر کشت

در بخش قبل، به بررسی رابطه بین APS و سطح زیر کشت در طبقات مختلف سطح زیر کشت پرداخته شد. در این قسمت، به منظور بررسی رابطه بین APS و سطح زیر کشت در مناطق مورد بررسی، رگرسیونهای خطی بین این دو متغیر برآورد شده که نتایج آن در جدول (۶) آمده است.

بر اساس این جدول، ملاحظه می گردد که در بیضاء بین ظرفیت پس انداز روستایی و سطح زیر کشت رابطه ای مستقیم وجود دارد. ضریب مربوط به متغیر سطح زیر کشت نشان می دهد که با افزایش یک واحد سطح زیر کشت، APS به اندازه ۰/۱۳۵ واحد افزایش می یابد. میزان  $R^2$  نیز نشان می دهد که متغیر سطح زیر کشت، حدود ۱/۵۸ درصد دگرگونی ظرفیت پس انداز روستاییان را توجیه می نماید. میزان  $R^2$  پایین، بیانگر این مطلب مهم است که ظرفیت پس انداز روستاییان، اگر چه با سطح زیر کشت رابطه مستقیمی دارد، اما عوامل و منابع درآمدی مختلفی در روستاها مانند قالببافی، دامداری، کار در خارج از مزرعه و ... وجود دارند که بر روی ظرفیت پس انداز روستاییان اثر می گذارند.

در فیروزآباد نیز رابطه بین این دو متغیر مثبت است. به عبارت دیگر، با افزایش سطح

زیر کشت، APS نیز افزایش می یابد. به طوری که، با افزایش سطح زیر کشت به اندازه یک واحد، APS به اندازه ۰/۱۱۹ واحد افزایش می یابد. میزان  $R^2$  نیز نشان می دهد که ۵/۰۴ درصد از دگرگونیهای APS توسط سطح زیر کشت توجیه می گردد.

مقایسه ضریب متغیر سطح زیر کشت در بیضاء و فیروزآباد نشان می دهد که در بیضاء تأثیر متغیر سطح زیر کشت بر روی APS، بیش از فیروزآباد است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در فیروزآباد فرصتهای شغلی بیشتری وجود دارد که می تواند بر روی درآمد روستاییان و به تبع آن بر روی APS تأثیر داشته باشد. به عبارت دیگر، در فیروزآباد، درآمد کل بدست آمده از مشاغل دیگر، نقش بیشتری به عنوان مکمل بر روی ظرفیت پس انداز روستاییان دارد.  $R^2$  بالاتر در فیروزآباد این مطلب را تأیید می نماید.

بر اساس اطلاعات جدول ملاحظه می گردد که رابطه بین APS و سطح زیر کشت برای کل نمونه ها مستقیم است. بنابراین، به طور کلی می توان نتیجه گرفت که بین سطح زیر کشت و ظرفیت پس انداز روستاییان رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر، روستاییانی که دارای سطح زیر کشت پایین تری می باشند، ظرفیت پس اندازی کمتری دارند. ضریب مربوطه نشان می دهد که با افزایش سطح زیر کشت به اندازه یک واحد، ظرفیت پس انداز به اندازه ۰/۱۳۳ واحد افزایش می یابد.  $R^2$  نیز نشان می دهد که ۲/۳۹ درصد از انحراف تغییرات APS توسط سطح زیر کشت توجیه می گردد. مقدار آماره دوربین - واتسون، فرض عدم وجود پدیده خودهمبستگی را بین جملات اختلال هر سه رگرسیون تأیید می نماید.

## ۷) سپرده های روستاییان در بانکها

میانگین سپرده های روستاییان در بانکهای مختلف در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در جدول (۷) ارائه گردیده است. بر اساس این جدول ملاحظه می گردد که در بیضاء، طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، به ترتیب بانک کشاورزی رتبه دوم و سوم و بانک صادرات و ملت رتبه اول را در جذب سپرده های مردمی کسب نموده اند. بنابراین، موفقیت بانک ملت بسیار چشمگیر بوده است. به طوریکه از رتبه سوم در سال ۱۳۷۳ به رتبه اول در سال ۱۳۷۴



جدول شماره (۳): تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر روی تمایل متوسط و نهایی به پس انداز

کل		فیروزآباد		بیضا		منابع درآمدی
MPS	APS	MPS	APS	MPS	APS	
۰/۳۲۱	۰/۳۲۲	۰/۲۰۴	۰/۲۲۷	۰/۷۲	۰/۳۷۱	کشاورزی
۰/۲۳۶	۰/۳۱۵	۰/۱۷	۰/۱۸۵	۰/۸۱۳	۰/۳۸۲	کشاورزی - دامداری
-	۰/۱۴۹	-	۰/۱۴۹	-	-	کشاورزی - دامداری - مزدبگیری خصوصی
-	۰/۱۹۸	-	۰/۱۹۸	-	۰/۱۹۹	کشاورزی - صنایع دستی - دامداری
-	۰/۱۵	-	۰/۲۷۸	-	۰/۰۲۳	مزدبگیری خصوصی
-	۰/۱۶۸	-	۰/۰۱۳	-	۰/۲۴۶	دامداری
-	۰/۲۳۵	-	۰/۱۵۷	-	۰/۳۷۴	کشاورزی - مزدبگیری خصوصی
-	۰/۲۱۸	-	۰/۲۳۷	-	۰/۳۴۹	کشاورزی - صنایع دستی
-	۰/۲۶۹	-	۰/۲۳۷	-	۰/۱۸۲	کشاورزی - مزدبگیری عمومی
-	۰/۱۸۹	-	۰/۱۸۹	-	-	کشاورزی - دامداری - صنایع دستی - مزدبگیری خصوصی

مأخذ: داده‌های بررسی

جدول شماره (۴): رابطه بین APS و سطح زیر کشت

d	F	R <sup>2</sup>	متغیر مستقل		مناطق
			X	C	
۲/۰۴۶	۴/۸۲***	۰/۰۱۵۸	۰/۰۱۳۵ (۱/۳۵)*	۰/۲۵۹ (۳/۰۷۵)***	بیضا
۱/۸۳۲	(۴/۵۱)***	۰/۰۵۰۴	۰/۰۱۱۹ (۲/۲۱۴)**	۰/۱۱۸ (۲/۴۷۵)***	فیروزآباد
۱/۹۴۹	(۴/۹۱۵)***	۰/۰۲۳۹	۰/۰۱۳۳ (۲/۲۱۷)**	۰/۱۹۵ (۳/۸۴۴)***	کل

اعداد داخل پرانتز برانز مقدارآماده ۴ را نشان می‌دهد.

\* معنی دار در سطح ۱۰ درصد

\*\* معنی دار در سطح ۵ درصد

\*\*\* معنی دار در سطح ۱ درصد

مأخذ: نتایج بررسی

ارتقاء یافته است.

در فیروزآباد در هر دو سال، بانک کشاورزی رتبه آخر (هفتم) و بانکهای تجارت و مسکن به ترتیب در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، مقام اول را در جذب سپرده های مردمی کسب نموده اند.

اطلاعات مربوط به کتل نمونه تحت بررسی، نشان می‌دهد که طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، به ترتیب بانک مسکن و ملت رتبه اول و بانک کشاورزی رتبه هفتم را کسب

نموده‌اند. بنابراین، جدول نشان می‌دهد که بانک ملت جهشی در جذب سپرده‌ها داشته است. به طوری که از رتبه پنجم در سال ۱۳۷۳ به رتبه اول در سال ۱۳۷۴ رسیده است. همچنین، به استثنای بانکهای ملت و کشاورزی در سایر بانکها، میزان سپرده‌ها طی سالهای ۷۳-۱۳۷۴ کاهش را نشان می‌دهد. نتیجه دیگر آنکه، تمامی بانکهای تجاری رقیب بانک کشاورزی محسوب می‌گردند. مقایسه اطلاعات پس‌اندازی بیضاء و

فیروزآباد نشان می‌دهد که (۱) روستاییان بیضاء تنها در بانکهای کشاورزی، ملت، صادرات و ملی پس انداز می‌نمایند. زیرا تنها این ۴ بانک در منطقه حضور گسترده دارند. در حالی که در فیروزآباد، بانکهای تجارت و مسکن و سپه نیز فعالیت دارند. (۲) در سال ۱۳۷۴، میزان سپرده‌های روستاییان بیضاء در بانکهای ملی، کشاورزی، ملت و صادرات بیش از فیروزآباد بوده است و در سایر بانکها در فیروزآباد بالاتر بوده است. (۳) در سال

جدول شماره (۴): ظرفیت پس انداز روستاییان در گروههای شغلی و درآمدی گروههای شغلی

گروههای درآمدی (اصولاً همراز زنان)	کشاورزی و دامداری		کشاورزی		کشاورزی و دامداری		کشاورزی		کشاورزی و دامداری		کشاورزی		گروههای درآمدی (اصولاً همراز زنان)
	کشاورزی و دامداری	کشاورزی	کشاورزی و دامداری	کشاورزی	کشاورزی و دامداری	کشاورزی	کشاورزی و دامداری	کشاورزی	کشاورزی و دامداری	کشاورزی	کشاورزی و دامداری		
بیشتر	۰/۱۹۴	۰/۲۸	-	۰/۲۱	۰/۲	۰/۷۵	۰/۲۲۷	-	۰/۱۹۵	۰/۲۲۷	۰/۱۲۶	۰/۱۹۵	۰/۱۹۵
۰/۲۶ و ۰/۲۶	۰/۲۲۹	۰/۲۰۳	-	۰/۲۲۷	۰/۲	۰/۱۱۹	۰/۲۹۲	۰/۲۴۹	۰/۲۰۲	۰/۲۴۹	۰/۲۲۴	۰/۲۰۲	۰/۲۰۲
۰/۷۲	۰/۴۹	۰/۲۲۶	-	۰/۳	-	۰/۵۸	۰/۱۳۲	-	۰/۳۸۲	۰/۱۳۲	-	۰/۳۸۲	۰/۳۸۲
فیروزآباد	-	۰/۹	-	-	-	-	-	-	۰/۹	-	-	۰/۹	۰/۹
۰/۲۶ و ۰/۲۶	۰/۳۸۸	۰/۳۲۶	۰/۲۷۸	۰/۸۸۸	۰/۷۵۵	۰/۱۱۷	۰/۱۲۶	۰/۱۱۸	۰/۲۵۳	۰/۱۲۶	۰/۲۲۴	۰/۲۵۳	۰/۲۵۳
۰/۸۲	۰/۱۷۵	۰/۱۰۱	۰/۲	۰/۲۰۵	۰/۳۹	۰/۰۰۸	۰/۱۸۲	۰/۳۱۶	۰/۵۶	۰/۱۸۲	۰/۲۲۳	۰/۵۶	۰/۵۶
کل	۰/۱۹۴	۰/۲۹	-	۰/۲۱	۰/۲	۰/۷۵	۰/۲۲۷	-	۰/۱۹۷	۰/۲۲۷	-	۰/۱۹۷	۰/۱۹۷
۰/۲۶ و ۰/۲۶	۰/۴۹۵	۰/۳۸۸	۰/۲۷۸	۰/۲۹۲	۰/۳۹۲	۰/۱۶۸	۰/۲۴۸	۰/۲۴۴	۰/۳۴۵	۰/۲۴۸	۰/۲۲۴	۰/۳۴۵	۰/۳۴۵
۰/۸۲	۰/۳۲۱	۰/۲۶۸	۰/۲	۰/۳	۰/۳۹	۰/۲۱	۰/۱۵۷	۰/۳۱۶	۰/۴۴۵	۰/۱۵۷	۰/۲۲۳	۰/۴۴۵	۰/۴۴۵

جدول شماره (۵): نمایان متوسط به پس انداز در روستاییان

اندازه مزرعه (هکتار)	بیضاء (میل متوسط به پس انداز)		فیروزآباد (میل متوسط به پس انداز)		کل (میل متوسط به پس انداز)	
	کشاورزی	تجاری	کشاورزی	تجاری	کشاورزی	تجاری
< ۶	۰/۱۸۴	۰/۱۰۴	۰/۱۱۸	۰/۰۴۷	۰/۱۳۶	۰/۱۰۵
> ۶ و < ۱۲	۰/۲۲۷	۰/۱۲	۰/۲	۰/۱۵۷	۰/۱۸۷	۰/۱۳۶
> ۱۲	۰/۱	۰/۳۵۶	۰/۱۹	۰/۴۲۷	۰/۴۷۹	۰/۳۳۱
کل	۰/۴۷۷	۰/۴۷۷	۰/۴۷۷	۰/۴۷۷	۰/۴۷۷	۰/۴۷۷

ماخذ: نتایج بررسی

۱۳۷۳، میزان سپرده‌های بانکهای کشاورزی و ملی در بیضاء بیش از فیروزآباد و در سایر بانکها در فیروزآباد بیش از بیضاء بوده است. (۴) روستاییان هر ساله، بخش ثابتی از درآمدهای خود را پس‌انداز می‌نمایند. جدول نشان می‌دهد که میانگین پس‌انداز روستاییان طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، به ترتیب  $۱۹۸۶۹۸۶/۳$  و  $۱۸۵۸۰۱۵/۸$  ریال بوده است که رقم قابل توجهی می‌باشد. میزان آن برای سال ۱۳۷۴ در بانک کشاورزی،  $۱۳۰۴/۳$  ریال تعیین گردیده است.

### ج) نگرشی بر دیدگاه روستاییان در ارتباط با دلایل پس‌انداز در بانکهای تجاری

دیدگاه روستاییان در باره دلایل سپرده گذاری در بانکهای تجاری در جدول (۸) ارائه گردیده است. بر اساس این جدول در بیضاء و فیروزآباد، قوی بودن خدمات بانکی بانکهای تجاری، به عنوان مهمترین دلیل سپرده گذاری مطرح گردیده است. در بیضاء پرداخت زودتر وام، را حتی پرداخت وام، پرداخت وامهای بلندمدت به عنوان دلایل بعدی مطرح گردیده است. در حالیکه در فیروزآباد، سرعت بالای عملیات بانکی اعطای وامهای بلندمدت، اعتبار بالا در شبکه بانکی به عنوان عوامل مهم بعدی عنوان شده‌اند.

اطلاعات مربوط به کل روستاییان تحت بررسی نشان می‌دهد که عواملی همانند قوی بودن خدمات بانکی (۱۶ درصد)، اعتبار بالا در شبکه بانکی (۹/۱ درصد)، سرعت بالای عملیات بانکی (۸/۹ درصد)، اعطای وامهای بلندمدت (۸ درصد) و برخورد مناسب با مشتری (۷/۲ درصد) جزو مهمترین عوامل مؤثر بر گرایش حساب و سپرده گذاری در بانکهای تجاری عنوان گردیده است. سایر عوامل از درجه اهمیت کمتری برخوردار می‌باشند. نتایج این بخش، می‌تواند راهنمای مناسبی برای بانک کشاورزی باشد تا با در نظر گرفتن این عوامل، میزان جذب سپرده‌های روستایی را افزایش دهد.

### ■ خلاصه و نتیجه گیری

با هدف بررسی ساختار ظرفیت پس‌انداز روستایی، مطالعه‌ای بر روی ۲۰۲ سپرده‌گذار روستایی استان فارس در سال ۱۳۷۵ صورت پذیرفت. نتایج بدست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که در استان فارس (۱) مردم

حدود ۲۸/۴ درصد از درآمد خود را در بانکها و نهادهای مالی پس‌انداز کرده‌اند. (۲) با افزایش درآمد، ظرفیت پس‌انداز در بانکها افزایش نمی‌یابد. (۳) در هر گروه درآمدی با افزایش تنوع شغلی، ظرفیت پس‌انداز افزایش نمی‌یابد. (۴) رابطه مستقیمی بین ظرفیت پس‌انداز و اندازه مزرعه وجود دارد. (۵) کشاورزان تمایل بیشتری به پس‌انداز در بانکهای تجاری دارند.

با توجه به ظرفیت پس‌انداز بالا در روستاهای فارس، بانک کشاورزی باید با انجام برنامه ریزی های اصولی در جهت جذب این پس‌اندازها و تشویق سپرده‌گذاران به پس‌انداز در بانک کشاورزی ( و در واقع تغییر گرایش آنها از سمت بانکهای تجاری به سمت بانکهای کشاورزی) اقدام نماید تا در نهایت، پس‌انداز روستاییان صرف توسعه روستا و بخش کشاورزی گردد. پاره‌ای از این اقدامات عبارتند از:

- ۱) افزایش نرخ سود سپرده بانکی حداقل ۱ تا ۲ درصد بالاتر از نرخ سود بانکهای تجاری بویژه برای شعب روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت پس‌انداز روستاییان به شهر و جذب آن توسط بانکهای تجاری
- ۲) بانک کشاورزی برای جذب بیشتر سپرده‌های مردمی، می‌تواند از برنامه‌های زیر استفاده نماید:
  - الف) ایجاد شعبه های سیار روستایی
  - ب) تعیین "روز پس‌انداز" در هر سال برای روستاییان به همراه پادشاهی ویژه
  - ج) تسریع در عملیات بانکی
  - د) پرداخت وامهای بالا و بلندمدت
  - ه) افزایش تعداد شعبه‌های روستایی
  - و) برخورد مناسب با مشتریان
  - ز) ارائه خدمات نوین بانکی به مشتریان
- ۳) از جمله سیاستهایی که بانک می‌تواند با ایجاد انگیزه در کارکنان خود تعقیب نماید، تعیین سقف پس‌انداز برای شعب مختلف هر استان می‌باشد. به این صورت که، هر ساله سقفی را برای این شعب تعیین نموده و در صورت تجاوز از آن، کارکنان شعبه های مورد نظر در استانها از طریق پادشاهی ویژه مورد تشویق قرار گیرند.

۴) با توجه به رابطه مثبت بین سطح زیر کشت و ظرفیت پس‌انداز روستاییان، برای کاهش هزینه‌های تولید، افزایش درآمد و پس از آن افزایش پس‌انداز، یکپارچه سازی اراضی و ایجاد تعاونیهای تولید کشاورزی توصیه

می‌گردد.

۵) با توجه به بالا بودن ظرفیت پس‌انداز در گروههای شغلی کشاورزی، کشاورزی دامداری و کشاورزی - صنایع دستی توصیه می‌گردد برنامه های آینده ترویج بر محورهای گفته شده بالا متمرکز گردد، تا پس‌انداز، بتواند به عنوان ابزار توسعه عمل نماید.

### ■ منابع

- ۱- قربانی، محمد. (۱۳۷۵). ظرفیت پس‌انداز و سازه‌های مؤثر بر پس‌انداز روستاییان در استان فارس. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۲- قربانی، محمد. (۱۳۷۶). کارایی اعطای وام به کشاورزان: هزینه های پنهان وام. جهاد، شماره ۲۰۳-۲۰۲، ۵۰-۵۶.
- 3- Ahn, C.Y., D.W. Adams and Y.K.Rao. (19/9); Rural household saving in the republic of Korea, 1962-76, "Journal of development economics", 4:53-75.
- 4- Burney, N.A. and M. Akmal (1991), "Food Demand in Pakistan: An application of the extended linear expenditure system", Journal of Agricultural economics", 42: 94-185.
- 5- Desai, B.M. and O.K. Desai (1971). "Potentializites for mobilizing investible funds in developing agriculture", Unpublished study Ahmedabad center for management in agriculture, Indian Institute of Managemetrn.
- 6- Diwan, R.K. (1968). "The effect of price on savings", Economic development and cultural change, 16: 432-39.
- 7- Goldberger, A.S. (1964). "Econometric theory", NewYork: J. Wiley and sons.
- 8- Igben, M.S. and S.O. Akande, (1988), "Propensity to save among nigerians: The rural-urban dichotomy and its implication for rural-urban migration phenomenon", Saving and development, 1:5-87.
- 9- Kahlon, A.S. and H. Singh Bal. (1971), "Factors associated with farm and family investment pattern in Ludhinan (Punjab) and Hissar (Haryana) Districts", 1966-67 through 1967-70,

جدول شماره (۷): میانگین سپرده‌های روستاییان در بانکهای مختلف

رتبه	فیروزآباد											
	۱۳۷۳			۱۳۷۴			۱۳۷۳			۱۳۷۴		
	رتبه	مبلغ	نوع بانک	رتبه	مبلغ	نوع بانک	رتبه	مبلغ	نوع بانک	رتبه	مبلغ	نوع بانک
۷	۸۵۹۲۱۷/۶۲	۸۴۴۷۶/۴۸	کشاورزی	۷	۲۰۷۴۲۳/۸	کشاورزی	۳	۱۳۰۱۳۰۴/۴	کشاورزی	۲	۱۲۷۹۳۹۱/۹	کشاورزی
۱	۱۵۹۲۸۵۲/۹	۱۴۱۶۶۷/۴	ملک	۲	۲۲۷۷۷۷/۸	ملک	۱	۱۶۶۲۶۸۰	ملک	۳	۱۱۲۴۶۸۱/۳	ملک
۵	۱۱۳۳۲۱۴/۳	۱۴۴۹۰۴۷/۶	صادرات	۶	۸۸۷۵۰۰	صادرات	۴	۱۳۰۰۰۰۰	صادرات	۱	۱۳۱۰۰۰۰	صادرات
۶	۱۱۰۰۵۸۹/۷	۱۳۲۰۰۰۰	ملی	۵	۹۲۷۳۶۸/۲۲	ملی	۲	۱۴۵۰۰۰۰	ملی	۴	۲۱۰۳۰۰۰۳	ملی
۴	۱۴۶۶۵۰	۱۸۲۶۵۰	سپه	۳	۱۴۶۶۵۰	سپه	۳	-	سپه	-	-	سپه
۲	۱۵۱۷۳۰۷/۷	۱۷۸۰۰۰۰	تجارت	۱	۱۵۱۷۳۰۷/۷	تجارت	۴	-	تجارت	-	-	تجارت
۳	۱۵۰۸۵۷۱/۴	۲۴۴۲۸۵۷/۱	مسکن	۲	۱۵۰۸۵۷۱/۴	مسکن	۱	-	مسکن	-	-	مسکن
میانگین	۱۸۵۸۰۱۵/۸	۱۹۸۶۹۸۶/۳		میانگین	۱۹۰۰۱۸۳/۹		میانگین	۲۱۷۹۰۷۱/۹		میانگین	۲۰۸۸۹۳/۵	

مأخذ: داده‌های بررسی

Unpublished report ludhiana, department of economics and sociology, Punjab agricultural university, n.d. p.116.

10- Kelly, A.C. (1976). "Saving, demographic change and economic development", Economic development and cultural change, 24: 830-40.

11- Lee, H.L.(1971), "Household saving in west Malaysia and the problem of financing economic development", Monograph series on Malaysian economic affairs, (Kuala Lumpur: Faculty of economic and administration, university of Malayas), 15: 54-7.

12- Liuch, C. and R.A. Powel (1977), "Patterns in household demand and saving", Oxford university press, NewYork.

13- Liuch, C., R.A. Powel and R.A. Williams. (1973), Consumer Demand system and aggregate, "Consumption in the U.S.A.: an application of the extended linear expenditure system", Canadian Journal of economics", 8:25-9.

14- Noda, T. (1970), "Saving of farm household", Agriculture and economic growth, Tokyo: University of Tokyo press.

15- Ong, M.M.L., D.W. Adams and L.G. Singh. (1976), "Voluntary rural saving capacities in Taiwan, 1960-70", American Journal of agricultural economic, 58:578-82.

16- Snyder, D.W. (1974), "Econometric studies of household saving behavior in developing countries: A survey", Journal of development studies, 10: 139-53.

extensionn: Problems and future strategies". Journal of rural development and administration. 26:4.

6- Muhammed, Amir(1983). "Research and development in Pakistan agriculture". Islamabad Pakistan: Agricultural research council.

7- Quresh, Mohamad H.S (1980). "Pakistan farmer education and extension services in selected Asian Countries". Tokyo, Japan: Asian productivity organization.

**پی نوشتها:**

۱- وقار ملک (کارشناس بانک جهانی)، کارگاه آموزشی آبان ۷۶ در کرج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج

Adaptive Research - ۲

۳- علیزاده شایق، جمیل (۱۳۶۰). "سمینار ترویج کشاورزی در پاکستان". گزارش منتشر نشده دی ماه ۱۳۶۰. سازمان ترویج کشاورزی. (ماشین شده).

1- Ahmed, AH (1994). "Experience with agricultural extension in the ESCWA regin. Agriculture and development in western Asia No.16, 24."

2- Amman, Jordan: United nations economic and social commission for wesern Asia.

3- Malik, Waqar. (1990)." A system paradigm: A study of agricultural knowledge system in Pakistan". Islamabad Pakistan: Leo books.

4- Ministry of Food, Agriculture and Cooperatives (1988). "Agriculture in Pakistan". Islamabad Pakistan. 5- Mohamad, Idrees(1994). "Agricultural

و جایگاهی برای نظام ترویج در بخش پژوهش در نظر بگیرد.

۵) به نظر می رسد که اگر رهیافت T&V مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به شرایط مناطق مختلف در جاهای مناسب به کار گرفته شود، باعث تقویت نظام ترویجی کشاورزی و توسعه کشاورزی کشور شود.

**منابع:**

۱- چاوداری، خالدالمسعود (۱۹۹۳). "موضوعات و پیشنهادات پیرامون نظام ترویج کشاورزی در پاکستان". گزارش منتشر نشده اجلاس بررسی نظامهای ترویج کشاورزی و وسایل و امکانات تقویت آنها در کشورهای خاور نزدیک. ترجمه و تنظیم دفتر تولید برنامه‌ها و انتشارات فنی سازمان تات. ماشین شده.

۲- پیشوائی، حسین و فرحزاد، هوشنگ (۱۳۶۶). "مأموریت به پاکستان در جهت بازدید از نظام ترویج کشاورزی پاکستان". گزارش منتشر نشده خرداد و تیر ماه ۱۳۶۶. سازمان ترویج کشاورزی. (پلی کپی شده)

**وزیر کشاورزی**

